



تعمیلی به مذاکره با آمریکا نداریم
پس از مذاکرات هسته‌ای که وزرای خارجه ایران و آمریکا مذاکراتی دو جانبه داشتند و در نهایت به نتایج مثبتی هم رسید و توافق هسته‌ای حاصل شد، نگاه جهان به موضوع ایران و آمریکا هم کمی تغییر کرد. همان موقع اخباری غیررسمی به گوش می‌رسید که دولت لویاسا پیشنهاد مذاکره بر سر سوریه... **ادامه صفحه ۱**

فهرست



حضور مردم در صحنه‌ها عامل اصلی افتخار جمهوری اسلامی ایران
رئیس مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت گفت: مهم‌ترین عامل قوت و اقتدار جمهوری اسلامی... **ادامه صفحه ۱۲**



دولت دوازدهم و اقتصاد ایران
تصریح کرد: با رکودی که در اقتصاد وجود داشت، اشتغال و رفاه بیشترین آسیب را دید، برای رفع این معضل باید زیرساخت‌های مناسب ایجاد کرد و منابع موجود را برای بهره‌مندی... **ادامه صفحه ۶**



نبش اقتصاد کشور
در نظریات مربوط به پیشرفت، معمولاً دو رویکرد کلی وجود دارد: رویکردی که معتقد است برای توسعه و پیشرفت، در ابتدا می‌بایست پای سرمایه‌گذار... **ادامه صفحه ۷**



کالبدشکافی ریشه‌های نرس سیاسی
برای یک کشور، بهترین موقعیت این است که مسئولین کشور از اخم و تهدید و تشر دشمن بترسند... اگر ترسیدند... **ادامه صفحه ۱۱**

یادداشت هفته

پیروزی ملت و نظام مقدس جمهوری اسلامی در حماسه انتخابات ۹۶ را به رهبری معظم و مردم شریف ایران تبریک عرض می‌کنیم. در این انتخابات اوج موفقیت نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران به امامت حکیمانه رهبر معظم انقلاب به رخ جهانیان کشیده شد. تمام آنان که سال‌ها بر طبل غیر معتبر بودن انتخابات می‌کوبیدند، همه به صحنه آمدند و به خطای بزرگ خود مبتنی بر عدم وجود مردم‌سالاری عملاً و قولاً بیش از پیش اعتراف کردند.

این انتخابات باشکوه، در آستانه چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب، دشمنان قسم خورده خود را وادار به خضوع در برابر نظام مردم‌سالار ما نمود و ما را وارد مرحله تازه‌ای از فعالیت برای پیش‌برد اهداف انقلاب کرد. در این انتخابات با صمه تلخی‌هایی که داشت و نباید از هیچ‌یک از آنان گذشت، جدا از پیروزی اول که پیروزی نظام و مردم بود، پیروزی‌های دیگری نیز به دست آمد که نباید چشم از آن فرو بست و باید آنها را بر سر دست گرفت و تداول بخشید. پیروزی دوم، پیروزی گشتمان توجه به محرومان و اهتمام بر اقتصاد مقاومتی و ایجاد کار، که ابتدا مورد انکار نامزدها بود، در نهایت مورد توجه و حتی تمهدهای نامزد پیروز قرار گرفت. پیروزی سوم این بود که قریب به ۱۶ میلیون نفر تحت تأثیر تهمت‌ها، تخریب‌ها و رقیب‌هراسی‌ها قرار نگرفتند. پیروزی چهارم در این انتخابات، ایجاد عدلی و همراهی یک اقلیت منسجم و قدرتمند بود که با کنارگیری آقای قالیباف به نفع آقای رئیسی به لوج رسید. پیروزی پنجم بالا رفتن هر چه بیشتر سطح آگاهی و مطالبه عمومی از دولتمردان برای این دولت و دولت‌های آینده بود که موجب می‌شود به شدت مراقب گفتارها و رفتارهای خود باشند و همواره نگران این مطالبه و محاکمه ملت ناظر و هوشیار باشند. پیروزی ششم حفظ احترام و محبوبیت آقای رئیسی در میان عموم ملت ایران بود، در عین حالی که رقابت جدی در نهایت بین ایشان و آقای دکتر روحانی شکل گرفت. عدم شکل‌گیری رأی منفی برای آقای رئیسی در یک رقابت کاملاً فشرده و نزدیک، که ناشی از رعایت اخلاق و صداقت ایشان بود، یک سرمایه عظیم برای جامعه ما محسوب می‌شود.

جمهوری اسلامی می‌تواند بر همه چالش‌ها فائق بیاید

جمهوری اسلامی با همه‌ی چالش‌هایی که در مقابل آن وجود می‌آورد می‌تواند نتیجه‌ی پندار و بر آن‌ها فائق شود. اگر ایمان در دل و عمل باشد کوه‌ها در مقابل انسان‌های قوی هموار می‌شود و قدرت مقاومت ندارد. هشت سال هم‌هی دنیا علیه ما جنگیدند آمریکا، شوروی ناتو، مرتجعین منطقه نظیر سعودی و کویت اما بر همه‌ی این‌ها فائق شدیم.



مراسم شب خاطره دفاع مقدس با حضور رهبر انقلاب

واقعیت زندگی و ذهن ما انگیزه دارند؛ همان کسانی که برای کشورهای اسلامی برنامه‌ریزی میکنند و به آنها ابلاغ میکنند و آنها هم قبول میکنند که مسئله جهاد و شهادت را از مجموعه کتابهای معارف دینی و مدارس و دانشگاه حذف کنند؛ همان انگیزه‌ها در داخل استمرار پیدا میکنند، نباید غفلت کرد... **ادامه در صفحه ۲**

های قوی هموار می‌شود. هشت سال همه دنیا علیه ما جنگیدند اما بر همه این‌ها فائق شدیم؛ این مثل ماجرای حضرت ابراهیم برای «لیطمئن قلبی» است.

تغذارید حادثه دفاع مقدس فراموش شود؛ کسانی برای ضعیف کردن این حقیقت در

ما اندیشه دفاع از هویت ملی و دینی و انقلابی را در عمل تجربه کردیم؛ بارها گفتیم خدای متعال انسان را در موانع کمک میکند؛ و من یتوکل علی الله فهو حسبه؛ جامعه‌ای که در جهت پیشرفت به سمت هدف والا حرکت می‌کند به‌طور طبیعی با موانع روبرو می‌شود. اگر ایمان در دل و عمل باشد کوه‌ها در مقابل انسان

فهرست



تجلی حماسه حضور
انسجام و وحدت مردم در حماسه سیاسی روز گذشته حول محور ولایت، این پیام مهم را به جهان مخابره کرد که این ملت زنده، پاینده و نسبت به آینده خوش... **ادامه صفحه ۳**



تحلیل و بررسی سند ۲۰۳۰
سند آموزش ۲۰۳۰ یونسکو که سال ۹۵ در کشور رونمایی شد، در بخش آموزش و پرورش دارای اهداف و چشم‌اندازهایی است که با اهداف سند تحول بنیادین... **ادامه صفحه ۵**



پلای رفاه‌طلبی و اشرافی‌گری
گر بیان انقلاب را گرفته جنگ و گسترش دخالت دولت در اقتصاد و توسل‌ات قیمت نفت در ۱۰ سال نخست پس از انقلاب موجب منفی شدن تولید... **ادامه صفحه ۹**



تحرکات سه‌گانه آمریکا در منطقه
قرار رویه‌جویی آمریکا پس از سوریه، این بار در شبه‌جزیره کره تکرار شد و آمریکای به‌اصطلاح ابرقدرت برای نشان دادن ضرب شست خود به کره شمالی... **ادامه صفحه ۱۱**



مهم‌ترین مؤلفه قدرت ایران
بسیاری از ملتها، رهبران دولتها و نظریه پردازان روابط بین‌الملل در پی پاسخ به این پرسش‌اند: چرا که پاسخ به این پرسش هر ملتی را می‌تواند به امنیت پایدار... **ادامه صفحه ۱۲**



پیشرفت علمی ایران
و آسیب‌های پیش رو
ولید علم، عبور از مرزهای دانش، شکل‌گیری چرخه‌ی علمی و مقابله‌ی از این دست همواره از جمله اساسی‌ترین خطوط... **ادامه صفحه ۱۲**



جایگاه سبک زندگی در تحقق اقتصاد مقاومتی
سبک زندگی، مجموعه‌ای از ارزش‌ها، طرز تلقی‌ها، شیوه‌های رفتار، حالت‌ها، سلیقه‌ها و... تأثیر شگرفی بر سرنوشت... **ادامه صفحه ۱۵**



فرهنگ پراختی آزادکرد



مسئله جهاد و شهادت از کتابهای درسی حذف نشود

کسانی برای ضعیف کردن حقیقت دفاع مقدس در واقعیت زندگی و ذهن مانگیزه دارند؛ همان کسانی که برای کشورهای اسلامی برنامه‌ریزی می‌کنند و به آن‌ها ابلاغ می‌کنند و آن‌ها هم قبول می‌کنند که مسئله جهاد و شهادت را از مجموعه کتابهای معارف دینی و مدارس و دانشگاه حذف کنند. همان انگیزه‌ها در داخل استمرار پیدا می‌کند و به شکل برخی خرده سیاست‌های فرهنگی دیده می‌شود. نباید غفلت کرد.

شدید؛ این مثل ماجرای حضرت ابراهیم برای «لیطمین قلبی» است.

نگذارید حادثه دفاع مقدس فراموش شود؛ کسانی برای ضعیف کردن این حقیقت در واقعیت زندگی و ذهن ما انگیزه دارند؛ همان کسانی که برای کشورهای اسلامی برنامه‌ریزی می‌کنند و به آنها ابلاغ می‌کنند و آنها هم قبول می‌کنند که مسئله جهاد و شهادت را از مجموعه کتابهای معارف دینی و مدارس و دانشگاه حذف کنند؛ همان انگیزه‌ها در داخل استمرار پیدا می‌کند. نباید غفلت کرد.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی عصر روز چهارشنبه ۳ خرداد در دیدار جمعی از فرماندهان، رزمندگان و هنرمندان و دست‌اندرکاران برنامه‌های شبهای خاطره‌ی دفاع مقدس، بیان خاطرات دوران هشت سال جنگ تحمیلی و استفاده از شیوه‌های هنری، ادبی و نو را برای انتقال آن‌ها به نسل جدید، کاری بسیار باارزش و مهم برشمردند و تأکید

مستقر شده بود. رهبر انقلاب اسلامی افزودند: اما فرماندهان و رزمندگان با توکل بر خداوند متعال و شناخت قدرت و توانایی‌های خود و اتکاء بر آن‌ها، توانستند شرایط را دگرگون کنند و در نیمه اول سال ۱۳۶۱، دو عملیات بزرگ فتح‌المبین و بیت‌المقدس انجام شد که نتیجه آن، گرفتن هزاران اسیر از متجاوزان یعنی و بازپس‌گیری بخش وسیعی از سرزمین و آزادسازی خرمشهر بود.

ایشان با اشاره به اینکه در دوران جنگ تحمیلی، همه قدرت‌های دنیا اعم از آمریکا، ناتو، شوروی سابق و مرتجعین منطقه، در مقابل جمهوری اسلامی قنار داشتند، افزودند: در چنین شرایطی توانستیم بر همه‌ی این قدرت‌ها فائق بیاییم؛ این تجربه‌های عملی برای اطمینان و آرامش قلبی ما کافی نیست؟

رهبر انقلاب اسلامی با اشاره به آیه قرآن کریم مبنی بر اینکه نباید به دل خود، اندوه و سستی راه دهیم، تأکید کردند: اگر به خدا ایمان واقعی داشته باشیم و به او توکل کنیم، می‌توانیم بر همه سختی‌ها و چالش‌ها، مؤمنانه فائق بیاییم.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با بیان اینکه گسترش این روحیه و این توکل عملی به‌واسطه‌ی یادداشت خاطره‌های دوران دفاع مقدس امکان‌پذیر خواهد بود، افزودند:

کتابهایی که در مورد خاطرات دفاع مقدس نوشته و با فیلم‌هایی که در این خصوص ساخته می‌شوند، فراتر از یک اثر هنری و یا ادبی صرف هستند و این آثار در واقع تزیین سیمان به پایه‌های انقلاب و هویت ملی و پیشرفت کشور است تا این پایه‌ها مستحکم‌تر و ماندگارتر شوند.

ایشان خاطرات دوران دفاع مقدس را یک ثروت ملی خواندند و با تأکید بر لزوم استمرار جمع‌آوری این خاطرات و همچنین استفاده از شیوه‌های هنری جذاب برای انتقال آن‌ها به نسل جدید و پرهیز از انحراف در بیان آن‌ها، افزودند: انتقال این خاطرات به جامعه، یک صدقه و حسنه و یک اتفاق بزرگ معنوی است و کسانی که در این عرصه فعالیت می‌کنند در واقع واسطه‌های رزق معنوی و الهی به کشور هستند.

رهبر انقلاب اسلامی، راهیان نور را نیز از جمله این صدقات و حسنات برشمردند و با اشاره به وجود انگیزه‌هایی برای تضعیف آثار و درس‌های دوران دفاع مقدس، خاطرنشان کردند:

قدرت‌طلبی و ضد دنیا طلبی باشد، قطعاً مراد بیشتر خواهد بود و در چنین جامعه‌ای، توکل عملی به خدا و احساس توانایی برای غلبه بر موانع، بسیار مهم است.

ایشان خاطرنشان کردند: جمهوری اسلامی اکنون می‌تواند مدعی پیروزی بر همه چالش‌های پیش روی خود شود، زیرا تجربه‌ی غلبه بر موانع فراوان و سخت را در دوران دفاع مقدس دارد.

رهبر انقلاب اسلامی تأکید کردند: اگر ایمان در دل و توکل بر خدا در عمل وجود داشته باشد، کره‌ها نیز در مقابل چنین اراده‌های هموار خواهند شد و قدرت مقاومت نخواهند داشت. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با اشاره به شرایط در دل و توکل بر خدا در عمل وجود داشته باشد، کره‌ها نیز در مقابل چنین اراده‌های هموار خواهند شد و قدرت مقاومت نخواهند داشت.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با اشاره به شرایط در دل و توکل بر خدا در عمل وجود داشته باشد، کره‌ها نیز در مقابل چنین اراده‌های هموار خواهند شد و قدرت مقاومت نخواهند داشت.

مراسم شب خاطره دفاع مقدس با حضور رهبر انقلاب

به مناسبت سالروز آزادسازی خرمشهر و در حسنیته امام خمینی (رحمه‌الله) برگزار شد؛

ما اندیشه دفاع از هویت ملی و دینی و انقلابی را در عمل تجربه کردیم؛ بارها گفتیم خدای متعال انسان را در موانع کمک می‌کند؛ و من توکل عالی الله

فهر حسبه؛ جامعه‌ای که در جهت پیشرفت به سمت هدف والا حرکت می‌کند به‌طور طبیعی با موانع روبرو می‌شود. اگر ایمان در دل و عمل باشد کره‌ها در مقابل انسان‌های قوی هموار می‌شود. هشت سال همه دنیا علیه ما جنگیدند اما بر همه این‌ها فائق

سفارش و تأکید می‌کنم...

تلاش پرانگیزه و اندیشیده و جوانانه؛ مطالبه رهبر انقلاب از رئیس دولت دوازدهم



اولویت‌های مدیریت انقلابی و اسلامی در عرصه خارجی



پیام رهبر انقلاب به مناسبت حضور گسترده و حماسی مردم در انتخابات

پیروز انتخابات، مردم ایران و نظام جمهوری اسلامی هستند. آرامش، متانت و نجابت شرکت کنندگان، امنیت انتخابات را تضمین کرد. دولت آینده، رعایت قشرهای ضعیف و برخورد با فساد را در صدر برنامه‌ها قرار دهد.

اقتدار ملی است همه در زیر سایه نظام جمهوری اسلامی و فرزندان این میهن سرافرازید، بکشید تا سهم خود از وظیفه‌ی پیشبرد کشور به سمت هدفهای بزرگ را بناسید و دنبال کنید. برآمدن همه‌ی آرزوهای ملی در گرو چنین اندیشه‌ی و چنین عمل کردن است.

۲- به رئیس‌جمهور محترم و همه‌ی کسانی که در دولت آینده شرکت خواهند داشت سفارش و تأکید می‌کنم که کار و تلاش پرانگیزه و اندیشیده و جوانانه را برای برطرف کردن مشکلات کشور در پیش گیرند و لحظه‌ی از این خط مستقیم غفلت نکنند، رعایت قشرهای ضعیف، توجه به روستاها و مناطق فقیر، در نظر گرفتن اولویتها، برخورد با فساد و با آسیب‌های اجتماعی، باید در صدر برنامه‌ها قرار گیرد.

۳- عزت ملی و رعایت حکمت در ارتباطات جهانی و اهتمام به اقتدار بین‌المللی نیز از جمله اولویت‌های مدیریت انقلابی و اسلامی است.

۴- لازم میدانم از یکایک آحاد شرکت‌کننده در انتخابات و نیز کسانی که در ترغیب آنان به این وظیفه نقش آفرینند تشکر کنم، بویژه مراجع معظم و علماء اعلام و نجیبان دانشگاهی و سیاسی و فرهنگی و هنری.

۵- لازم میدانم از حضرات نامزدهای ریاست جمهوری نیز که در این روشنگری و شورآفرینی برای انتخابات تأثیر جدی‌یر جای نهادند تشکر کنم. لازم میدانم از همه‌ی دست‌اندرکاران اجراء و نظارت انتخابات ریاست جمهوری و نیز انتخابات شوراهای شهر و روستا که متحمل زحمات طاقت‌فرسا شدند تشکر کنم.

۷- لازم میدانم از حافظان امنیت انتخابات و نیز از رسانه‌ی ملی که در انتخابات پیشرو، مرهون تلاش شایسته‌ی روزی و هنرمندانه‌ی آنان است سپاسگاری کنم.

۸- در پایان، خود و همگان را به تقوا و تلاش در راه وظیفه‌ی الهی و اجتماعی و پابندی به مسیر انقلاب که میراث ارزشمند امام خمینی بزرگ و شهادت گرانی است دعوت می‌کنم و شادی روح و علو درجات آنان را از خداوند متعال مستلث می‌نمایم.

والسلام علیکم ورحمة‌الله سید علی خامنه‌ای سی‌ام اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۶

و دوشادوش یکدیگر به نظام جمهوری اسلامی رأی دادند. اینجانب با خشوع در برابر خدای بزرگ، جبهه‌ی سیاس بر خاک میسایم، و لطف و رحمت و پاداش شایسته برای ملت ایران مستلث می‌نمایم و به پیشگاه حضرت بی‌فایده الاعظم ارواحنا فداه عرض سلام و اخلاص می‌کنم و نکاتی چند را متذکر می‌شوم:

۱- به مردم عزیز، عرض می‌کنم خدای را بر موفقیت در برگزاری انتخابات شکر گزارید و پس از اتمام روزها و هفته‌های پیش از انتخابات، اکنون به اتحاد و اتفاق عمومی بیاندیشید که بی‌شک یک عامل مهم استحکام و

در پی حضور پرشکوه و حماسی مردم در دوازدهمین دوره‌ی انتخابات ریاست جمهوری و پنجمین دوره‌ی انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر انقلاب اسلامی پیام تشکر و قدردانی صادر و بر نکات مهمی تأکید کردند. متن پیام رهبر انقلاب اسلامی به این شرح است:

بسم‌الله الرحمن الرحیم ملت عزیز ایران جشن حماسی انتخابات دیرروز، بار دیگر گوهر درخشان عزیم و اراده‌ی ملی را در برابر چشم جهانیان به جلوه آورد. مشارکت گسترده و پرشور شما، و

هجوم مشتاقانه به مراکز رأی‌گیری، و تشکیل صفهای طولانی برای رسیدن به صندوق‌های رأی در همه جای کشور، و از همه‌ی قشرهای اجتماعی، نشانه‌ی آساکار از استحکام پایه‌های مردم‌سالاری اسلامی و دل‌بستگی همگانی به این موهبت بزرگ پرورده‌گوار بود و ایران ایرانی را در آزمون میدان عمل، سرافراز و روشفید کرده دیرروز با این حضور متراکم و افکندن بیش از چهل میلیون بر گه‌ی رأی در صندوقها، نصاب تازه‌ی در انتخابات ریاست جمهوری پدید آمد و پیشرفت روزافزون ملت ایران را در عرصه‌ی حضور و بروز قدرتمندانه نشان داد. ایران اسلامی بار دیگر بدخواهان و

کین‌وزران و حسودان را عقب نشاند و دل دوستان و تحسین‌کنندگان خود را لبریز از شادی و افتخار کرد. پیروز انتخابات دیرروز، شما مردم ایرانید و نظام جمهوری اسلامی است که به‌فرغم توطئه و تلاش دشمنان، توانسته است اعتماد این ملت بزرگ را به‌طور فزاینده جلب کند و در هر دوره درخشش تازه‌ی نشان دهد. آزمون برجسته‌ی دیرروز تنها مشارکت گسترده نبود، آرامش و متانت و نجابت شرکت‌کنندگان که امنیت انتخابات را تضمین کرد، نیز بخش مهمی از این آزمون خیره‌کننده بود. همه‌ی قشرها، همه‌ی سلیقه‌ها، همه‌ی گرایشهای سیاسی در کنار هم به صحنه آمدند



فضای کنونی کشور و الزامات آینده سیاسی آن

کنکاشی در بیانات مقام معظم رهبری

روحية مطالبه گری و حساسیت نسبت به اجرای اقتصاد مقاومتی با محوریت تولید بهینه و لازم و ایجاد فضای کسب و کار مفید که باعث می شود که دولت‌رئان مختلف نسبت به اجرای آن تلاش بیشتری داشته باشند. در شرایط حاضر و خاص فضای کشور، گروه ها، جریان ها و مسئولین، تخفیان، عموم مردم و دولت مداران باید به چند مطلب حائز اهمیت توجه داشته باشند تا در راه رشد و حل معضلات اقتصادی، فکری، نگرشی و فرهنگی در تبعیت رهبری معظم به پیش بروند.

۱- روحیه مطالبه گری

روحیه مطالبه گری و حساسیت نسبت به اجرای اقتصاد مقاومتی با محوریت تولید بهینه و لازم و ایجاد فضای کسب و کار مفید که باعث می شود که دولت‌رئان مختلف نسبت به اجرای آن تلاش بیشتری داشته باشند. ضمن اینکه گسترش روحیه مطالبه گری باعث نهادینه شدن پیش از پیش فرهنگ اقتصاد مقاومتی است و در حقیقت نگاه مردم، سال عمل و پاسخگویی مسئولین به ملت ایران صف آرای کرده و از همه جوانب آن را



باشد. روحیه مطالبه گری پاسخگویی را به دنبال دارد.

۲- تلاش حقیقی برای تولید بهینه و اشتغال بیشتر

تاکید بر اشتغال و تولید داخلی ناشی از خلاءهایی است که باعث تضعیف اقتصاد ملی شده و در تضاد با روند مقاوم سازی اقتصاد است. بنابراین لازمه تحقق اقتصاد مقاومتی و ترمیم مشکلات کشور حرکت در مسیر تولید اشتغال و تقویت تولید ملی است. در بحث تحقق اشتغال و تقویت تولید داخلی رهبر معظم انقلاب نمود و تأثیر عینی آن را مد نظر قرار دادند و با اشاره به آمارهایی که به صورت رسمی بیان می شود فرمودند: «آمارهای رسمی انسان را قانع نمیکند به اینکه حرکت عمومی به سمت رفع مشکلات اقتصادی است.» بنابراین اقدام مؤثر در عرصه اقتصاد مقاومتی اشتغال و حمایت از تولید می بایست عینی باشد و دادن آمار و ارقام نمی تواند به تنهایی شانه رشد و حرکت در این عرصه باشد.

۳- تقویت ایمان و انس بیشتر با قرآن و ادعیه

تنها با ایمان قوی، انس بیشتر با قرآن و ادعیه می توان در مقابله با مشکلات و فشارها، مبارزه و مجاهدت کرد. اوضاع خاص و حساس کنونی کشور بسیار شبیه جنگ احزاب در زمان پیامبر (ص) است. امروز نیز همه دنیاپرستان و زورگویان عالم در مقابل جمهوری اسلامی ایران صف آرای کرده و از همه جوانب آن را

خیمینی (ره) در حرم ایشان تمام گفته های خود در خصوص انقلابی گری را جمع بندی کرده و در ۵ شاخص اعلام کردند که عبارت است از: پایبندی به مبانی و ارزش های اساسی انقلاب اسلامی؛ هدف گیری مستمر آرمان ها و همت بلند برای رسیدن به آنها؛ پایبندی به استقلال همه جانبه کشور؛ حساسیت در برابر دشمن و تبعیت نکردن از او و تقوای دینی و سیاسی.

۶- غرب ستمیزی بر مبنای عقلایت اسلامی

انقلاب اسلامی یک انقلابی عقلایی بوده و باید گفت کسانی که معتقدند برای پیشرفت کشور باید به غرب پناه برد، عقل خود را باخته اند، زیرا عقل می گوید باید از تجربه ها درس گرفت. عقلایت حکم می کند که با چنین دشمنی با خرد و تدبیر برخورد شود و فریب او را نخوریم و وارد مبدانی که او ترسیم کرده، نشویم. مواضع نظام اسلامی درخصوص مسائل منطقه، در چارچوب عقلایت است. در قضیه برجام ثابت شد که آمریکایی ها اغم از کنگره و دولت هجرتان سرگرم دشمنی با ملت ایران هستند.

۷- حضور حداکثری در میدان های انقلاب و شور سیاسی لازم

رهبر انقلاب همواره بر حضور در عرصه دفاع از انقلاب اسلامی تأکید دارند و می فرمایند: من توصیه ی اول و اهتمم حضور در پای صندوقهای رای است؛ این از همه چیز مهم تر است برای کشور. ممکن است بعضی ها حالا به هر دلیلی نخواهند از نظام جمهوری اسلامی حمایت بکنند اما از کشورشان که می خواهند حمایت کنند، آنها هم باید بایند پای صندوق رای. همه باید بایند هر کسی که انتخاب خواهد شد اگر چنانچه آراء بیشتری از مردم را داشته باشد، در صورتی که دارای رای سدید و خوبی باشد، بهتر می تواند از آن رای دفاع کند؛ میتوان در مقابل معارضین کشور ایستاد.

۸- اعتماد به ملت بصیر

مقام معظم رهبری در بیانی می فرمایند: «من بر اساس وظیفه دینی و شرعی و اخلاقی، تا جان در بدن دارم خواهم ایستاد و به مردم هم اعتماد دارم؛ همچنان که به نتیجه ایستادگی یعنی پیروزی یقین دارم در میان تخمگان کشور به ویژه دانشگاهیان و دانشجویان نیز عناصر مؤمن و معتقد به ایستادگی بسیار زیاد هستند به گونه ای که هر فرد دلسردی را هم دلگرم می کند»



عقب نشاندن بدخواهان و شادی دوستان ایرانی اسلامی

انتخابات و سه کاپ پیروزی، اخلاق و قانونگرایی

مشارکت بیش از ۴۰ میلیون رأی در پیروزی با این حضور متراکم و انعکاس بیش از ۴۰ میلیون برگه رأی در صندوقها، مصاب تازیدی در انتخابات راست جمهوری پدید آمد و پیشرفت روزافزون ملت ایران را در عرصه حضور و پیروز قدرندانه نشان داد. ایران اسلامی بار دیگر بدخواهان و کین روزان و حسودان را عقب نشاند و دل دوستان و تحسین کنندگان خود را برای آزادی و اخلاقی کرد.

موج می زند با دریافت رای مجدد دریافت کرد اما یقینا این آغاز ماجراست و در روند اجرا وقتی مردم و تخمگان رقیب این واقعیات را به او یادآور شوند، باید برای این واقعیات انکار کرده در ایام تبلیغات هم رفقا برای کسب رای صورت گرفته، پاسخی داشته باشد. چرا که در صحنه مواجهه مردم با معضل بیکاری، تورم ۵۱ درصدی مایحتاج عمومی مردم، وامهای بی حسابی که به عده ای اندک واگذار شده و دهها مشکل گریبان گیر مردم پاسخ داشته باشد که انکار آنها در روند اجرا حتما توهین به شعور مردمی است که این واقعیات را مکرر می بینند. اگر قرار باشد صرف نظر از نتیجه انتخابات، در این دوره سه کاپ داده شود کاپ پیروزی پیش از آنکه به آقای روحانی تعلق بگیرد باید به مردمی داده شود که در اوج نابوری و رسانه های داخلی و خارجی، چنین حماسه ماندگاری را خلق کردند که حداکثر زمان رای گیری در ساعات ۲۱ یا ۲۲ به اتمام می رسید اکنون صف های طولانی رای گیری تا نیمه شب باعث شده مردم با یک احساس خاصی به انتخابات و نتیجه انتخاب خود نگاه کنند. از همین روست که برخی شب بعد از انتخابات را متفاوت و بالطبع صبح روز شنبه را ویژه تر می بینند و در حال و هوای دیگر سیر می کنند. یقینا این شبته تفاوت تر از شبته بعد از انتخابات ۹۲ بود. حتما انتخابات این دوره برای آحاد ملت ایران که میزان مشارکتش کم نتواند خیره کننده چشم دوست و دشمن باشد، از اهمیت دو چندانی برخوردار است، اما بودند عوامل زیادی که فراتر از دغدغه مشارکت، گوش هایی را تا صبح شنبه گوش به زنگ کرده بود تا ببینند اولین خیرها حکایت از چه دارد و نامزد آنها در کجای مراتب انتخابات قرار دارد. چرا که از نگاه برخی آنقدر در این دوره، درست و غلط اطلاعات به جامعه در روند مناظره ها و تبلیغات توزیع شده بود که می شد پیش بینی کرد که با یک مشارکت کم نظیر مواجه خواهیم شد و این خواسته قلبی نظام و رهبری محقق خواهد شد که به فضل خدا چنین شد و موجب خیرت جهانبان گردید. اما این انتخابات با همه شیرینی های وصف ناشدنی حضور چهل میلیون تن و مشارکت بیش از ۷۰ درصدی که داشت، تاختی های قرائتی هم داشت که نمی توان از کنار آن به سهولت گذشت. مواردی که قطعا برای اولین بار بود که نظام با آن مواجه می شد.

در این انتخابات برای اولین بار بود که جریان حاکم بر قدرت اجرایی کشور واقعیت هایی را انکار می کرد که دور از ذهن بود و واقعیت هایی از جنس افزایش شکاف طبقاتی و فاصله درآمد طبقات محروم با طبقات برخوردار جامعه، واقعیت کوچک شدن سفره مردم بویژه طبقه کارگر، افزایش رشد بیکاری در کشور و درها، واقعیت انکار ناپذیر دیگر، این واقعیت ها به گونه ای در روند تبلیغات بخصوص مناظرات انکار می شد که انسان را یاد آن اتفاق معروفی که در تدریس مبحث «انکار واقعیت» در ارتش آمریکا توسط یک دانشجو که حتی صندلی خالی کلاس را در مقابل چشمان دانشجوین انکار کرده بود، می انداخت. در آن اتفاق استاد برای آزمون مبحث انکار واقعیت یک صندلی خالی را جلوی کلاس گذاشته و به دانشجوین می گوید امتحان شما این است که هر کس بیاسخی در باره این صندلی خالی بنویسد، هفته بعد دانشجویی در یک جلسه پاسخ خرد را مطرح می کند که «کدام صندلی؟» هر چند این دانشجو برای پاسخ غلط خود نمره ۲۰ دریافت کرد اما به جهت اینکه به شعور بقیه توهین کرده بود و واقعیتی را انکار کرده بود نمره منفی نیز دریافت کرده بود. دولتی که امروز بار دیگر سکان اجرایی کشور را بدست گرفت، هر چند پاداش واقعیت هایی که در جامعه از وضعیت



تجلی حماسه حضور

اجرای آن وقفه و خللی به وجود آوردند، هر وسیله ای متوسل شدند و از اجیر کردن تروریست ها برای انجام عملیات های تروریستی تا القای ناامیدی، هر ترافدی را بکار گرفتند تا مانع از تمایش اقتدار کشور شوند. اخباری هم که اخیرا در خصوص دستگیری تیم های تروریستی در آستانه برگزاری انتخابات منتشر شد، مؤید این حقایق است و حضور روز گذشته مردم مانند همیشه، نقشه های دشمنان را نقش بر آب کرد.

سومین نکته در ارتباط با عرصه کشی های اخیر آمریکایی هاست. مسئولین کاخ سفید اخیرا اعلام کرده اند که در حال تشکیل یک ائتلاف علیه ایران با مشارکت کشورهای منطقه و رژیم صهیونیستی هستند و به کرات گفته اند که ایران، تهدیدی برای منطقه به شمار می آید تا به زعم خودشان با جنگ و دندان نشان دادن، انقلاب اسلامی را از اهداف خود متصرف کنند. حضور پرشور مردم از نظر بین المللی پاسخی به یاهوگویی های آمریکایی ها بود تا بدانند کوچکتر از آن هستند که با ملت ایران با زبان تهدید و تحریم سخن بگویند؛ بلکه با این ملت فهمیم، سلجور، همیشه و صحنه و هوشیار باید با زبان تکریم و متناسب با شأن بالای آن ها سخن بگویند. به بیان دیگر، حضور حماسی مردم نشان داد ملت ایران نه بر اساس تهدیدها و یاهوگویی های دشمنان، بلکه همواره بر پایه ارزش ها و آرمان های بالای انقلاب بر رفتار می کند و هر نوع خطری را که متوجه نظام و کشور باشد را با حضور در بزرگراه ها و مواضع حساسی همچون انتخابات دفع خواهد کرد.

تقریب به ۴ سال است که ملت ایران در منطقهای پای صندوق های رأی رفته و از صدر تا ذیل مسئولین را مستقیم یا غیرمستقیم انتخاب می کنند که در بسیاری از کشورهای همسایه، اصولا انتخاباتی وجود ندارد و مردم این کشورها نمی توانند حتی انتخاب مقامات عالی رتبه خود را تصور کنند. کشورهای غربی در حالی ایران اسلامی را تحت فشارها و تحریم های غیرقانونی خود قرار می دهند که متحدانش در منطقه، در همان حال و هوای قرون وسطایی بدون تشکیل نهادهای مدنی به سر برده و بویی از دموکراسی و مردم سالاری نبره اند، چه رسد به مردم سالاری دینی. به همین دلیل، نامی، حسرت مردم منطقه پای صندوق های رأی، حسرت مردم منطقه را برانگیخته و همین مسئله باعث بروز ناآرامی هایی در کشورهای مانند عربستان و بحرین شده است، ضمن اینکه یکی از دلایل

بیداری اسلامی در غرب آسیا، عدم محاسبه رأی و نظر مردم در مقدرات سیاسی این کشورها بوده است.

بر اساس آمارهای معتبر، درصد مشارکت مردم ایران، از میانگین جهانی و حتی مدعیان دموکراسی در کشورهای غربی بالاتر بوده و صاحب نظران معتقدند شور و نشاط انتخاباتی ایران در سطح جهان مثال زدنی و نمونه است، اما وظیفه مردم به شرکت در انتخابات خلاصه نمی شود بلکه باید متخبین ملت را در تحقق اهداف جمهوری اسلامی و در پیشبرد مسائل کشور کمک کنند و در این راستا مشارکت فعال داشته باشند. این مشارکت هم سلبی است و هم ایجابی، به این معنا که علاوه بر کمک به دولت مردان جدید، در مواردی که تخلف و اوعاجی از شاهراه مستقیم اسلام و انقلاب با تساهل در انجام وظایف را مشاهده کرده و یا از موقعیت خود سوء استفاده کردند، باید در مقابل آن بایستند.

مسئله مهم دیگر در مردم سالاری دینی، تمکین به رأی اکثریت است که در تمام ادوار انتخاباتی به غیر از سال ۸۸ شاهد آن بودیم و آن شاه الله در این دوره نیز شاهد پذیرش آراء مردم از سوی همه احزاب، گروه های سیاسی و هواداران آن ها خواهیم بود. همه باید به رأی مردم احترام گذاشته و پذیرای انتخاب عمومی باشند، چرا که در سایه ولایت، همدلی و همزیانی مردم و دولت است که می توان مراحل پیشرفت و ترقی کشور را طی نمود. اکنون که حماسه سیاسی و منطقه ای آن در ۲۹ اردیبهشت با پیروزی مردم بصیر کشور و نظام جمهوری اسلامی به سرانجام رسیده، التهاب و هیجان هفته ها و روزهای تبلیغات و رقابت ها باید جای خود را به رقابت و همکاری داده و همه فعالان سیاسی به رئیس جمهور منتخب کمک کرده و به یاد داشته باشند که رفیق و صدرا و وحدت ملی پشتوانه امنیت کشور و خنثی کننده ترندهای دشمنان است و بالاخره باید گفت که برخلاف خواسته دشمنان در تفرقه و اختلاف افکنی، برنده واقعی در این میدان پرشکوه، ملت شریف ایران بودند که با حضور متعهدانه خود، با آرمان های امام (ره) و رهبری تجدید پیمان کردند به تعبیر رهبر حکیم انقلاب «برنده اصلی در این ماجرا ملت ایران است»، هر کسی که رأی بیاورد، برنده اصلی نظام جمهوری اسلامی است، برنده اصلی ملت ایران است هر کسی که می خواهد در رأی قرار بگیرد، آن که در واقع برنده است، مردم اند که توانسته اند یارای خودشان یک نفر را انتخاب کنند. این خیلی بالارزش است.»

تجلی حماسه حضور

سیاسی روز گذشته حول محور ولایت، این پیام مهم را به جهان مخیره کرد که این ملت زنده، پاینده و نسبت به آینده خویش خوش بین است.

محمدحسن فدیری ایپانه

روز ۲۹ اردیبهشت ماه ۱۳۹۶ کشور و ملت بزرگ ایران با حضور همدلانه در انتخابات ریاست جمهوری و شوراهای حماسه ای پرشور و غرور آفرینی را رقم زده و برگ زرین دیگری را به دفتر افتخارات کشور افزودند. حضور گسترده و چشمگیر مردم در انتخابات، قارغ از اینکه به کدام یک از کاندیداهای ریاست جمهوری رأی داده و کدام یک از آن ها پیروز انتخابات خواهد شد، یک پیروزی تاریخی دیگر برای نظام جمهوری اسلامی ایران و لبیک به ندای رهبر معظم انقلاب برای مشارکت در این حماسه عظیم بود. در این باره گفتی هایی هست:

نکته شاخصی در خصوص انتخابات در جمهوری اسلامی این است که هرچه تعداد شرکت کنندگان بیشتر و آراء رئیس جمهور منتخب بیشتر باشد، اقتدار نظام اسلامی ایران در دید ناظران بین المللی و افکار عمومی جهان فزونی خواهد یافت. در حقیقت انتخابات ۲۹ اردیبهشت به دنیا ثابت کرد که ایران اسلامی از بالاترین معیارهای مردم سالاری برخوردار است و نشان داد که جمع بین «جمهوریت» و «اسلامیت» امری ممکن و عملی است، افزون بر اینکه



نقشه دشمن را کامل نکنید

پازل دشمن را کامل نکنیم؛ بینیم دشمن چه کار دارد میکند و چه کار می‌خواهد بکند؛ اهداف و حضور واضح او را ببینیم.

انتخابات ۹۶

کنند؛ هر تعداد صدوقی که شما می‌خواهید. اعتناء نکردند، گوش نکردند؛ بنا بر این نبود که زیر بار این حرف حق بروند؛ زیر بار حرف حق نرفتند و برای مملکت خسارت درست کردند. من نماینده بنا است که این خسارتی که در سال ۸۸ بر ما وارد شد، کی جبران بشود؟ واقعا نماینده! هنوز جبران نشده. این هم یکی که نتیجه‌ی انتخابات را همه پذیرند. ۱۶. **خداشه در سلامت انتخابات از عادت‌های بد است**

انتخابات‌های ما انتخابات‌هایی بوده است که بر طبق معیارهای متعارف بین‌المللی، یکی از بهترین و سالم‌ترین انتخابات بوده است با نصاب شرکت بالای مردم. متأسفانه یکی از عادت‌های بدی که بعضی در داخل دارند، این است که دالما در سلامت انتخابات در هر دوره‌ای خدشه کنند. از قبل از انتخابات مکرر دم برزند از تقاب. از دغدغه، از اینکه چنین بشود، چنان بشود؛ این کار غلطی است. در طول این ۲۷ سال، مردم به‌خاطر اعتمادی که در دوره‌های مختلف و دولتهای مختلف به نظام داشتند، در عرصه‌ی انتخابات شرکت کردند، حضور پررنگ پیدا کردند. چرا بعضی‌ها به دست خودشان این اعتماد را می‌خواهند خدشه‌دار کنند؟ مردم به نظام اعتماد دارند وقتی انتخابات هست، می‌آیند وارد انتخابات میشوند و رأی میدهند؛ چرا انسان بایستی این را خدشه‌دار کند یا بدفعه‌های بیخود و دروغین که تا با آن خدشه بشود. خوب، معلوم است، اجازه ندهند تخطی انجام بگیرد؛ دیگر دستگاه‌ها هم همین‌طور در طول این سالها هم گاهی در بعضی از دوره‌ها به ما گزارش میشد که انتخابات اشکال پیدا کرده است؛ ما دستور میدادیم میرفتند تحقیق میکردند، معلوم میشد که تخیر، این‌جوری نیست. گاهی ممکن است در گوشه‌وکنار یک تخطی انجام بگیرد که در نتیجه‌ی انتخابات هیچ تأثیری نداشته باشد آن مهم نیست [ائنا] انتخابات در همه‌ی دوره‌ها سالم است.

۱۷. شادمانی یا ناشادمانی نباید کسی را وادار به رفتار غیرخردمندانه کند

اکنون که حماسه‌ی سیاسی و نقطه‌ی اوج آن در جمعی بیست‌وچهارم خرداد با پیروزی ملت ایران است، این حادثه‌ی شیرین به کام دشمنان ناخ است. انتظار می‌رود همه با هوشیاری و آگاهی خود نگذارند فتنه‌گری‌های احتمالی دشمن، شیرینی انتخابات را از کام ملت ایران درآید.

۲. ملت، بزرگترین برنده انتخابات است

بزرگترین برنده‌ی این انتخابات، ملت ایران است که به رغم سیمپاشی‌های دشمن خارجی و ایدای داخلی‌اش، شرکه و عظمت آفرید و بدینسان را غافلگیر کرد.

۳. طرفداران نامزد بیروز موفقیت خود را از خداوند بداندند

از طرفداران انتخاباتی رئیس‌جمهور محترم می‌خواهم که موفقیت خود را از کمک و هدایت الهی بدانند و در آینده نیز در همه‌ی عرصه‌های

زندگی از خدای متعال کمک بخواهند. از طرفداران انتخاباتی سایر نامزدهای محترم نیز می‌خواهم که خدا را بر توفیقی که به آنان داد تا بتوانند در پدید آوردن این فصل درخشان سهیم باشند، شکرگزاری کنند و خود را برای کمک به رئیس‌جمهور منتخب آماده سازند.

۴. طرفداران سایر نامزدها احساس خسارت نکنند

از طرفداران انتخاباتی همه‌ی نامزدهای محترم و نیز از دست‌اندرکاران امور سیاسی در همه‌ی جای کشور می‌خواهم که قدر این نعمت الهی را بدانند و با متانت و رفتار خردمندانه، از بروز هر آنچه خدا و خلق را ناخشنود میسازد، جلوگیری کنند. در تجربه‌ی افتخارآمیز انتخابات مردمی همه‌ی ملت نژاده‌اند. با طرح مسئله برنده و بازنده خواسته‌ی بدخواهان را که به جز به شکستن وحدت ملی نمیتوانند برآورده نکنند و فضای زندگی مردم را با غوغاهای تحمیلی آلوده نسازید.

طرفداران نامزدهایی که توفیق خدمت در مسئولیت رئیس‌جمهوری نیافته‌اند، نباید احساس خسارت کنند. هر کس بر طبق عقیده‌ی خود تلاش کرده است، سرفراز است و آنگاه که این تلاش با نیت خیر و قصد الهی باشد برخورد از پادشاه و قبول خداوند است آن شاه‌الله.

دوران انتخابات دوران شور و التهاب است با پایان گرفتن انتخابات باید هیجان و التهاب، جای خود را به متانت و رفاقت و همکاری بدهد. همه، چه طرفداران نامزد منتخب و چه طرفداران دیگر نامزدهای محترم باید از خود ظرفیت و حلم و دانایی بروز دهند. هیچ احساسی، چه شادمانی و چه ناشادمانی، نباید کسی را به رفتاری برخلاف شأن یک انسان متعهد و خردمند وادار سازد. وحدت ملی و رفق و مدارا، تضمین‌کننده‌ی امنیت کشور و خشنی‌کننده‌ی هر توطئه است.

۵. حضور نامزدها بزرگترین کمک به رقابت انتخاباتی

از دیگر نامزدهای محترم ریاست‌جمهوری که با حضور در صحنه و طرح مباحث اساسی، ذهن‌های جوانی به ویژه جوانان را به راه اندیشیدن و تصمیم گرفتن کشانند و زمینه‌ی حضور حماسی مردم را فراهم ساختند تشکر میکنم.

از نامزدهای محترم ریاست‌جمهوری که با آمادگی و حضور خود در میدان این آزمایش الهی، بزرگترین کمک را به ایجاد رقابت انتخاباتی و انگیزه بخشیدن به مردم کردند، صمیمانه تشکر میکنم. بیشک بدون حضور افکار و سلیقه‌ها و منشهای متنوع در صحنه‌ی نامزدی ریاست‌جمهوری، این موج عظیم حضور ملی پدیدار نمیشد و این افتخار برای ملت ایران به ثبت نمیرسید.

۶. پرهیز از گفتار نفرقه‌انگیز و دلسردکننده

اکنون که در نخستین ماههای سال همبستگی ملی و مشارکت عمومی، ملت ایران فصلی درخشان و

را رقم زدند، از همه و بویژه از عناصر سیاسی و درندگان جایگاههای هدایت افکار عمومی و رسانه‌ها و دیگران می‌خواهم که همچنان روحیه‌ی همبستگی و مشارکت را تقویت کنند و از هر کار و گفتار نفرقه‌انگیز و دلسردکننده پرهیزند.

۷. شنبه پس از انتخابات، روز مهربانی و بردباری

به همه آحاد مردم و بویژه جوانان عزیز که سرزنده‌ترین نقش‌آفرینان این حادثه‌ی شورانگیز بودند، توصیه میکنم که کاملاً هشیار باشند. همواره باید شنبه‌ی پس از انتخابات، روز مهربانی و بردباری باشد. چه طرفداران نامزد منتخب و چه هواداران دیگر نامزدهای محترم، از هرگونه رفتار و گفتار تحریک‌آمیز و بدگمانانه پرهیز کنند. رئیس‌جمهور منتخب و محترم، رئیس‌جمهور همه‌ی ملت ایران است و همه و از جمله رقیبان دیرروز باید یکپارچه از او حمایت و به او کمک کنند. بی شک این نیز انتحالی الهی است که موفقیت در آن خواهد توانست رحمت خداوند متعال را جلب کند.

۸. رئیس‌جمهور منتخب، رئیس‌جمهور همه ملت ایران

رئیس‌جمهور منتخب هر که باشد، رئیس‌جمهور همه‌ی ملت ایران است و همه به همکاری با او در پیشرفت کشور موظف‌اند. اینجانب نیز مانند همیشه از هر اقدام و حرکت ایشان در اداره‌ی قانونی کشور و حرکت در جهت اهداف نظام اسلامی حمایت خواهم کرد آن شاه‌الله.

۹. فرصت ارزشمندی تا پذیرش رسمی مسئولیت

اکنون پس از هفته‌ها گفتن و شنیدن، نوبت کار و اقدام است. رئیس‌جمهور منتخب تا پذیرش رسمی مسئولیت، دارای فرصت ارزشمندی است، شایسته است این فرصت، بدون فوت وقت، مصروف اقدام‌هایی شود که شروع مسئولیت خطیر ریاست‌جمهوری بدان نیازمند است. همه‌ی مسئولان کشور و نخبگان بخشهای گوناگون، یاری ایشان را تعهدی انسانی و اسلامی بشمارند.

۱۰. نخستین وظیفه نامزد منتخب

هر کدام از نامزدهای محترم که سرانجام از بیشترین رأی مردم برخوردار باشد، متعهد به این آرمانهاست و عدالت اجتماعی و رفق و فساد و تبعیض و مقابله با توطئه‌های سیاسی و فرهنگی و اقتصادی نخستین وظیفه‌ی اوست. نقش مؤثر و تعیین‌کننده‌ی نامزدهای ریاست‌جمهوری در خلق این حماسه‌ی بزرگ ملی، انکارناپذیر و سیاسی از آنان بر همگان لازم است.

۱۱. تلاش بی‌وقفه در راه رفع مشکلات کشور، از اولین ساعات اعلام نتیجه انتخابات

به رئیس‌جمهور محترم، توفیق‌دوچاره‌ی خدمتگزاری به مردم و کشور عزیز را تبریم میکنیم و ایشان را به وظیفه‌ی شکر الهی و قدردانی از ملت و اهتمام به وظایفی که قانون اساسی بر عهده‌ی ایشان نهاده



انتخابات ۹۶

فرمای پس از انتخابات رهبر انقلاب اسلامی معتقدند با پایان انتخابات، فضای رقابت باید به فضای مهربانی و بردباری تبدیل شود و هواداران نامزدها از هرگونه رفتار و گفتار تحریک‌آمیز خودداری کنند. چراکه رئیس‌جمهور منتخب و محترم، رئیس‌جمهور همه‌ی ملت ایران است و همه و از جمله رقیبان دیرروز باید یکپارچه از او حمایت و به او کمک کنند. بی شک این نیز انتحالی الهی است که موفقیت در آن خواهد توانست رحمت خداوند متعال را جلب کند.

به مناسبت پایان انتخابات ریاست‌جمهوری و شوراهای اسلامی و همچنین حضور و مشارکت حماسی و چشمگیر مردم در این انتخابات، بیانات حضرت آیت‌الله خامنه‌ای را درباره‌ی «فرمای پس از انتخابات» بازخوانی می‌کنیم:

۱. نمایش الگوی مردم‌سالاری صادقانه

ایران اسلامی، اکنون بار دیگر الگوی مردم‌سالاری صادقانه‌ی خود را که مبتنی بر رأی و حضور مردم و نه مانند شیوه‌ی آمریکایی یا لشکرکشی و تحمیل است، در برابر ملت‌های جهان و خاورمیانه به نمایش گذاشته است. این حادثه‌ی شیرین به کام دشمنان ناخ است. انتظار می‌رود همه با هوشیاری و آگاهی خود نگذارند فتنه‌گری‌های احتمالی دشمن، شیرینی انتخابات را از کام ملت ایران درآید.

۲. ملت، بزرگترین برنده انتخابات است

بزرگترین برنده‌ی این انتخابات، ملت ایران است که به رغم سیمپاشی‌های دشمن خارجی و ایدای داخلی‌اش، شرکه و عظمت آفرید و بدینسان را غافلگیر کرد.

۳. طرفداران نامزد بیروز موفقیت خود را از خداوند بداندند

از طرفداران انتخاباتی رئیس‌جمهور محترم می‌خواهم که موفقیت خود را از کمک و هدایت الهی بدانند و در آینده نیز در همه‌ی عرصه‌های

تصویب سند ۲۰۳۰ !!

ضرورت نظارت و ارزیابی نهادهای بالادستی فرهنگی



متن پیش رو یادداشت سعید ژبیباکلام، استاد فلسفه دانشگاه تهران است که در پی تصویب سند ۲۰۳۰ به نقد عملکرد نهادهای فرهنگی پرداخته است.

حضرت آقا به مناسبت هفته معلم در جمع معلمان گفتند: «اصل کار غلط است. اینکه ما پروم سندی را امضاء کنیم و بعد هم بیایم بی سروصدا آن را اجرا کنیم، نخبیرا مطلقا مجاز نیست؛ ما اعلام کردیم، بنده از شورای عالی انقلاب فرهنگی هم گله مند هستم. آنها باید مراقبت می کردند و نباید می گذاشتند که کار به اینجا بکشد که ما بیایم و جلوی این کار را بگیریم.»

حدود ۱۵ سال پیش زیدی از دانشگاهیان در سخنرانی های متعدد در دانشگاهها به مناسبت فراخوان جنبش نرم افزاری تولید علم، از اینکه هیچ اتفاق نرم افزاری و تولید فکر و اندیشه جدی نه در دانشگاهها و نه در حوزهها و نه در مؤسسات قدیمی قد پژوهشی و شبه پژوهشی رخ نخواهد داد، سروصدایی کم تر شنیده شده و بیش تر گم شده در غوغای رسانه های حکومتی و دولتی و ملی و غیر انتفاعی و حمایت شده از غرب، ایجاد کرد. به تدریج آن سیر مطالعاتی و روشنگری به بررسی امور جاری و مرسوم شورای عالی انقلاب فرهنگی رسید آن سیر مطالعاتی و سخنرانیها نهایتا منجر شد به مقاله ای تحت عنوان «چرا انقلابی فرهنگی و جنبشی نرم افزاری؟» که در کتاب «خلاف

چریان» در سال ۱۳۸۹ منتشر شد. آن زید مجنون بی ربط و پیوند با شبکه های رانتخوار قدرت ثروت در آن سیر مطالعاتی نهایتا به این نتیجه رسید که با توجه به زمینه ها و عرصه های حیاتی کشور از طرفی و نوع فعالیت های شاخص و عمده شورای عالی انقلاب فرهنگی از طرف دیگر، زمینه است آن شورا را، نه حتی شورای عالی انتقال فرهنگی که، باید شورای عالی اسناد فرهنگی نامید. برخی

از دانشگاهیان و جوزویانی که آن سخنرانی ها را شنیده بودند معترض و منتقد بودند که: چقدر رادیکال و بیانیی! ایک اما یکی از ثمرات شورایی با آن عظمت و شوکت و حضور برخی فرهیختگان و رجال برتر سیاسی صاحب منصب فرستند، حاصل گشت: تصویب سند ۲۰۳۰ یونسکو و یا نظارت در تصویب و اجرای بی سروصدا آن سند. پیش تر گفتیم که مشکل از اعضای آن شورای مجل و شکوهمند نیست، که برخی از آنها شخصا رجالی دانا و دردمند هستند. مشکل اساسی از ساختار بسیار فشل آن شورا و وظایف کثیره گونه گون نامتجانسی است که بر دوش آن گذاشته شده است. اگر بسیار دیر نشده باشد، خوب است در آن ساختار و اهداف و غایتش بازنگری اساسی و بلکه انقلابی پارادایمی صورت گیرد.

جالب توجه نیست که با وجود این شورای عریض و طویل، حضرت آقا باید از جایگاه رهبری نهیبت برزد و هم علیه تصویب و هم علیه اجرای مخفیانه آن نعره بکشد؟ به راستی کمیسیون های مربوطه مجلس شورا کجا بود؟ پیش تر وقتش صرف ایجاد و بسط چه نوع شبکه ها و پیوندهایی می شود؟ از دولت که به بمن و برکت حماسه سیاسی عبرت انگیز و درسی آموز سال ۱۳۹۲ به قدرت رسیده و خود مشغول و متکفل و مجرا و محقری این قبیل اسناد ضد هويت ملي است، انتظاری جز اوزاری کردن داروست آرمان ها و ارزش های انقلاب و فراتر از آن، مورايت فرهنگی تاریخی این مرز و بوم نمی رود. اما به راستی این همه سازمان ها و فرهنگستان ها و پژوهشگاه ها و اندیشه گاه های ریز و درشت حدودا یا کاملا مستقل از دولت متعزل چه کاری هستند؟

آیا بصیرت مندانه است که به گله مندی حضرت آقا بسند کنیم؟ آیا ضروری نیست که تمام مؤسسات بالادستی فرهنگی کشور مورد بازنگری بنیانی قرار گیرند؟ آیا مؤسسات و دستگاه های مختلف بالادستی و میانی فرهنگی کشور منظمآ مورد نظارت و ارزیابی سایر دستگاه ها قرار می گیرند؟ آیا اساسا ما دارای دستگاه های نظارتی و دیندانی برای تمام مؤسسات و نهادهای حکومتی هستیم؟ واقعا هستیم؟ آیا غیر از فارغ و خیال راحت از هر گز نظارت و ارزیابی و دیندانی هستند؟ آیا روشن است این سؤال آخر چه معنایی و چه تبعات و نتایجی برای کل کشور دارد؟ واقعا روشن است؟ به راستی چه داللتی دارد که همواره باید آقا در زمینه انتقاری و یا بنای کج و معوجی ورود کنند و اصلاحی صورت بدهند؟ چرا نباید نهادهای مختلف در عرصه گفتن ها و آیین ها و ضوابط مختلف و ویژه خود، یکدیگر را چک و نظارت کنند؟ آیا این وابستگی و اتکاد دستوری نهادهای حکایت از طفولیت نامبارک و درهنگامه مایی، شوم آن نهادها و مؤسسات نمی کند؟

نقش سند ۲۰۳۰ در جهانی سازی لیبرال

دکتر شهریار زرشانس
نظام جهانی سلطه از سال های دهه ۱۹۸۰، یکی موج جدید جهانی سازی تعمیلی را آغاز کرد که کارشناسان سیاسی شرق و غرب از جمله «مانوئل والرشتاین» و «دیوید

نثولبرال» آن را «موج جهانی سازی نثولبرال» نامیده اند. از لوزام این موج، یکسان سازی های در حوزه های گوناگون است که پیش شرط آن نیز به صورت تقسیم کار تعمیلی در مقیاس جهانی تعریف شده، به این ترتیب که مثلا برای برخی کشورها مشخص می کنند وظیفه خام فروشی معادن و منابع را به عهده بگیرند، برای بخشی دیگر، تهیه نیروی کار ارزان را معین می کنند تا شرکت های چندملیتی با استثمار آن ها جیب خرد را پر کنند و به همین ترتیب برای همه کشورها نقش خاصی را در پیال موردنظر خود مشخص می کنند.

افزون بر تقسیم کار تعمیلی در حوزه اقتصاد و قرار دادن یا حفظ کشورهای پیرامونی در مدار وابستگی، شرط دیگر تحقق موج جهانی سازی نثولبرال، «یکسان سازی فرهنگی» است که مسیریان استیبابی متعددی دارد. یکی از این مسیرها، تسلط با سازوکارهای

فسی شبکه جهانی اینترنت است که از طریق آن، نظام جهانی رسانه ای مدنظر خود را تحت عنوان فریبنده «جریان آزاد اطلاعات» ایجاد کرده اند که در عمل، الگو و سبک زندگی نثولبرال مدرن را ترویج می کند. یکی دیگر از اقدامات صورت گرفته که دقیقا در امتداد تقسیم کار اقتصادی تعمیلی و در راستای وابسته کردن کشورها به دولت های متروپول نظام جهانی سلطه به شمار می آید، «به دست گرفتن کنترل عملی نظام های آموزشی» کشورهاست.

برای تحقق این هدف در مدل جهانی سازی نثولبرال که مبتنی بر استثمار فرا نو پوده و لزوماً بر پایه اشغال سرزمینی نیست، بهترین راه، استفاده از سازمان های نظیر یونسکو و یونسکو و دیگر نهادهای ناپه سازمان ملل است تا از این طریق، الگوهای محوری مدنظر قدرتهای بزرگ را در کشورهای پیرامونی اجرائی و اعمال کرده و با گذراندن معاهده ها و مصوبه ها و مجبور کردن و ملزم نمودن کشورها به تبعیت از این مصوبات و قوانین، عملا الگوهای فرهنگی و سبک زندگی خود را ترویج دهند که اولین نتیجه آن، تقویت تمام عیار وابستگی کشورهای هدف به نظام جهانی سلطه خواهد بود.

سد ۲۰۳۰ یونسکو، نمونه ای از این طراحی بزرگ است که ارگان های وابسته به نظام جهانی در سازمان ملل، در حوزه آموزش انجام می دهند و تحت عنوان جهانی و

همه با محوریت یونسکو تعیین شده که ایران نیز متعهد به اجرای آن است. مؤلفه های کلیدی در برنامه آموزش ۲۰۳۰ عبارتند از: برابری و فراگیر بودن، دسترسی برابر، علاقه و باکفیت، برابری جنسیتی، کیفیت آموزش و یادگیری مادام العمر. در چارچوب عمل ۲۰۳۰ به ویژه اینها همچون شهروند جهانی و برابری جنسیتی اشاره شده است که این مباحث از سوی برخی صاحب نظران و کارشناسان به ویژه در شورای عالی انقلاب فرهنگی مورد نقد است و حتی برخی معتقدند که تصویب و اجرای این سند دگرگونی های بسیاری را در آموزش کشور ایجاد خواهد کرد که از جمله آن می توان به حذف کلیشه های جنسی و ارائه آموزش های جنسی به کودکان و حذف برخی مفاهیم قرآنی و لزومی از کتاب های درسی به پهنانه ترویج صلح و نبود شوونت اشاره کرد. رهبر معظم انقلاب امروز در دیدار با فرهیختگان کشور با اشاره به سند آموزش ۲۰۳۰ اشاره کردند: جمهوری اسلامی ایران تسلیم سندهای مائست ۲۰۳۰ یونسکو نخواهد شد. به چه حسابی یک مجموعه به اصطلاح بین المللی که قطعاً تحت نفوذ قدرتهای دنیا است این حق را داشته باشد که برای ملت های دنیا تکلیف مشخص کند؟ اصل کار غلط است اینکه سندی را امضاء کنیم و بعد بیایم بی سروصدا آن را اجرا کنیم، نخبیرا، مطلقاً مجاز نیست.

اما سند آموزش ۲۰۳۰ چیست که رهبر انقلاب نسبت به آن واکنش نشان دادند: در پیشگفتار کتابچه بیانیی اینچون که توسط دبیر کل کمیسیون ملی یونسکو در ایران نگارش شده آمده است که دولت ها موظفند تا اهداف جهانی را در اهداف، سیاست ها، طرح ها و اقدامات ملی، چرخه سیاست گذاری و برنامه ریزی، سازماندهی نظام های آموزشی و آماده سازی منابع ادغام کنند.

اجرائی آموزش ۲۰۳۰ در سطح ملی باید بر مبنای بازگردی فرایختی باشد که بر اساس همکاری مؤثر، تمرکز بر نتایج مشترک، شفافیت، مسئولیت مشترک و وحدت عمل همه عاملان شکل گرفته است با توجه به تنوع ماهیت نهادهای مدنی آموزش در کشورها، برخی از اصول عمومی که می تواند به هماهنگی مناسب جهت تحقق مؤثر اهداف ۲۰۳۰ در چارچوب دستور کار ۲۰۲۰ توسعه پایدار ملل متحد کمک کنند عبارتند از: هدایت دولتی و جلب مشارکت فرایختی، حفظ ساختارهای موجود و انطباق آنها با آموزش ۲۰۳۰، اجرائی اقدامات فراتر از وزارت آموزش و جلب مشارکت وزارتخانه ها و سازمان های مرتبط، با بهداشت، جوانان، کار، امور اجتماعی، مدیریت، برنامه ریزی، بودجه و تأمین هماهنگی اجرائی آموزش ۲۰۳۰ با سایر اهداف توسعه پایدار ۲۰۳۰



فراگیر کردن آموزش، الگوهای محوری مدنظر جهان بینی غربی در مفاهیمی همچون خانواده، نسبت بین دو جنس، برخی شئون سبک زندگی و محتوای آموزشی و تعلیمی را تعیین کرده و از طریق مصوبات قانونی، کشورهای دیگر را مجبور به اجرای آن ها می کند. وقتی کشوری به این روش های استعماری تن دهد، با گذشت دو الی چهار دهه از اجرائی این آموزش ها، کنترل نظام آموزشی آن کشور از دست مسئولین ذیربط به طور کامل خارج شده و هدایت آن ها به دست ایدئولوگها و تیوریسین های نظام جهانی سلطه با ابزار سازمان های مانند یونسکو و یونسف می افتد.

به عبارت دیگر، این اتخاذ این سبویه توسط کشورها استقلال فرهنگی آن ها به صورت کامل مخدوش شده و به این واسطه، سبک زندگی غربی در نظام های آموزش و پرورش جوامع تحت سلطه ترویج می یابد که با تأسف فراوان، این عقلت با تاغلن درباره سند ۲۰۳۰ یونسکو از سوی دستگاه های ذیربط در کشورمان نیز صورت گرفت و اگر درایت و هوشیاری سکان دار انقلاب نبود، می رفت تا تبعات فاجعه باری برای نظام و انقلاب اسلامی به همراه آرد. به این ترتیب، کشورهای استعمارگر فرا نوی آنکه زحمت اشغال خاک کشورها را به خود بدهند، مقدرات یک کشور را از طریق آموزش نسلی وابسته و با تفکر موردنظر نظام سلطه، در طول چند دهه در

دست می گیرد و این همان حرکتی است که به مساوات وابسته سازی در اقتصاد در جریان است. اما هدف از این حجم سنگین سرمایه گذاری و برنامه ریزی چیست؟ هدف این است که تمام کشورها به نحوی تحت انقیاد و سلطه آن ها درآمده، از نظر فرهنگی تحمیل شده و سبک زندگی موردنظر نظام سرمایه داری جهانی را ترویج نمایند تا همه آحاد این کشورها به تدریج به شهروندان سربیزیر نظام جهانی سلطه و افرادی تحمیل و تحذیر شده تبدیل شوند. به تعبیر دیگر، منظور غرب از این برنامه ریزی خطرناک، پیگانه کردن افراد جوامع هدف از هویت اصل و ریشه دار خود و هضم کردن آن ها در هاضمه نظام جهانی به منظور فروام بخشی کشورهای متروپول استکباری است. وقتی به محتوای این سند خفتبار می نگریم و نقشه نظام سلطه را از طریق اجرائی آن در ایران اسلامی مرور می کنیم، درمی یابیم که عملا کنترل بخش اصلی محتوای دروس کشورمان که بر خاسته از مفاهیم کلیدی و برگرفته از هویت فرهنگی اسلام انقلابی در خصوص خانواد، حرمت محرم و نامحرم، سبک زندگی ایرانی اسلامی است، هدف قرار گرفته و با اخذ امضاء و پیمان، با نرد که وثیقه های اجرائی از کشور اخذ کنند تا در صورت استکف از اجرائی این سیاست ها، اقدامات تنبیهی در نظر گرفته شود.

این موضوع، امری مسیوق به سابقه است و مروری کوتاه بر تاریخ ۲۰ ساله گذشته نشان می دهد که استعمار این شیوه را بارها در گذشته تکرار کرده و با تحمیل و یا فریب حکومت های قاجار و پهلوی، آن ها را وادار به امضای معاهدات تنگن می کردند که سند ۲۰۳۰ نیز دقیقاً در امتداد همان قراردادهای خفتبار در حوزه فرهنگ تنظیم و به برخی در داخل تحمیل شد. نکته اینجاست که الگوی فکری برخی از دستگاه ها و نهادهای کشور برخلاف جریان کلی نظام بوده و تحت تأثیر آموزه های نثولبرالیسم در حوزه اقتصاد و فرهنگ سیاست است. حرکتی که نظام سلطه در حال تلاش برای انجام آن است برای بسط نظام نثولبرال طراحی شده و بنابراین، امواج داخلی و خارجی این

جریان به راحتی با یکدیگر همسو شده اند از سوی دیگر، مجریان این طرح از ترس اینکه در جامعه نسبت به خطرات اجرائی این طرح مقاومت ایجاد شود، این حرکت را مخفیانه به پیش بردند، همچنان که در برخی از قراردادهای دیگر نیز برخلاف الگوهای فرهنگی اقتصادی و اهداف استقلال طلبانه نظام اسلامی اقدام کرده و شیوه امضا و تعهدات مخرمانه را برای عدم آگاهی ملت بصیر و فهیم ایران اتخاذ کردند.

در عین حال باید متأسف بود که شورای عالی انقلاب فرهنگی به عنوان ستاد مقاومت جامعه ایرانی در مقابل تعرض، شیخون و نفوذ فرهنگی، به وظایف قانونی خود عمل نکرد و برای اجرائی این نقشه استعماری که قطعاً در حوزه فرهنگ باقی نمانده و تبعات سیاسی نیز به همراه دارد، مانع و راهدعی ایجاد نمود. این شورا بی اعتنا به وظایف و بی توجه به کارکرد نقش خود در دفاع از فرهنگ مقاومت انقلاب اسلامی کار را به جایی رساند که رهبر بصیر انقلاب شخصا به قضیه ورود کرده و نقشه راه استعاله فرهنگی را ختنی کردند.

رحمت و رهبران دینی کشور از دربار هرگاه که مسئولین غربیزده در حوزه های مختلف مدیریتی با امضای سندهای نظیر ۲۰۳۰ در صدد باز کردن پای بیگانگان به کشور بوده اند، دست به امضاگری زده و به مبارزه با آن پرداخته اند و مقابل مقام معظم رهبری با این سند تنگین نشان می دهد که هشدارهای مظلوم درباره جریان نفوذ، بسیار جدی بود و متأسفانه اکنون شاهدیم که این جریان نفوذ در برخی از دستگاهها رخنه کرده است.

سند ۲۰۳۰، سندی استعماری است که صدر صد منفاع ملی، ضد فرهنگ دینی، ضد هویت انقلابی و ضد تمام ارکان استقلال طلبی جامعه ایرانی است و ثابت می کند تا زمانی که جریانی در مسد امور حاکمیتی تحت تأثیر پیشش و نظریه های نثولبرالیسم باشند، فرهنگ دینی، استقلال فرهنگی، عدالت اجتماعی و در معرض خطر قرار می گیرند.

باید در مواجهه با سند ۲۰۳۰ محتاط بود

به ادعای برخی کارشناسان باید در مواجهه با سند آموزش ۲۰۳۰ نگاه محتاطانه داشت، اما این نگاه محتاط به چه دلیل است؟ محبتی همی کارشناس مسائل آموزش و پرورش در این رابطه معتقد است که نگاهی به سخنان رهبر معظم انقلاب در مقوله «بیشرفت» حکایت از آن دارد که باید به الگوی اسلامی و پیشرفت توجه داشته باشیم و ارزش های ایرانی به ویژه عدالت و معنویت، محور برنامه ریزی ها قرار بگیرد، بنابراین در برخورد با اسناد بین المللی از جمله سند آموزش ۲۰۳۰ که برای توسعه پایدار کشورها تعریف شده است، باید نگاه محتاطانه داشت، چون تناسب این اسناد با ارزش های مذکور مورد ابهام است. همنی معتقد است که سند آموزش ۲۰۳۰ با اسناد بالادستی و بومی کشور ما نیز تعارضاتی دارد باید توجه داشت که پیشرفت کشور ما باید مبتنی بر «عدالت» با معنای خاص در منظومه اسلامی باشد، اما در سند آموزش ۲۰۳۰ «برابری (equality)» مورد تأکید قرار گرفته است که اینها لزوماً یکی نیستند. در سند بین المللی ۲۰۲۰ نظار ارزشی خاصی وجود دارد که اگر برخورد سطحی و مسامحه آمیز با آن شود و معادل گرفتن کلیواژه های آن فارغ از نظام فکری پشتیبان مربوطه باشد بسیار خطرناک است.

باید در مواجهه با سند آموزش ۲۰۳۰ حداقل خوشبینی را داشته باشیم

بررسی سند آموزش ۲۰۳۰ موارد ذکر شده از جمله توسعه پیش دبستانی، حمایت از تحصیل رایگان و افزایش کیفیت آموزش مشاهده می شود که این موارد عمدتاً به نفع آموزش و پرورش ایران است اما برخورد جزئیات گونه به جای کلنگری مانع کشف و فهم این نظام فکری است. چیسما برخی از اهداف و توصیه های صورت گرفته در این سند را بتوان ختنی یا حتی همانند با نظام ارزشی اسناد کلان مصوب خودملان یاق، اما در نظر گرفتن اهداف به صورت کلان و در ارتباط با هم می تواند جزئیاتی را روشن کند که ایجاد اصلی این سند را بروز می دهد، به عنوان مثال در بندهای مربوط به توسعه آموزش و آموزشی اشاره شده که در سندهای بومی کشور با هدف گذاری و ارزش های مطرح در اسناد بین المللی تا چنددهه با مبانی فکری و نظام ارزشی جمهوری اسلامی ایران همالند هستند که این نسبت باید با جدیت و دقت مشخص شود، به ویژه در اسنادی که ناظر به توسعه و آینده کشورها تعیین تکلیف می کنند و جهت دهنده هستند.

ملل متحد این برنامه در سطح جهانی تدوین و تصویب شده در سطح منطقه ای مورد تقسیم کار قرار گرفته و در سطح ملی تدوین و اجرا می شود و در سطح جهانی، منطقه ای و ملی مورد نظارت و ارزیابی قرار می گیرد بنابراین ضروری است هم زمان به همسویی با دستور کار جهانی، اقدام ملی برای تدوین برنامه کشوری مشتمل بر سیاست گذاری، شاخص سازی و نظارت و راستای محتوای جهانی برنامه انجام شود. در مصوبه هیئت وزیران در تاریخ ۲۵ شهریور سال ۹۵ آمده است: به منظور هماهنگی و ارائه راهکاری تحقق اهداف و تعهدات آموزش ۲۰۳۰-۲۰۲۰ همسو با اهداف و تعهدات برنامه اهداف توسعه پایدار، کارگروه ملی آموزش ۲۰۳۰-۲۰۲۰ با مستقریت وزارت آموزش و پرورش بدون گسترش تشکیلات سازمانی و با استفاده از امکانات و ظرفیت های موجود در آن وزارتخانه با حضور نمایندگان دستگاه های زیر تشکیل می شود.

کارگروه ملی آموزش ۲۰۳۰ موظف است برنامه اجرائی و نظارتی تحقق کامل آموزش ۲۰۳۰ را در سطح ملی و استانی با بهره گیری از تمام ظرفیت های موجود در دستگاه های اجرائی مرتبط و همسو با اهداف برنامه های توسعه کشور، اسناد راهبردی توسعه، نقشه جامع علمی کشور، سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و برنامه اهداف توسعه پایدار تهیه کند. دستگاه های اجرائی برای تحقق اهداف برنامه آموزش ۲۰۳۰-۲۰۲۰ موظف به اجرای تصمیمات کارگروه می باشند. کارگروه ملی آموزش ۲۰۳۰-۲۰۲۰ موظف است گزارش پیشرفت کار و نحوه عملکردی دستگاه های ذیربط را سالانه به هیئت وزیران و گزارش نهایی را به کمیسیون ملی یونسکو برای ارسال به مرجع بین المللی مربوطه ارائه کند.

مقاررت ۲۰۳۰ با اصل ۱۳۸ قانون اساسی

در تصویب نامه هیئت وزیران ذکر شده است که این سند مستند به اصل ۱۳۸ قانون اساسی است حال آن که در سه بخش با این اصل منافات دارد: سطح این سند بسیار وسیع تر از موارد مذکور در اصل ۱۳۸ قانون اساسی است. اصل ۱۳۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی اعلام می کند که مصوبات هیئت وزیران نباید با متن و روح قوانین مخالف باشد. اصل ۱۳۸ قانون اساسی اعلام می کند تصویب نامه های هیئت وزیران باید به اطلاع رئیس مجلس برسد، حال آنکه این مسئله به اطلاع رئیس مجلس شورای اسلامی نرسیده است.

تهیه سند ملی آموزش ۲۰۳۰ و دادن تعهد به یونسکو با اصول ۱۵۲، ۷۷ و ۱۳۸ قانون اساسی نیز در تعارض است. اصل ۱۵۲ قانون اساسی می گوید: در تصویب نامه هیئت وزیران باید با جدیت و دقت مشخص شود، به ویژه در اسنادی که ناظر به توسعه و آینده کشورها تعیین تکلیف می کنند و جهت دهنده هستند.



دولت دوازدهم و اقتصاد ایران

دکتر ساسان شاه‌وسی، کارشناس مسائل اقتصادی

به نظر می‌رسد مهم‌ترین مشکلی که در کشور وجود دارد، اشتغال و رفاه است و دولت دوازدهم باید رویکرد اصلی خود را به این زمینه معطوف کند. دکتر شاه‌وسی با اشاره به رکود عمیقی که سال گذشته وجود داشت، تصریح کرد: با رکودی که در اقتصاد وجود داشت، اشتغال و رفاه بیشترین آسیب را دید، برای رفع این معضل باید زیرساخت‌های مناسب ایجاد کرد و منابع موجود را برای بهره‌مندی از ظرفیت‌های داخلی به کار بگیریم. ایشان با بیان این‌که در بخش اشتغال با چالش روبه‌رو هستیم و در بخش رفاه در شرایط بحرانی قرار داریم، افزود: زمانی می‌توانیم رفاه را برای مردم تأمین کنیم که یک فرد یا اشتغالی که دارد، بتواند نیازهای اقتصادی خانواده خود را رفع کند، اما اکنون یک فرد شاغل مجبور است بعد از ساعت کاری خود دوباره در جای دیگری مشغول به کار شود و جای فرد بیکار دیگری را بگیرد. این اقتصاددان ادامه داد: اگر میزان حقوق و دستمزد افراد را در حد و اندازه‌ای در نظر بگیریم که بتواند امرار معاش کند، دیگر نیازی نیست در ساعت استراحت خود مجبور به انجام کار دوم شود. در این صورت بخشی از مشکل اشتغال نیز حل خواهد شد. وی با تأکید بر این‌که شغل باید رفاه را به همراه داشته باشد، گفت: بهره‌مندی از سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه و اقتصاد مقاومتی، بهترین نقشه راه برای تأمین شغل و رفاه در جامعه است. ایشان در ادامه افزودند: سال ۹۶ از این جهت بسیار مهم است که دو دولت را به خود می‌بیند، اما اولویت‌های اقتصاد مقاومتی در جهت تقویت تولید داخلی و ایجاد اشتغال تغییر نمی‌کند که به نظر من برای تحقق این اهداف، باید ابتدا نظام بانکی را ساماندهی کرد. در سال‌های اخیر برخی بانک‌ها ترانزاکشن‌های منقذی داشتند و شایعه ورشکستگی بانک‌ها چندین بار مطرح شد و باید به این موضوع رسیدگی شود. همچنین بررسی بازگشت مطالبات معوق با در نظر گرفتن مشوق‌ها باید در دستور کار قرار

بگیرد تا بانک‌ها توانایی بیشتری برای اعطای تسهیلات داشته باشند. **ساماندهی واردات و بازار سرمایه** دومین موضوعی که اهمیت دارد، ساماندهی بازار سرمایه است. اکنون ترانزاکشنی که در بورس مشاهده می‌شود، غیرواقعی بوده و به همین دلیل کسی سرمایه خود را به این بخش منتقل نمی‌کند؛ در نتیجه تولید و اشتغال از این محل نیز دچار مشکل می‌شود. اکنون در بازار سرمایه شایع شده که شرکت‌های حقوقی بیشتر سعی می‌کنند با خرید سهام شرکت‌های دیگر شرایط رشد و سقوط بورس را فراهم کنند که با ارائه شفافیت به این شایعات پایان داده خواهد شد. ایشان به ضرورت ساماندهی واردات در دولت جدید اشاره کرد و با توجه به سخنان رهبر معظم انقلاب در این باره گفت: سال گذشته با وجودی که موضوع حمایت از تولید داخل مطرح شد، اما شاهد واردات بی‌رویه در کشور آن هم به طور قانونی بودیم. از سوی دیگر باید واردات کالاهای غیرضروری به کشور با تعرفه‌های بالا محاسبه شود تا دیگر شاهد واردات کالاهای لوکس در کشور نباشیم. وی با تأکید بر این‌که نظارت بر واردات

یکی از راه‌های مقابله با این موضوع است، گفت: برای رسیدن به هدف نهایی که نظارت است، باید گمرکات کشور را همان‌طور که رهبر معظم انقلاب گفتند، با هر هزینه‌ای که دارد به دستگاه‌های یکسری تجهیز کنیم و از سوی دیگر همه وزارتخانه‌ها و بخش‌های نظارتی در این زمینه اهتمام لازم را داشته باشند تا کالای لوکس و غیرضروری وارد کشور نشود. این کارشناس افزود: مصرف‌کنندگان کالای غیرضروری شاید پنج درصد جامعه را تشکیل بدهند و برای واردات کالاهایی از این قبیل باید توجه داشت که ابتدا موضوعات مهم حل شود و بعد دلارهای نفتی را صرف واردات کالای غیرضروری کنیم. **دولت بر قدرت اقتصاد قوی** ایشان در مورد چگونگی دستیابی به اقتصاد قوی افزودند: عموماً کشورهای که در مهندسی اجتماعی توسعه‌یافته و پیشرفت‌هایی داشته‌اند، صرف‌نظر از مبانی ارزشی که ما معتقد به آنیم که در بسیاری از جاها دچار عقب‌ماندگی نیز هستیم به نظر می‌رسد جزو کشورهای هستیم که هنوز تصمیم نگرفته‌ایم که مدیریت مدن، سیاست‌گذاری مدن، برنامه مدن و نهایتاً یک اقتصاد مدرن را انتخاب کنیم. خروجی‌اش هم این می‌شود که عموماً کسانی که می‌خواهند دولت را در اختیار بگیرند، وجه خدمت بی‌منتش بسیار کمتر از دولت پر قدرت است. دولت پر قدرت نیست مگر اینکه بتواند قدرت‌ش را در حوزه اقتصادی تعریف کند، فرصت‌هایی را تعریف کند و بتواند مردم را به شکل نقطه‌ای از این قدرت‌ها و ناصواب و غلط‌مطراحی هم وارد شده و آن‌ها را دولت‌هایی که در هر دوره‌ای از قدرت اقتصادی خود را به اثبات برسانند در صورتی‌که حداقل در دیدگاه حضرت امام راحل (ره) به‌عنوان بنیان‌گذار جمهوری اسلامی و در دیدگاه‌های رهبر معظم انقلاب چنین نظرانی نسبت به اقتدارگرایی دولت مطرح نیست. دولت باید خدمت‌گزار مردم باشد و اقتدار، خاصه نظام حاکمیت است. دولت در کنار قوه قضاییه و مجریه باید

اقتدار پیدا کند نه دولت در ماتحن دولت به شکل واحد و یا مجلس به ماتحن مجلس به شکل واحد که متأسفانه غلط‌مطراحی است که به وجود آمده است. تازمانی که جایگاه و شأن دولت‌ها را حداقل در حوزه اقتصاد ملی نتوانیم برگردان به هدایت‌گر، سیاست‌گذار، ناظر و مدیر کنیم، عاملیت اقتصاد توسط دولت بسیاری از فسادها را ایجاد می‌کند که یکی از بزرگ‌ترین آن‌ها که حداقل در اقتصاد مدن به‌عنوان یک شاخص مهم مطرح است، بحث «شفافیت» است. **مقاومت پذیری یا رقابت پذیری اقتصاد** متأسفانه دولت یازدهم یک ستاد به اسم فرماندهی اقتصاد مقاومتی تأسیس کرد که وقتی تصمیماتش را نگاه می‌کنیم، می‌بینیم یکسری مشکلات را تعریف کرده‌اند که برای اقتصاد مقاومتی این کارها را باید انجام بدهیم. وقتی نگاه می‌کنیم هیچ کدامشان مقاومت‌پذیری اقتصادی نیست بلکه «رقابت‌پذیری اقتصاد» است. ما اصلاً نگفتیم که می‌خواهیم اقتصادمان را رقابت‌پذیر نکنیم؛ ما گفتیم می‌خواهیم اقتصادمان را مقاوم کنیم. اقتصاد ما در دوره ۱۰ ساله گذشته به این رسید که حدود ۵۰ میلیارد دلار صادرات غیرنفتی داشت. ما می‌گوییم اگر اقتصادمان مقاوم‌تر شود این رقم به ۱۰۰ و ۲۰۰ میلیارد دلار می‌رسد و اگر این اتفاق بیفتد، لازم نداریم که نفتمان را ۴۰ تا ۵۰ میلیارد دلار با اتماس بفروشیم و پولش را هم به ما ندهند و بگویند تگه می‌داریم، بیایید اعتبار بگیرید و هر چه می‌خواهید خرج کنید. منظور از مقاومت‌پذیری اقتصاد این است که همان‌طور که اگر دلار دچار چالش شود بازارهایش در خدمت اقتصاد ملی‌اش قرار می‌گیرند، امروز بازارهایمان در خدمت سیاست‌هایمان باشد که متأسفانه این‌گونه نیست. ما چشم‌اندازی داریم که ما را کشور اول اقتصادی، علمی و فناوری در منطقه تعریف می‌کند. امروز اقتصاد ما در خدمت این سیاست نیست. اقتصاد امروز ایران ما را به‌عنوان اقتصاد اول منطقه معرفی نمی‌کند اما اقتصاد ترکیه، این کشور را کشور اول اقتصادی منطقه معرفی می‌کند. این را تجویز نمی‌کند.

Infographic titled 'آرمان معیشت' (Welfare Dream) discussing economic challenges and solutions. It includes sections for 'مشکلات معیشتی مردم' (People's Welfare Problems), 'بخش تولید' (Production Sector), 'بخش مصرف' (Consumption Sector), 'بخش مدیریت' (Management Sector), and 'بخش بازار' (Market Sector). It lists various issues like unemployment, inflation, and corruption, and offers solutions such as strengthening the economy, increasing production, and improving market efficiency.



۵ اولویت اقتصاد برای دولت دوازدهم

بررسی‌ها نشان می‌دهد بارز شاعرهای انتخاباتی در دوازدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری داغ بود به طوری که نه فقط وعده پاره بیشتر که وعده ایجاد شغل و افزایش قدرت خرید مردم و بر شدن سفره‌ها نیز خریدارانی داشت. این امر نشان می‌دهد کلروزه مهم دولت دوازدهم در این دوره چهار ساله پیش رو باید معطوف به اقتصاد و معیشت ایرانی باشد که خود را لایق زندگی بهتری می‌داند و این احساس نیز بدون تردید پیراهن نیست. بررسی‌ها نشان می‌دهد دو سر بحرانی که دولت دوازدهم باید برای حل آن چاره بیندیشد به تازه واردان و خارج شدگان از بازار کار بر می‌گردد. به ایجاد شغل و حل بحران صندوق‌های بازنشستگی در این میان اجزای برنامه‌هایی چون یکسان سازی نرخ ارز و همچنین پیگیری مفاد پیش‌بینی شده در برنامه اقتصاد مقاومتی نیز ضرورت دارد.

اشتغال

به نظر می‌رسد یکی از مهمترین اولویت‌های دولت دوازدهم باید معطوف به برنامه ریزی برای ایجاد شغل باشد. ایران با نرخ دو رقمی بیکاری روبروست و این بدان معناست که بیش از ۳ میلیون و ۲۰۰ هزار نفر از یافتن کار مناسب در بازار کار ایران بازمانده‌اند. از سوی دیگر برخی گزارش‌ها بر طولانی شدن دوره بیکاری یعنی فاصله ورود به بازار کار تا یافتن کار مناسب دلالت دارد. به هر روی اگر جمعیت دانشجویان در حال تحصیل را نیز در نظر بگیریم مشخص می‌شود ایران در شرایط کنونی به بیش از یک میلیون شغل در سال نیاز دارد و ایجاد این تعداد شغل نیز البته به معنی از میان رفتن بیکاری در فضای کنونی اقتصاد نیست بلکه بدتر شدن وضعیت را مهار کرده و موجبات بهبود این وضعیت را فراهم می‌کند. بر این اساس به نظر می‌رسد ایجاد اشتغال یکی از مهمترین اولویت‌های جامعه‌ای است که رونق جویندگان کار در آن رو به افزایش است و اتفاقاً نرخ بیکاری فشاری را به صندوق‌های تأمین اجتماعی و بازنشستگی نیز وارد می‌کند.

معیشت

معیشت هر چند حلقه گشوده اقتصاد ایران نیست و عدم مانور کاندیدها در مساله تورم خود نشان می‌دهد که حفظ قدرت خرید در چهار سال گذشته اتفاق افتاده است اما با این حال مانور در مساله پاره‌پاره شدن بودجه و مساله معیشت بازگردد. معیشت در ایران مساله مهمی است. آنچه در سال‌های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ در ایران رخ داد سبب شد سفره بخش عمده از جمعیت ایران آب برود و همین مساله خود گواهی است بر نگرانی‌ها در این حوزه. وزیر راه و شهرسازی بارها درباره وضعیت ناامنان ۱۹ میلیون مددسکن در ایران هشدار داده است. این افراد که از منظر استانداردهای استانداردسازی و واحدهای مسکونی مناسبی زندگی نمی‌کنند می‌توانند در حوزه معیشت نیز با مشکلات بحرانی روبرو باشند که البته هستند و همین امر خود گواهی است بر ضرورت برنامه ریزی برای برخورداری حداقلی تمامی جمعیت از آنچه حق زندگی خوانده می‌شود.

اصلاح نظام بانکی - به نوشته خبرآنلاین، اصلاح نظام بانکی ضروری است. این امر راه مقابله دولت دوازدهم تکدیج می‌کند و نه رفقای انتخاباتی در دوازدهمین دوره ریاست جمهوری. نظام کارشناسان نیز بر این عقیده‌اند که اصلاح نظام بانکی ضرورتی انکارناپذیر است. بانک‌های ایرانی به دلیل مشکلاتی که در داخل دارند، از برقراری رابطه با نظام بانکی بین‌المللی بازمانده‌اند و همین امر خود گواهی است که اصلاح این ساختار هم برای برقراری رابطه بانک‌های ایرانی و خارجی و هم برای هدایت نقدینگی بانک‌ها به سمت تولید و فعال کردن اقتصاد مولد ضرورتی انکارناپذیر است.

توجه ویژه به صندوق‌های بازنشستگی - صندوق‌های بازنشستگی بحران فریاد ایران هستند. صندوق‌های بازنشستگی در مجموع ۲۵ هزار میلیارد تومان دارایی دارند اما نکته ایجاد است که ۱۶۵ هزار میلیارد تومان از این دارایی با طلب صندوق‌ها از دولت شامل می‌شود که اگر این میزان را برطرفی موجود اضافه شود امکان افزایش سرمایه‌گذاری‌ها و درآمدزایی نسبت به گذشته وجود دارد. پیش از این حجت الله میرزایی معاون اقتصادی و برنامه‌ریزی وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی در خصوص وضعیت مطالبات صندوق‌های بازنشستگی گفته بود: بسیاری از بیگاه‌های واگذار شده به صندوق‌های بازنشستگی در قالب رد دیون بوده است. بیگاه‌های واگذار شده اغلب زیان‌ده بوده و بسیاری از آنان نیز در زنجیره فعالیت‌های صندوق‌ها نبوده‌اند و این دلیل موجبه تا وضعیت تامل‌جانی برای مصرف کالاهای خارجی داشته باشد، یعنی فرصت توسعه‌ی تولیدات داخلی و پیشرفت اقتصادی را از خود گرفته‌اند.

عده‌ای بر این عقیده‌اند که برای



نخستین ماموریت اقتصادی دولت دوازدهم

با اعلام نتایج انتخابات ریاست جمهوری دوازدهم، مردم رای به تداوم کار دولت کنونی دادند. دولتی که اگر چه در طول حیات ۴ ساله خود توانسته با بهره‌گیری از سیاست‌های نسبی، سایه برخی از تهدیدهای اقتصادی و سیاسی را از کشور دور کند، اما انتظار همگانی بر این است که در ۴ سال آینده، با بهره‌گیری از سیاست‌های مناسب‌تری، بتواند از یکسو برای بحران‌های اقتصادی، یک سوئی مدون و چارچوب مشخص ارائه کند و از سوی دیگر، برای سرعت بخشیدن به برنامه‌های توسعه اقتصادی، از تمام ظرفیت‌های فنی و نیروی انسانی استفاده کند.

شاید کمی زود به نظر برسد، ولی باید تاکید کرد که وضعیت کنونی کشور به نحوی است که باید هر چه زودتر اسب تندپایان برای عبور از چالش‌های اقتصادی زین کرد. در غیر این صورت، نه تنها ظرفیت موجود اقتصادی (مانند نیروی انسانی در سن کار) از بین خواهد رفت، بلکه از سطح اعتماد عمومی نسبت به ادامه حیات تفکر حاکم کنونی پس از لغو تحریم‌ها اکثر اقتصاددانان بر ضرورت

در جریان اجرایی‌سازی کشور کاسته خواهد شد. جریان کنونی اجرایی‌سازی کشور، یک بار دیگر فرصت پیدا کرده است که بتواند زمینه را برای بهبود وضعیت اقتصادی فراهم کند، اما فرصت سوزی، تاوان سختی خواهد داشت. برای نیل به اهداف مدنظر به خصوص در بخش اقتصادی، نیاز به تصمیم‌های مهم و تصمیم‌های سخت است. یکی از مهمترین تصمیم‌های دولت ارائه راهکار و چارچوب مشخص برای هماهنگی بیشتر تیم اقتصادی کشور است.

■ زمینه‌های مشترک همکاری

به نظر می‌رسد در برنامه‌های کلان اقتصادی، محورها اصلی کشور اختلاف نظرهای جدی بین سازمان اقتصادی نظیر بانک مرکزی، وزارت اقتصاد و سازمان برنامه در ۴ سال گذشته کمتر شده است اما این نزدیکی نتوانسته به شکلی باشد که با ظرفیت‌های کنونی، برنامه‌بلندمدتی برای حل مشکلات اقتصادی پدید آورد.

از این رو کارشناسان معتقدند تیم اقتصادی که وضعیت کنونی کشور به نحوی است که باید هر چه زودتر اسب تندپایان برای عبور از چالش‌های اقتصادی زین کرد. در غیر این صورت، نه تنها ظرفیت موجود اقتصادی (مانند نیروی انسانی در سن کار) از بین خواهد رفت، بلکه از سطح اعتماد عمومی نسبت به ادامه حیات تفکر حاکم کنونی پس از لغو تحریم‌ها اکثر اقتصاددانان بر ضرورت



نبض اقتصاد کشور

دکتر حجت‌الله عبدالملکی، اقتصاددان و عضو هیأت علمی دانشگاه امام صادق علیه‌السلام در نظریات مربوط به پیشرفت، معمولا دو رویکرد کلی وجود دارد. رویکردی که معمولا است برای توسعه و پیشرفت، در ابتدا می‌بایست پای سرمایه‌گذار خارجی را به کشور باز کرد و از طریق آن به پیشرفت رسید. در مقابل، رویکرد دیگر معتقد است، هرگونه برنامه توسعه، می‌بایست بر توانمندسازی ساختارهای درونی کشور باشد.

■ چگونه می‌توان از نقش مردم در پیشرفت اقتصادی بهره برد؟

به طور کلی مردم سه نقش مهم دارند: تولیدکنندگی، انتخاب‌کنندگی و مصرف‌کنندگی. در بُعد تولیدکنندگی، همه انسان‌هایی که دارای حداقل یکی از نهادهای تولید باشند، تولیدکننده دانسته می‌شوند. حتی جوانی که نیروی کار دارد و سرمایه ندارد، تولیدکننده دانسته می‌شود. در مقام تولیدکنندگی، اینکه هرکسی هرچه از نهادهای تولید در اختیار دارد، اعم از سرمایه، نیروی کار، دانش، منابع طبیعی، زمین و امثال این‌ها را پای کار بیاورد، قطعا در پیشرفت اقتصادی ما نقشی جدی خواهد داشت. در حیطه انتخاب‌کنندگی، مردم می‌توانند در جهت تصمیم‌گیری در مورد کسای که با او در بین خودشان به عنوان مسئولین انتخاب می‌کنند و آن‌ها برنامه‌ریزی و جهت‌دهی می‌کنند. کمی‌وکیف مصرف مردم نیز در پیشرفت اقتصادی بسیار تعیین‌کننده است. اینکه مردم یک کشور تمایل جانی برای مصرف کالاهای خارجی داشته باشند، یعنی فرصت توسعه‌ی تولیدات داخلی و پیشرفت اقتصادی را از خود گرفته‌اند.

■ عده‌ای بر این عقیده‌اند که برای

تکنه دوم اینکه معمولا کشورهای پیشرفته‌ی جهان، که کشورهای سلطه‌گر هستند، در همه تعاملات خود، به دنبال منفعت خودشان هستند، حتی اگر آن منفعت به شدت به ضرر کشوری باشد که با آن تعامل می‌کنند.

کشورهای دنیا را به طور کلی به دو دسته کشورهای سلطه‌جو و غیر از آن‌ها، تقسیم می‌کنیم. کشورهای سلطه‌جو آمریکا و برخی کشورهای اروپایی هستند و کشورهای غیر آن‌ها که خود به دو گروه تقسیم می‌شوند: کشورهایی که از توانمندی و ظرفیت‌های بالایی برای پیشرفت برخوردارند و کشورهایی که امکانات و منابع کافی برای پیشرفت ندارند.

کشورهای بزرگی مثل ایران که منابع طبیعی و انسانی بالایی دارند، طبیعتاً جزء گروه اول از دسته دوم هستند، یعنی کشورهایی که سلطه‌جو نیستند و ظرفیت بالایی هم برای پیشرفت دارند. کشورهای سلطه‌جو در تمام تعاملاتی که با کشورهای دیگر، اعم از پرظرفیت و کم‌ظرفیت دارند، به دنبال تأمین منافع خود هستند و غیر از منفعت خود در سطح ملی به هیچ منفعت دیگری فکر نمی‌کنند. لذا اگر با سایر کشورها تعامل می‌کنند، برای این است که منافع خود را تأمین کنند.

دومین دسته کشورهای سلطه‌گر سر کشورهای پیرو می‌آورند. این است که محصولات خودشان را به بازارهای آن‌ها تحمیل می‌کنند. بازارهایی که معمولا جمعیت زیادی دارند و درآمد قابل توجهی از محل خاخرپوشی به دست می‌آورند. در واقع کشورهای سلطه‌گر صنعت طبیعی کشورهای دیگر را با قیمتی ناچیز می‌خرند و بعد کالاهایی را با بهره‌گیری از همان نیروی متخصصی که از کشورهای دیگر جذب کرده‌اند تولید می‌کنند و به آن‌ها می‌فروشند و درآمدهای هنگفتی کسب می‌کنند.

این برنامه‌ای است که کشورهای سلطه‌گر در تعامل با کشورهای پیرو خودشان، به طور معمول اجرا می‌کنند. حتی متفکرین و اقتصاددانان غربی اقتصاد توسعه‌ای که می‌طرف هستند، برنامه‌ی نهادهای بین‌المللی مثل صندوق پول را بررسی کرده‌اند و براساس شواهد آماری و دقیق، اثبات نموده‌اند که خیلی از این برنامه‌ها در راستای منافع کشورهای توسعه‌یافته و پیشرفته بوده و در عمل چیزی غیر از افت بیشتر برای کشورهای پیرو نداشته است.

دومین تکنه اینکه در آن بخش‌هایی که پیشرفت داشته‌اند، بیشتر متکی بر تراوری و خلایقیت و نیروهای داخلی خودشان بوده‌اند. برای مثال، درست است صنعت خودرو در دنیا وجود دارد، اما خودروسازی کروی جنوبی پیشرفته‌ی پیشرفت خود را مرهون بومی‌سازی است. ما هم باید از دنیا استفاده کنیم، اما استفاده‌های که در تئوری‌هایی موجود در حوزه‌ی روابط

موضوع چهارم ساختن یک تصویر کلان از وضعیت اقتصاد کشور است. این تصویر کمک می‌کند آحاد اقتصادی یک تصویر مشترک و چشم‌انداز مشخص از وضعیت اقتصادی کنونی کشور و تصویر مطلوب آینده باشند و به سمت آن حرکت کنند. موضوع پنجم نیز به وجود آوردن سازوکار حل اختلاف است. در طول عمر دولت یازدهم نیز مشاهده می‌شد پای معامله‌ها بین نهادهای اقتصادی دولت، به رسانه‌ها باز می‌شد و بعضاً این مشکلات بدون ارائه راهکار می‌ماند. بنابراین لازم است که سازوکار حل اختلافات بین نهادهای و سازمان‌ها ایجاد شود.

■ تفکیک مسائل کوتاه مدت و بلندمدت

در کنار این موضوع دولت باید بین برنامه‌های جاری و برنامه‌های بلندمدت تفکیک مشخصی داشته باشد. اینکه تمام ظرفیت دولت صرف برنامه‌های جاری شود، عملاً از پیشبرد اهداف بلندمدت ناتوان خواهد شد. در تیم اقتصادی دولت، نقش معاون اول بسیار تعیین‌کننده است. او باید یک سازوکار هماهنگ را بین دیگر سازمان‌ها ایجاد کند. یعنی معاون اول باید از چنان قدرت اجرایی برخوردار باشد که بتواند مسائل روزمره‌ای که سبب ناهماهنگی و اختلاف‌نظر می‌شود را هماهنگ کند اما در مسائل فکری و دیدگاهی سازوکار اجرایی مناسب برای ایجاد افق مشترک، تشکیل شورای مشاوران اقتصادی رئیس‌جمهور است. اگر رئیس‌جمهور به جمعی که صاحب فکر هستند و با هم هم نظر هستند، این امکان را خواهد داشت که اتاق فکر تشکیل داده و نسبت به تصویرسازی کلان کشور اقدام کند. می‌تواند در خصوص این چالش‌ها می‌تواند با تیم‌های مشاوران اصلی کشور، master plan را می‌دهد؛ اما پذیرش آن بستگی به پذیرش مسئولان ستاد اقتصادی دولت دارد. اتاق فکر، می‌تواند بهترین برنامه‌های موجود را به تیم اقتصادی دولت معرفی کند و دولت می‌تواند از بین این برنامه‌ها، برنامه ممکن را برای حل مشکلات انتخاب کند.

■ مرزبندی بین ماموریت‌ها

تکنه دیگری که باید به آن اشاره کرد تقسیم وظایف و شفافیت ماموریت‌ها در بخش اقتصاد کلان است. برای موفقیت در مقابل چالش‌های پیش‌رو، باید مرزبندی نهادهای اجرایی در حوزه‌ها و ماموریت‌ها به شکل صحیح صورت بگیرد و هم‌پوشانی در تخصیص کارها به حداقل برسد. به نظر می‌رسد در حال حاضر اجماع در خصوص ماموریت‌ها و اهداف دستگاه‌ها به شکل واقعی وجود ندارد.

به عنوان مثال، برای ایجاد اشتغال و بهبود تولید، اقتصادی بین‌المللی نیامده باشد و در چارچوب الگوی بومی اقتصاد بین‌الملل، که مسئله‌ی همان درون‌زایی و برون‌گرایی اقتصاد است، قرار می‌گیرد. از فرصت‌های بین‌المللی باید با چشم باز استفاده کنیم. این ارتباط بین‌المللی مؤلفه‌هایی دارد. مهم‌ترین مؤلفه‌اش این است که حداکثر ارزش افزوده را در نهادهای طبیعی خودمان ایجاد کنیم و اگر از تکنولوژی یا دانش خارجی خواستیم استفاده کنیم، با هدف بومی‌سازی آن دانش و تکنولوژی باشد. البته معمولا طرف‌های مقابل نیستند چنین تعاملی با ما داشته باشند. با وجود اینکه صد سال است شرکت‌های غربی در صنایع نفت و گاز ایران سرمایه‌گذاری می‌کنند، دانشی که در این زمینه به ما منتقل نگرداندند با وجود اینکه در قراردادهای موضوع انتقال تکنولوژی به‌عنوان یک بند قید شده، حتی در سال‌های اخیر هم که بی‌وفادی سال از انقلاب اسلامی گذشته است، می‌بینیم شرکت‌های اروپایی که در میانه‌ی نفت و گاز ما کار می‌کنند، در بخش‌های حساس ورود ایرانی‌ها را ممنوع کرده‌اند. بنابراین این گونه نیست که ما با تعامل گسترده و کاملا آزاد با دنیا به پیشرفت برسیم. اگر این تعامل با دنیا باز نباشد، به احتمال زیاد باعث می‌شود سرعت پیشرفت ما کمتر شود.

■ اصولاً متکی بودن پیشرفت اقتصادی کشور به سیاست خارجی و به تبع آن سرمایه‌گذار خارجی، اقدام درستی است؟

در مسیر پیشرفت، سیاست خارجی می‌تواند یک عامل کمک‌کننده باشد، یعنی ما می‌توانیم بدون حضور سیاست خارجی هم برنامه‌ی پیشرفت‌مان را پیش ببریم، اما اگر استفاده‌ی مناسبی از ابزارهای سیاست خارجی نکنیم، می‌توانیم سرعت پیشرفت را افزایش دهیم اما اینکه رکن اصلی پیشرفت را سیاست خارجی بدانیم، غلط است. به‌خاطر اینکه کشورهای پیشرفته دنیا نشان داده‌اند حاضر نیستند به راحتی مؤلفه‌های توسعه و پیشرفت را به کشورهای دیگر منتقل کنند.

تکنه دیگری که در سیاست خارجی لازم است به آن توجه کنیم و منظور بنده از استفاده‌ی بهینه از سیاست خارجی برای پیشرفت و توسعه است، این تکنه است که خارج را نباید در چند کشور آمریکایی شمالی و اروپایی غربی محدود بدانیم. دنیا ۱۹۰ کشور است که خیلی از این کشورها برای ما فرصت پیشرفت ایجاد می‌کنند گاهی تصور می‌شود دنیا یعنی آمریکا، انگلیس، فرانسه، ایتالیا و کاتادا، درحالی‌که این‌طور نیست. هرچند آن‌ها قدرت‌های بزرگی هستند، اما خیلی زیادی از فرصت‌های بین‌المللی که به‌یاری ما وجود دارد، بازار مصرف موجود در سایر

هدف‌هایی را برای بانک مرکزی تعیین می‌کنند و او در مأموریت مهم خود یعنی اصلاح نظام بانکی از کار می‌ماند. در حال حاضر در اقتصاد ایران بانک مرکزی هم‌زمان مسئول رشد اقتصادی، اشتغال و کنترل تورم شناخته می‌شود؛ درحالی‌که در هیچ جای دنیا اشتغال و افزایش رشد اقتصادی از وظایف بانک مرکزی نیست.

در بخش مالی دولت نیز باید برخی از وظایف برون‌سپاری شود و تقسیم کار مشخصی بین سازمان برنامه و بودجه و وزارت امور اقتصادی و دارایی صورت بگیرد. به‌عنوان مثال، سازوکار انتشار اوراق بدهی باید مشخص باشد و وظیفه هر یک از نهادهای نباید با وظایف یکدیگر در تضاد باشد. سیاست‌های متناقض در این حوزه باعث خواهد شد که ابزار اوراق بدهی که می‌تواند به‌عنوان یک فرصت مطرح شود، به‌عنوان یک تهدید در اقتصاد تبدیل شود. بنابراین باید به‌طور کلی یک مرزبندی مشخص بین سه نهاد اقتصادی کشور به وجود آید. در این مرز بندی، بانک مرکزی اهداف و سیاست‌های پولی و تورمی را دنبال می‌کند. در بحث پولی و بانکی باید رویکرد سیاست‌های پولی بانک مرکزی از حالت افعال به حالت فعال، با بازنگری جایگاه بانک مرکزی، اعطای درجه‌ای از استقلال و اختیارات قانونی و توسعه ابزارها به منظور توانایی کنترل پایه پولی منابع مالیاتی تأمین کند.

در این خصوص سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور نیز مسؤلیت راهبردی در پروژه‌های عمرانی را بر عهده می‌گیرد. در این مسیر باید یک برنامه‌ریزی پویا و جامع نیز وجود داشته باشد. این برنامه‌ریزی، به‌طور ذرواهای مورد بازنگری قرار می‌گیرد و باعث می‌شود همواره بتوانان به تصمیم‌سازی، شکل فرصت‌ها و اتخاذ استراتژی متناسب با شرایط روز و آگاهی از تغییرات پیرامونی پرداخت. در این راه می‌توان از مهندسی مجدد تقسیم وظایف نهاد با استفاده از اصول و استانداردهای روز دنیا استفاده کرد.

کشورهائست. یادمان باشد در تعامل اقتصادی در زمینه صادرات، در زمینه‌ی صادرات که یک کشور از موتورهای توسعه‌ی ما می‌تواند باشد، چندان فرصت ظرفیتی وجود ندارد؛ یعنی نمی‌توانیم به آمریکا، انگلیس و آلمان چیز خاصی صادر کنیم، اما به خیلی از کشورهای دیگر می‌توانیم صادرات داشته باشیم. کشورهای آمریکایی لاتین به‌راستی حاضرند محصولات تکنولوژی ما را بخرند اگر بپذیریم که یکی از پایه‌های پیشرفت، تقویت علم و فناوری است، طبیعتاً مقاصد صادرات علم و فناوری ما کشورهای بسیار پیشرفته نیستند. برخی معتقدند که در عصر حاضر، خودکفایی و استقلال بی‌معناست. از سوی دیگر، عده‌ای معتقدند در هر نقطه‌ای که به خارج اتکا داشته باشیم، باشند آثبل ما خواهد بود و دشمن از همان نقطه به ما فشار می‌آورد. نظر در چیست؟

من خودکفایی و خوداتکایی را متمایز می‌دانم. خوداتکایی به این معناست که توان تأمین نیازمندی‌های پایمان را در داخل کشور داشته باشیم. قطعا در شرایطی که اقتصاد بین‌الملل کاملاً دوستانه و صلح‌آمیز باشد، منافع همه‌ی ملتها بیشتر خواهد شد و اینکه همه‌ی کشورها سعی کنند کالای مورد نیازشان را خودشان تولید کنند، در کل به‌ضرر مردم جهان است. اما واقعیت این است که در سطح بین‌الملل، شرایط خصوصیات وجود دارد. چندان قدر در سطح دنیا برای تأمین منافع خود، منافع کشورهای دیگر را ریز یا می‌گذارند. در چنین وضعیتی، نمی‌توانیم نبض اقتصاد و منافع ملی‌مان را به اقتصاد جهانی واگذار کنیم. توجه به مزیت‌های نسبی، در شرایط کاملاً دوستانه، کاملاً درست است، اما در آن شرایط نیستیم. اگر ما نتوانیم نیازمندی‌های اساسی خودمان را تولید کنیم، ضررپذیر خواهیم بود. واقعیت امروز دنیا این است که ایران به دلیل اهداف و آرمان‌هایش، دشمنانی بسیار جدی در سطح بین‌المللی دارد و می‌تواند در درگیری با این کشورها و دشمنان وابستگی‌مان را به کشورهای مستعرب و دشمنان اصلی، به حداقل برسانیم و این کار نیازمند یک مدل خوداتکایی است.

اصل خوداتکایی مسئله‌ی کاملاً موجهی است. اینکه مثلا ما چرا باید گند تولید کنیم و چون هزینه تولید گند در ایران زیاد است، باید وارد گندمی که داریم وارد می‌کنیم، ممکن است که برای دنیا دشمنی با ما تبدیل شود. لذا نظریه‌های تجارت بین‌المللی که فرض را بر این گرفته‌اند که شرایط دنیا کاملاً در صلح، ثبات، آرامش و رفاقت است، با واقعیت موجود خیلی فاصله دارند. لازم است که حتماً خوداتکا باشیم.

به بدن انسان تشبیه کرده و ثروت را در حکم خون جاری در بدن می‌داند و می‌نویسد: یکی از اصول اولیه اقتصاد سالم حیات و قابلیت رشد و نمو ثروت است، همان‌طوری که از شرایط اولیه یک اجتماع سالم اقتصاد سالم است. جامعه باید بنیه اقتصادی سالمی داشته باشد، مبتلا به کم‌خونی اقتصادی نباشد و اگر نه، مانند یک مریض کم‌خون و با مرضی که دستگاه قلب و جهاز دموته‌اش خراب است همیشه مریض خواهد بود. گمان نمی‌رود هیچ عالم و بلکه هیچ عاقلی منکر لزوم و ضرورت اقتصاد سالم باشد. ایشان سپس یکی از اهداف اسلام را نفی سبیل دانسته و آنرا به‌واسطه دسترسی به اقتصاد سالم قابل تحقق می‌داند و می‌نویسد: «از نظر اسلام هدف‌های اسلامی بدون اقتصاد سالم غیرقابل تأمین است. اسلام می‌خواهد که غیرمسلمان در مسلمان تسلط و نفوذ نداشته باشد. این هدف هنگامی میسر است که ملت مسلمان در اقتصاد نیازمند نباشد و دستش به طرف غیر مسلمان دراز نباشد، والا نیازمندی ملازم است با اسارت و بردگی، ولو آنکه اسم بردگی در کار نباشد. هر ملتی که از لحاظ اقتصاد دستش به طرف ملت دیگر دراز باشد اسیر و برده او است.»

جالب‌تر اینکه تمامی این حساسیت‌ها بر استقلال اقتصادی مملکت و بیرون آوردن آن از دستبرد بیگانگان در شرایطی رقم می‌خورد که توان تولیدی آن زمان کشور نسبت به کشورهای صنعتی پیشرفته همچون انگلیس، روسیه، پرتغال و اسپانیا و مانند آن، به شدت نازل بود و حال آنکه در شرایط فعلی، کشور به هفدهمین اقتصاد بزرگ دنیا مبدل شده‌است و در بسیاری از محصولات تولیدی توان رقابت با کشورهای خارجی را داشته و دارای مزیت رقابتی و نسبی هست و نیز صادرات قابل توجهی به بیرون از مرزهای خود دارد. در واقع در چنین شرایطی سخن از محدودکردن واردات نمی‌تواند آن‌چنان مشکل خاصی حتی برای مصرف‌کنندگان به‌وجود آورد. بنابراین مسئولان و در رأس آنان دولت‌مردان و نمایندگان مردم در مجلس می‌بایست تمامی مقدمات لازم برای اجرای قاطعانه و سریع و دقیق حکم ممنوعیت واردات را فراهم سازند تا دیگر شاهد واردات کالاهای مصرفی غیرضروری، کالاهای دارای مشابه داخلی و دارای توان تولید داخلی و نیز کالاهای ضروری و استراتژیک مورد نیاز که می‌بایست در داخل تولید شوند نباشیم.

جهت تحریم آن‌را، جهاد اقتصادی در رکاب اسام زمان (عج) بر شمرند. نگاهی به مواضع و فتاوا و نیز سیره‌ی علمای بصیر، حاکی از اراده‌ی جدی و عزم پرحزم ایشان برای مقابله با نفوذ و سلطه‌ی بیگانگان به‌ویژه بیلاذ کفر بر بلاد اسلامی است. بیش از بیست‌سند و متن تاریخی حاوی مواضع و فتاوی‌ای علمای اعلام بویژه در تاریخ مشروطیت وجود دارد که به امر تحریم کالاهای بیگانگان و ترویج مصرف محصولات وطنی مستقیماً می‌پردازد. مبنای فقهی این موضوع را شاید بتوان در قاعده نفی سبیل دانست. قاعده نفی سبیل از قواعد مهم فقه اسلامی و مستند به آیه شریفه «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلاً» (سوره نساء/۱۴۱) است. در این آیه، شارع مقدس در مقام تشریح و در مقام قانون‌گذاری و در مقام بیان یک قاعده کلی در جامعه اسلامی است. هر قرارداد و هر چیزی که سبب استیلا یا کفر بر مسلم شود منفی است. بنابراین، قاعده نفی سبیل بر ادله اولیه و احکام حکومت ناظر است. این امر در مورد معاملات و قراردادهای اقتصادی و تجاری با بیگانگان به‌ویژه کفار بسیار بارز و روشن است چرا که هرگونه وابستگی اقتصادی بدون ملاحظاتی مشخص در برابر آن، موجب وابستگی سیاسی و حاکمیتی را هم فراهم می‌آورد.

■ تقویت اقتصاد ملی
از سویی دیگر، برای رفع نیازهای مادی و معنوی مسلمین در تمامی شئون، بایست اقتصاد جامعه اسلامی از قوت و ثروت فراوانی برخوردار باشد. بدون آن، نه نیازهای داخلی رفع خواهد شد و نه اقتدار و عزت جامعه اسلامی رقم خواهد خورد. چراکه واردات کالاهایی که در داخل تولید می‌شوند و نیازی به واردات آن نیست از سویی موجب ورشکستگی کارخانجات داخلی و در نتیجه بیکاری بخشی از جامعه مسلمین می‌شود، و از سویی دیگر، موجب وابستگی بیشتر کشور به بیگانگان خواهد شد که همین امر، ممکن است زمینه‌ساز ضربه‌زدن، نفوذ و تسلط بر کشور را فراهم کند.

در واقع این مینا از یک حیث، بخشی از همان عدم وابستگی و سلطه‌پذیری از کفار و در مبنای نفی سبیل دربردارد و بخش دیگر آن برمی‌گردد به تأمین نیازها و حوائج و رفاه مسلمین و برخورداری عموم جامعه اسلامی از مواهب و نعمت‌های خدادادی. شهید مطهری با تمثیل زیبایی، اقتصاد جامعه اسلامی را

که بازار تنباکو را در انحصار خویش داشت، خاتمه داد. حکم تحریم تنباکو، به‌واسطه‌ی وسعت نفوذ این مرجع بزرگ و حکم شدید و بی‌سابقه مبتنی بر حرمت و در حکم محاربه با امام زمان (عج)، جریان‌ساز و تحول‌آفرین شد و نقطه‌ی عطفی در مبارزات علیه استعمارگری‌های بیگانگان در کشور که عمدتاً از طریق واردات در پی ضربه‌زدن به اقتصاد کشور بودند به حساب آمد، به‌طوری‌که تا قبل از آن شاید اشکالات و پیامدهای معامله با اجانب و بیگانگان و سلطه‌ی اقتصادی ایشان بر سرزمین چندان بر عموم مردم روشن و واضح نبود و در موارد بسیاری نیز دولت وقت با این معاملات همراهی می‌کردند. اما صدور این فتوا هم دخالتهای دیگر در برابر سلطه‌ی بیگانگان را در امور اقتصادی نشان داد و هم راه را بر مظاهر و عرصه‌های دیگر تهاجم اقتصادی بیگانگان و سلطه‌ورزی ایشان در این کشور مسدود نمود. سه سال قبل از این فتوا نیز در سؤال و جوابی که بین شهید شیخ فضل‌الله نوری و میرزای بزرگ شیرازی در مورد نفوذ اقتصادی اجانب و بلاد کفر در آن زمان به‌ویژه روس و انگلیس از طریق تحریم مواردی چون قند و چایی و غیره، صورت پذیرفته بود، ایشان آن‌را از باب سیاست و مصالح عامه برشمرده و تکلیف اصلی را بر دوش دولت و مسلمانان صاحبان نفوذ دانسته بودند و مردم را به تحریم کالاهای بیگانه تشویق کردند. جالب اینجاست که این عالم مجاهد بزرگ، نقش دولت را علیرغم نقش مردم، مهم‌تر و تعیین‌کننده‌تر می‌داند: «در عهده‌ی هر دو [دولت و ملت] است که به اعانت یکدیگر دین و دنیای عباد را حراست کرده... و با قاعد و کوتاهی از یکی امر، معوق و رعیت به امثال این بلاها [تسلط کفار بر اقتصاد مسلمین] مبتلا می‌شوند و چونکه از ملت جز گفتن و تحریص و تحریف و تهدید، امری دیگر بر نمی‌آید و افتاد و اجرا با دولت است؛ تا از دولت کمال همراهی را نبینند، اقدام نمی‌توانند نمود و اگر ببینند که به تکلیف لازم خود اقدام دارد و فرصت بیرون آمدن از عهده‌ی آن کامیابی می‌باشد البته ملت آنچه را شایسته‌ی اوست خواهد کرد و چگونه نکند؟»

بسیست سال بعد آخوند خراسانی مرجع بزرگ شیعیان نیز مصرف کالاهای خارجی در سرزمین‌های اسلامی را موجب از میان رفتن ثروت کشور و منابع داخلی و فقر و فلاکت امت و تسلط کفار بر مسلمین و نیز از بین رفتن استقلال مملکت و حتی تحریص دین دانستند و تلاش مردم از همه‌ی اصناف در



طریق کنترل مبادی ورودی کالا که وظیفه‌ی خاص دولت و مجموعه‌ی حاکمیت است به درستی و با حساسیت و قاطعیت، پیگیری نشود، انتظار بهبود تولیدات ملی و تقویت و ترویج مصرف محصولات داخلی به سرانجام و شیرازی در مورد نفوذ اقتصادی اجانب و بلاد کفر در آن زمان به‌ویژه روس و انگلیس از طریق تحریم مواردی چون قند و چایی و غیره، صورت پذیرفته بود، ایشان آن‌را از باب سیاست و مصالح عامه برشمرده و تکلیف اصلی را بر دوش دولت و مسلمانان صاحبان نفوذ دانسته بودند و مردم را به تحریم کالاهای بیگانه تشویق کردند. جالب اینجاست که این عالم مجاهد بزرگ، نقش دولت را علیرغم نقش مردم، مهم‌تر و تعیین‌کننده‌تر می‌داند: «در عهده‌ی هر دو [دولت و ملت] است که به اعانت یکدیگر دین و دنیای عباد را حراست کرده... و با قاعد و کوتاهی از یکی امر، معوق و رعیت به امثال این بلاها [تسلط کفار بر اقتصاد مسلمین] مبتلا می‌شوند و چونکه از ملت جز گفتن و تحریص و تحریف و تهدید، امری دیگر بر نمی‌آید و افتاد و اجرا با دولت است؛ تا از دولت کمال همراهی را نبینند، اقدام نمی‌توانند نمود و اگر ببینند که به تکلیف لازم خود اقدام دارد و فرصت بیرون آمدن از عهده‌ی آن کامیابی می‌باشد البته ملت آنچه را شایسته‌ی اوست خواهد کرد و چگونه نکند؟»

■ نمونه‌های از این دست فتاوی در مورد واردات
این البته اولین باری نیست که یک عالم و فقیه، چنین حکمی را می‌دهند. اگر نگاهی به تاریخ این سرزمین و به‌ویژه تاریخ معاصر ایران ببینیم به‌وضوح به مواردی برمی‌خوریم که حاکی از نگاه خاص و نافذ علمای با بصیرت در اقدام جریان‌ساز فتوای تحریم مصرف تنباکو توسط مرجع تقلید بزرگ آن زمان یعنی مرحوم میرزای بزرگ شیرازی به منتهی ظهور رسید که به استعمار شرکت‌های انگلیسی و به‌ویژه شرکت معروف رزی در ایران

مردم به‌سمت مطالبه از مسئولین در بیان رهبر انقلاب صورت پذیرفته است که شاید از یک‌سو، نشان‌گر توجه مردم در مصرف تولیدات داخلی، و از سویی دیگر، اقدامات ضعیف مسئولین در این امر باشد. ثانیاً قطعاً عبارت «حرام شرعی و قانونی»، بار معنایی و حقوقی خاصی دارد که شاید تاکنون در بیانات معظم‌له مسبوک به سابقه نبوده باشد. از این رو برخی آن‌را به مثابه‌ی «فتوا» و برخی نیز به مثابه‌ی یک «حکم حکومتی» تلقی کرده‌اند. در واقع از آنجا که دولت در نظام اقتصادی موجود کشور، به‌عنوان بزرگ‌ترین مجری و ناظر، مصرف‌کننده و تقاضاکننده‌ی کالاها و خدمات به حساب می‌آید و سهم آن از مجموع درآمدهای ملی کشور (تولید ناخالص داخلی)، سهمی قابل‌بر بخش مصارف خصوصی و سرمایه‌گذاری و نیز بخش تجارت خارجی است، از این‌رو شاید تکیه‌ی اصلی این بیان رهبر انقلاب بر مسئولین نظام و به‌ویژه قوه‌ی مقننه و مجریه برای مقابله با امر واردات بجای تکیه بر مصرف از همین جهت باشد که تا بخت لزوم مصرف تولیدات داخلی و منع مصرف تولیدات خارجی دارای مشابه داخلی به میزان کافی، آن هم از

چرا واردات کالاهای مشابه داخلی حرام است؟

سال گذشته بود که رهبر انقلاب از تولید ملی به عنوان امری مقدس و با ارزش یاد کردند و همه‌ی آحاد و اقشار مردم را به تقویت آن به هر طریق ممکن دعوت کردند. در این میان ایشان بر نقش مصرف‌کنندگان که تمامی مردم را دربرمی‌گیرد تأکید ویژه‌ای فرمودند و گفتند عمده مردمند و خود راه مصرف کالاهای خارجی را ببندند. اما در بیانات خود در ابتدای سال ۹۶ در حرم مطهر رضوی که به نوعی نقشه راه سال را نیز ترسیم می‌نماید، ایشان با ذکر دو مسئله‌ی مهم در تولید که عبارت بود از مسئله‌ی واردات و مسئله‌ی قاچاق، چنین فرمودند: «واردات کالاهایی که در داخل به‌قدر کافی تولید می‌شود، بایستی به‌صورت یک حرام شرعی و قانونی شناخته بشود.»
بعنظر می‌رسد که اولاً در اینجا مخاطب در امر مبارزه با قاچاق و واردات، مسئولین نظام و به‌ویژه قوه‌ی مجریه در مقام اجراست و نه عموم مردم. این بدان معناست که مطالبه از

اقتصاد مقاوم، تولید اشتغال

بررسی آثار، امکانات و الزامات رونق تولید ملی

برای رونق بازار

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در تاریخ ۹۶/۸/۱ با اشاره به مشکل رکود و بیکاری در جامعه، راهکار اصلی حل آن را تولید داخلی بیان کردند. پایگاه اطلاع‌رسانی KHAMENEI.JR آثار، امکانات و الزامات رونق تولید ملی را براساس بیانات رهبر انقلاب در این اطلاع‌گذاشت منتشر میکند.

۳۳
میلیون نفر
در سن آماده‌به‌کار
نیروی انسانی

۱۵
میلیون نفر
فارغ‌التحصیل دانشگاه
نیروی انسانی

وجود امکانات شخصی افراد سرمایه

وجود صندوق توسعه ملی سرمایه

آمادگی همکاری صنعت و دانشگاه بازار

توانایی جوانان در طراحی ابزارها بازار

تعداد بالای نیروی انسانی آماده به‌کار نیروی انسانی

بازار بزرگ

در این بازار فقط جنس ایرانی عرضه میشود

آثار رونق تولید ملی

استفاده از ظرفیتهای معدنی

جهش صادرات و تولید ثروت

مصرف نشدن ارز برای کالاها

شکوفایی استعداد و ابتکار جوانان

کاهش نرخ بیکاری بخصوص در جوانان

ایجاد نشاط عمومی و ملی

کاهش ناهنجاری اجتماعی

کاهش تفاخر به بازارهای خارجی

به کار افتادن پس‌اندازهای راکد



خواب‌های آمریکایی

آمریکایی‌ها یا آمدن ترامپ، بیشتر بر طبل ماجراجویی می‌کوبند و می‌خواهند یگوند ما «غیر قابل پیش‌بینی» هستیم. ممکن است «دیوانگی» کنیم.

اسکات مودل مشاور ارشد فرماندهی عملیات ویژه آمریکاست. این افسر سابق سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا در آخرین نشست کمیته امور خارجی مجلس نمایندگان آمریکا یک طرح هشت ماده ای برای تشدید فشار به ایران را ارائه داده است تا در طول زمان رفتار جمهوری اسلامی ایران تعدیل و کنترل شود. او معتقد است رسانه‌های ضد ایرانی، کلّایی خود را از دست داده‌اند و باید تغییرات اساسی در این رسانه‌ها پدید آید و شبکه رسانه‌ای غرب سکوی برای تشریح سیاست‌های آمریکا باشد. او می‌گوید: باید از اختلافات و مناقشات درون ایران بهره برداری شده، اصلاح طلبان تقویت شوند و حمایت‌های بین‌المللی از جمهوری اسلامی متوقف شود. او با تأسف می‌گوید که جنبش سبز یا مرده است یا در حال مرگ است. او در طرح خود آورده است: باید خورشه‌های ناراضی از هم گسیخته به هم پیوند بخورند و منجر به تغییر رفتار تهران شوند. مودل پیشنهاد داده است هر سال به ۱۰۰ نفر از افرادی که کمک فوق‌العاده به جمع‌آوری اطلاعات از ایران کرده‌اند گرین کارت داده شود، به کسانی که باعث تحریک فرار دانشمندان و تکنوکرات‌های ارشد شوند پاداش داده و تشویق شوند. او پیشنهاد داده که روی فساد و نقض حقوق بشر انگشت گذاشته شود و گزارش‌های قبلی از این باره تهیه گردد، بر اساس این گزارش‌ها خوراک رسانه‌های فارسی زبان و انگلیسی زبان تهیه شود. او صریحاً گفته است: تلاش‌های ما برای بنامی جمهوری اسلامی جواب می‌دهد. او در پیشنهاد بعدی خود گفته است: علمای نجف را باید به عنوان رقیب اصلی ایران در رهبری جهان تشیع تقویت کرد. به رقیب «قم» و «نصف» ملان رده مودل همچنین گفته است: «آمریکای پاسخ به تهدیدات سپاه پاسداران باید پر خودر نظامی داشته باشد، لغافتی کافی نیست. آمریکا باید عریستان را ترویج کند که به نیاچم علیه ایران ادامه دهد.

آنچه که مطرح شد بخش‌هایی از پیشنهادهای یک افسر اطلاعاتی آمریکاست که به راحتی در عالی ترین نهادهای تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی در واشنگتن مطرح می‌شود. از این دست خواب‌ها برای ایران زیاد است اما اینکه قوه عاقله در رأس حاکمیت آمریکا (اگر وجود داشته باشد) چقدر این پیشنهادها را جدی بگیرد، جای تأمل دارد. آمریکایی‌ها ترسو تر از آن هستند که حتی یک گلوله به سمت ما شلیک کنند. آنها می‌دانند اگر پاسخ ایران علنی و اعلامی هم نباشد، آن را به صورت «تیر غیب» به ویژه در دریا، دریافت خواهند کرد. طرح مودل نشان می‌دهد آنها روی تقویت اتاق فکر رسانه با تشدید تدابیر امنیتی اصرار دارند. از کارکرد رسانه‌های خود علیه ایران راضی نیستند. آنها روی سپاه پاسداران به دلیل کارکردهای موفقش در برخورد با ضد انقلاب، متمرکز هستند و به اختلافات بین نخبگان سیاسی در تورن جمهوری اسلامی امید بسته‌اند.

آمریکایی‌ها روی تحریم‌ها برای مقابله با ایران حساب کرده‌اند و به هیچ قیمتی حاضر نیستند از فشار از این طریق منصرف شوند. کاری هم به برجام ندارند، چون معتقدند نه نارضایتی مردم از این طریق دادن می‌زنند. آنها اکنون به فکر پیوند زدن «نارضایتی‌های از هم گسیخته» هستند تنها ابزار آنها احیای جنبش سبز و باز تولید فتنه سال ۸۸ است. آمریکایی‌ها بارها صریحاً از جریان اصلاح طلبی حمایت کرده‌اند. آنها معتقدند این حمایت برای تعدیل قدرت در ایران لازم است. متأسفانه برخی اصلاح طلبان، بی‌پروا در این زمینه «بریلوی» می‌کنند و این‌تنگ حمایت از اجنبی را در کلانراه خود بندیرفته‌اند و حاضر نیستند از آن تری بردارند. آمریکایی‌ها بیشتر انتخابات را برای همگامی با اصلاح طلبان مقید می‌دانند. آمریکایی‌ها با پروپی تحريم‌ها را دنبال می‌کنند و گفته‌اند تصویب آن را به بعد از انتخابات موکول می‌کنند تا روی نتایج انتخابات اثر نگذارد. اتاق‌های فکر آنها فعال است و هر شب خوابی برای ملت ایران می‌بینند. سؤال این است که آیا دستگاه امنیتی دولت و وزارت خارجه نیز برای مقابله با خصومت آمریکایی‌ها فکری کرده‌اند؟ آیا در مجلس شورای اسلامی نمایندگان هم برای استماع طرح‌های ضد آمریکایی فرصت مهیا کرده‌اند که استراحت‌زیست‌های سیاسی و نظامی بیابند حرف‌های خود را بزنند تا تصمیم‌سازی‌ها و تصمیم‌گیری‌ها بر اساس تدبیر و تأمل و تعقل صورت بگیرد؟

آمریکایی‌ها با آمدن ترامپ، بیشتر بر طبل ماجراجویی می‌کوبند و می‌خواهند بگویند ما «غیر قابل پیش‌بینی» هستیم. ممکن است «دیوانگی» کنیم. بیشتر به ضربه پیش‌دستانه است، اما فقط این رویکرد، آمریکایی‌ها را سر عقل می‌آورد. مردم باید با رای قاطع خود به رئیس‌جمهوری شجاع، انقلابی و قاطع که رویکردی جهادی دارد، هنر خطری را از انقلاب و نظام اسلامی دفع کنند.



تمایلی به مذاکره با آمریکا نداریم

دبیر شورای عالی امنیت ملی سرلشکر شمعانی

پس از مذاکرات هسته‌ای که پس از سه دهه وزری خارجه ایران و آمریکا مذاکراتی دو جانبه داشتند و در نهایت به نتایج مثبتی هم رسید و توافق هسته‌ای حاصل شد، نگاه جهان به موضوع ایران و آمریکا هم کمی تغییر کرد. همان موقع اخباری غیرورسمی به گوش می‌رسید که دولت اوپاما پیشنهاد مذاکره بر سر سوریه را هم به ایران داده اما با پاسخ منفی مواجه شده است. با روی کار آمدن دولت ترامپ، با توجه به سیاست‌های تندی که او نسبت به ایران داشت معادلات کمی تغییر کرد، اما به نظر می‌رسد سوزه مذاکره میان ایران و آمریکا بر سر خاورمیانه و تروریسم هنوز برای رسانه‌های خارجی رنگ نابخاشسته است. دبیر شورای عالی امنیت ملی در گفت‌وگو با روزنامه لوموند پاسخگوی سؤالاتی در این مورد بوده است. او به این روزنامه فرانسوی گفته در زمینه مسائل خاورمیانه نه قصدی برای مذاکره با آمریکا داریم نه تمایل و ضرورتی نمی‌بینیم.

ایالات متحده، نمی‌تواند همزمان شاکی، قاضی و مجری حکم باشد

علی شمعانی در پاسخ به این سؤال که پس از حمله آمریکا به سوریه در روز هفتم آوریل، آیا ایران هراسی ندارد که لرتی آمریکا در منطقه خاورمیانه فعال‌تر از قبل شود؟ اظهار کرد: از جمله دلایل پیروزی دونالد ترامپ رئیس‌جمهوری آمریکا در انتخابات این کشور، انتقاد او از جنگ‌هایی بود که ایالات متحده در گذشته در افغانستان و عراق به راه انداخته، جنگ‌هایی که هزینه زیادی بر دوش این کشور گذاشت. نماینده رهبر انقلاب در شورای عالی امنیت ملی همچنین

روسیه به پایین‌ترین حد خود رسیده است. آیا این در جهت منافع ایران است؟ یادآور شد: روابط ما با روسیه مستقل از وجود یا فقدان ارتباطات میان آنها و ایالات متحده است. ما با روسیه در دریای خزر هم مرز و همسایه هستیم. ما حتی از پیش از انقلاب [۱۹۷۹] با این کشور روابط خوبی داشته‌ایم. نماینده رهبر انقلاب در شورای عالی امنیت ملی ادامه داد: امروز هم ما با این کشور در زمینه‌های اقتصادی، هسته‌ای و گردشگری همکاری داریم. همکاری‌های ما با این کشور تا زمان حضور و فعالیت جنبش‌های تروریستی که از برخی کشورهای منطقه الهام گرفته‌اند بیشتر هم خواهد شد.

مداخلات خارجی تأثیری بر قدرت پشمارا در سوریه ندارد

شمعانی در پاسخ به این سؤال که در نظر می‌رسد روسیه، بر خلاف ایران، چندان دلبستگی به حفظ پشمارا در قدرت ندارد، آیا این کشور را متحدی معتمد در درازمدت می‌دانید؟ نگران نیستید که مسکو راه‌حلی سیاسی را در سوریه تحمیل کند که فریب‌داری ایران نباشد؟ خاطرنشان کرد: مداخلات خارجی تأثیری بر قدرت پشمارا در سوریه ندارد. وی افزود: اکثریت مردم سوریه از او حمایت می‌کنند و سرزشت مردم این کشور در دست خود آنان است. چنین شایعاتی را که شما از آن یاد کردید غریبه‌ها به راه انداختند. ما چنین نگرانی نداریم، خود پشمارا اند هم چنین نگرانی‌ای ندارد.

راه‌حل سوریه را نه نظامی که سیاسی می‌دانیم

دبیر شورای عالی امنیت ملی در پاسخ به این سؤال که ایران همراه با روسیه و ترکیه پایه‌گذار مذاکرات آستانه در قزاقستان بود، اما به نظر می‌رسد که بیشتر دغدغه‌اش حضور نظامی بر روی زمین باشد تا دیپلماسی، علت چیست؟ اظهار کرد: ما در ژنو نیز دولت سوریه و مخالفان را تشویق به مذاکره تحت نظارت سازمان ملل می‌کنیم. به اعتقاد ما، در آستانه مرحله‌ای مهم در حال انجام است تا ائتلیسی محکم و پایدار را تشکیل دهیم. ما در حال بررسی راه‌حل سیاسی است. ما راه‌حل سوریه را در نظامی که سیاسی می‌دانیم دبیر شورای عالی امنیت ملی اضافه کرد: درباره ایالات متحده و کشورهای غربی نیز موضوع به همین ترتیب است. حدود دو سال پیش، نخستین شرط ثابت در مذاکرات این بود که پشمارا باید از قدرت کنار بکشد. این اشتباهی راهبردی بود و آنان نیز به عرصه‌های [محدود] تأمین انرژی خویش تنوع یافتند.

سیاست چماق و هویج

در این بین اما حسن بهشتی پور، کارشناس مسائل بین‌الملل سیاست جدید دولت دونالد ترامپ را بر گرفته از سیاست سنتی آمریکا تحت عنوان سیاست چماق و هویج توصیف کرد و افزود: «آمریکا از یکسو به پوتینگ این امکان را می‌دهد که با ایران قرارداد امضا کند و هواپیما از اختیار ایران قرار دهد و از سوی دیگر فشار بیشتری با هدف امتیاز گرفتن بیشتر در چارچوب برجام به ایران وارد می‌آورد.» بهشتی پور معتقد است اصولاً واشنگتن برای راضی کردن اسرائیلی‌ها و عربستان سعودی برخی اقدامات را علیه ایران انجام می‌دهد. اما در اصول کلی، آمریکایی‌ها به‌نبینال درگیری با ایران نیستند و منافع آنها ایجاب می‌کند که با ایران روابط بازگامی و تجاری داشته باشند.

سیاست کنترل و مهار

از سوی دیگر دکتر عبدالله رمضان‌زاده، استاد دانشگاه تهران معتقد است که سخنان اخیر مقامات آمریکا درخصوص برجام و ایران و همچنین سفر وزیر دفاع این کشور به اراضی اشغالی برای گفت‌وگو درباره ایران بیانگر آن است که کاخ سفید در نظر دارد فشارهای را علیه ایران در این برهه افزایش دهد. رمضان‌زاده با تأکید بر این موضوع که به‌طور کلی سیاست آمریکا در مورد ایران بر مهار و کنترل متمرکز شده است، افزود: «البته آنها نمی‌خواهند این فشار در آن حدی باشد که ایران با آنها به مقابله جدی برخیزد.»

لژوم گسترش روابط منطقه‌ای

این استاد دانشگاه با اشاره به سرمایه‌گذاری واشنگتن روی برخی همسایگان ایران تأکید کرد: «متأسفانه همسایگان ایران نیز اغلب متحد آمریکا محسوب می‌شوند و واشنگتن روی آنها حساب باز کرده است و می‌خواهد به هر نحوی آنها را راضی نگه دارد. راه مقابله با این جریان نیز گسترش روابط منطقه‌ای و تشکیل یک مجموعه منطقه‌ای در منطقه خلیج فارس و خاورمیانه است. در این راستا کشورهای مانند ایران، ترکیه، مصر و عربستان باید مشکلاتشان را با یکدیگر حل کنند تا رژیم صهیونیستی نتواند از این موقعیت بی‌بهره سوءاستفاده‌ای بکند. بنابراین ایران باید به‌دستال گسترش روابط منطقه‌ای با هدف مقابله با فشارهای آمریکا باشد.» رمضان‌زاده با اشاره به صحبت‌های مقامات واشنگتن درخصوص بازبینی برجام نیز توضیح داد: برخلاف صحبت‌هایی که برخی مقامات آمریکایی درخصوص برجام و بازبینی آن ارائه کرده‌اند به نظر نمی‌رسد که واشنگتن اقدام به ایجاد تغییراتی در برجام بکند.



مسیر یابی دیپلماسی ترامپ در برابر ایران

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری آمریکا که در عرصه داخلی هیچ حرفی برای گفتن ندارد و تاکنون هیچ اقدام قابل توجهی انجام نداده است توجهش را بر مسائل خارجی متمرکز کرده است. چند هفته پیش بود که آمریکا به پایگاه شعریات ارتش سوریه حمله موشکی کرد و پس از آن نیز طی هفته گذشته آمریکا از «مدار میمهای» جهان در افغانستان استفاده کرد. این روزها نیز شاهد افزایش فشارها از سوی دولت جدید واشنگتن علیه ایران هستیم؛ از یکسو دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، مدعی شده که ایران مطابق روح «توافق هسته‌ای» با شش قدرت جهانی عمل نمی‌کند و از سوی دیگر نیکو هیل، سفیر آمریکا در سازمان ملل و جیمز متیس، وزیر دفاع این کشور در سخنانی جداگانه ادعا کرده‌اند که ایران عامل اصلی مشکلات خاورمیانه است. همچنین سخنگوی کاخ سفید گفته است که بازبینی توافقی هسته‌ای طی ۹۰ روز انجام می‌شود.

محدودسازی قدرت ایران

دکتر ابراهیم منقی، استاد دانشگاه تهران در پاسخ به روزنامه «دنیای اقتصاد» و در تبیین سیاست آمریکا در قبال ایران گفت: «به‌طور کلی سیاست ایالات‌متحده در سال‌های گذشته مبتنی بر محدودسازی قدرت ایران در حوزه اقتصادی، تکنولوژیک و راهبردی بوده است.» منقی افزود: «اگر

این سؤال که ساکنان چهار شهر شیعه و سنی که به ترتیب در محاصره شورشیان و دولت بودند پس از مذاکرات ایران و قطر انتقال داده شدند، برخی نگرانند که چنین توافقی که مبتنی بر دلایل مذهبی است در جاهای دیگر کشور نیز رخ دهد. آیا چنین چیزی ممکن است؟ گفت: سال‌ها بود که ما می‌خواستیم مردمان تحت محاصره در این شهرها را نجات دهیم. روز ۱۵ آوریل، هنگام یکی از این انتقال‌ها نیز اتفاق ناخوشایندی افتاد، یک حمله تروریستی رخ داد که حدود ۱۲۰ نفر را کشتند. وی افزود: این انتقال البته تفکیک سرزمینی و آمایش جمعیتی نیست، بلکه راه‌حلی موقتی است و فکر نمی‌کنم در مناطق دیگر قابل انجام باشد.

نوامب درگ درست‌تری از روابط بین‌الملل ندارد

دبیر شورای عالی امنیت ملی در پاسخ به این سؤال که بخش‌هایی از دولت ایران از انتخاب آقای ترامپ به ریاست‌جمهوری استقبال کردند، آنها بر این باور بودند که با شخصی که بازرگان و اهل بده بستان است می‌توان کار کرد. هنوز همچنین صدهایی در ایران وجود دارد؟ پاسخ داد: رئیس‌جمهور کنونی آمریکا همه امور را با منطق اقتصادی می‌فهمد و درک صحیحی از روابط بین‌الملل ندارد. وی ادامه داد: در طی این مدت، کارهای او و حرف‌هایش نیز مدام متناقض بوده است. در زمینه مسائل خاورمیانه نه ما قصدی برای مذاکره با آمریکا داریم نه تمایل و ضرورتی می‌بینیم. اما در پی تنش نیز نیستیم چون آن را به زیان ثبات در منطقه می‌دانیم. شمعانی در پاسخ به این سؤال که دولت ترامپ اعلام کرده که به موضوع توافق هسته‌ای ایران باز نخواهد گشت، آیا نگران نیستید که او با وضع تحریم‌های تازه و مایوس کردن سرمایه‌گذاران خارجی از تأثیرات این توافق بکاهد؟ گفت: ایران با پیگیری دستور حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب، نوعی «اقتصاد مقاومتی» را طراحی کرده است که مبتنی بر داشته‌های داخلی است. وی اضافه کرد: ما آگاهیم که ایالات متحده در حال پیش بردن جنگ اقتصادی علیه ایران است. اما امروز آنها در مقابل شرایط تازه‌ای قرار گرفته‌اند. اروپایی‌ها دیگر علاقه‌ای به همراهی با آمریکایی‌ها ندارند. دبیر شورای عالی امنیت ملی تصریح کرد: ما آنها را تشویق نمی‌کنیم که در شرکت‌های خودشان برای سرمایه‌گذاری در ایران حمایت کنند. به عنوان مثال منابع طبیعی و گازی ایران فرصتی برای همکاری با اروپاست تا به عرصه‌های [محدود] تأمین انرژی خویش تنوع یابند.

برجام هراسی در منطقه

اسرائیل، عربستان و ترکیه که اخیراً در نشست امنیتی منیج، پیوند خود علیه کشورمان را به نمایش گذاشتند، از ترس توافق هسته‌ای، گام‌هایی جدی علیه ایران برداشته و از فرادای اعضای متفقان دولت در زمان انجام مذاکرات هسته‌ای هشدار داده بودند که دستگاه دیپلماسی کشورمان نباید به بهانه مذاکره با غربی‌ها، از همسایگان غفلت کند. با این وجود تیم دیپلماسی ایران چنان درگیر جزئیات پیچیده توافق هسته‌ای بود که فرصتی برای مذاکره با کشورهای منطقه نداشت. این درحالی بود که وزیر امور خارجه آمریکا حتی در زمان سنگین ترین دوره از مذاکرات، از گفتگو با همتای سعودی خود غفلت نکرد و در فرودگاه، با وزیر خارجه وقت عربستان گفتگو نشست. در همان زمان که هنوز سطح روابط به ترمیمی آکون نبود و روحانی بی‌تجربه سعودی به قدرت نرسیده بودند، ایران می‌توانست در گفتگو با عربستان، ترکیه، قطر، کویت و سایر کشورهای منطقه، قطعه‌ای از پازل متحدان برای ایجاد یک «برجام منطقه‌ای» و همکاری همسایگان نزدیک به چه قیمتی؟

استاد دیپلماسی دولت حسن روحانی، اکنون نیامده، که باعث شده دشمنی‌های تازه‌ای در منطقه شکل بگیرد. نکته‌ای که روحانی و دستگاه دیپلماسی دولتی، آن را دست کم گرفته بودند. اینک کشورهای اسلامی علیه ایران به رژیم صهیونیستی نزدیک شوند، قطعه‌ای از پازل متحدان برای ایجاد یک «برجام منطقه‌ای» و همکاری همسایگان نزدیک به چه قیمتی؟

لژوم تغییر نگاه دیپلماتیک دولت

به نظر می‌رسد بسیاری از مشکلات اقتصادی و سیاسی و حتی امنیتی امروز ایران ناشی از اختلافات با برخی کشورهای عربی منطقه و همراهی آنها با ترکیه و اسرائیل است. این درحالیست که گفتگوهای همدند با این کشورها خواهد توانست نقش مؤثری در کاهش بی‌اعتمادی موجود ایفا کند. بازسازی روابط ایران با همسایگان، نیاز به راهبردی دقیق دارد که در آن، می‌بایست نگاه به غرب جای خود را به نگاه منطقه‌ای دهد. تا زمانی که دیپلمات‌هایی فرمان سیاست خارجی کشور را در دست داشته باشند که همان‌گونه که برای صلح در منطقه، باید به سراغ کدخدا رفت و به بازیگران فراموشه‌ای نزدیک شد، مشکلات همان‌طور که بوده است، خواهد ماند و با به سبب دورویی بازیگران غیرمنطقه‌ای، حتی تشدید خواهد شد. اما اگر دستگاه دیپلماسی در اختیار دیپلمات‌هایی قرار گیرد که به معنای واقعی کلمه به شعار «نه شرقی، نه غربی» باور داشته باشند، آنگاه فرصتی دست خواهد داد تا جلوی نفوذ لابی صهیونیستی در منطقه گرفته شده و مقامات اسرائیلی نتوانند ایران را از جایگزین نفرت عمومی جهان اسلام از صهیونیست‌ها کنند.

کالبدشکافی ریشه‌های قرس سیاسی

چرا یک سیاستمدار می‌تواند؟
برای یک کشور، بدترین موقعیت این است که مسئولین کشور از اخم و تهدید و تشر دشمن بترسند: اگر ترسیدند، در واقع، در را برای ورود او و دخول او و تجاوز و تعرض او باز کرده‌اند کار را با عقل و با منطق و با حکمت باید انجام داد؛ در این تردیدی نیست؛ اما با شجاعت باید انجام داد؛ با ترسیدن، با دلهره، با تحت تأثیر تشر و بداخلاقی و اخم و گره‌ایروان قدرتمندان صاحب قدرت در دنیا قرار گرفتن، تحت تأثیر این‌ها واقع شدن، اول بدبختی است. خوب کسی می‌خواهد برسد، برسد اما از طرف مردم نترسد؛ به حساب مردم نترسد. ملت استاده‌اند... دشمن چه آمریکا و چه بزرگتر از آمریکا در مقابل نظامی که با مردم خود متصل است، مردم خود و ملت خود را دوست می‌دارد و ملتش او را دوست می‌دارند، در مقابل یک چنین نظامی و یک چنین مردمی که در مقابل دشمن مقاومت، هیچ غلطی نمی‌تواند بکند.

تا مل نخست

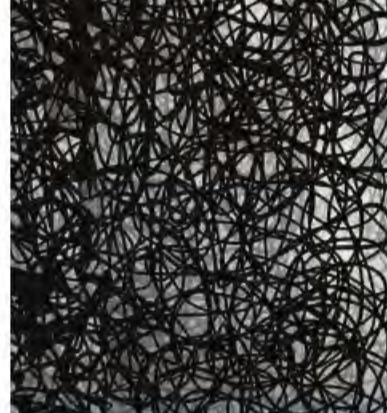
در شرایطی که تهاجم به کشورهای مساج

میزان معینی از روالمندی زندگی روزمره تیز غفلت کند که اگر به اندازه باشد، موجب طمأنینه و آرامش خواهد بود. سبک زندگی سالم، ضرورت حیات سیاسی حکیمانه محسوب می‌شود و به توبه‌ای خود می‌تواند به از بین رفتن ترس‌های سیاسی کمک کند.

تأمل سوم در قضیه

یکی از خاستگاه‌های «ترس سیاسی»، سرخوردگی‌های شخصی سیاستمدار و تردید او در توانایی‌هایش است. یک سیاستمدار، در مسیر زندگی سیاسی خود، باید این انتظار را داشته باشد که بارها و بارها با شکست مواجه شود، اما از کلمه «شکست» نباید ترسید. «شکست» برای رجل حکیم، جز منبع دانش و درس‌هایی در مسیر فردا نیست. برای انسان منززل، «شکست» منبع آفت خطرناک‌تر «تردید» است. اگر سیاستمدار به «تردید» خیزد، اسیر سدی مهلک شده است که دیگر نخواهد توانست از مرزهای آن عبور نماید.

تردید به خودی خود نشان می‌دهد که باید بیشتر روی خود کار کنیم. بهترین راه این است که خود را باز کشف کنیم. در این موارد باید از مسیر عادی زندگی شخصی و کاری خارج شد و از «یک افق وسیع‌تر» به موضوعات نگرست، تا یک



معنای بزرگ‌تر که جزئیات را تفسیر نماید، خود را نمایاند. بدین ترتیب، می‌توان از «تردید» ها عبور کرد، و «ترس» های مساوق آن‌ها را نیز از سر گذراند.

تأمل چهارم

یکی از اصلی‌ترین ریشه‌های «ترس سیاسی»، همگام نبودن یا مردم است. فقط یک رابطه مستمر با مردم، می‌تواند از فروپاشی روحیه سیاستمدار در مواجهه با تهدیدهای خارجی جلوگیری کند. حل مشکل ارتباط سیاستمدار با مردم، با یک روز و دو روز ممکن نیست، و نیاز به خلق جاذبه از هر دو سو دارد؛ به این معنا که باید همان قدر که سیاستمدار مشتاق ارتباط گرفتن با مردم است، مردم نیز بتوانند با سطح سیاست‌توزی سیاستمدار ارتباط برقرار کنند.

تأمل دوم

چگونه بر «ترس‌های سیاسی» غلبه کنیم؟ فن سیاست، فن آسانی نیست، و هر کسی نمی‌تواند آن را در درستی به انجام رساند. بی‌گمان، دشوارترین و سهمگین‌ترین مشغله هر اجتماع، سیاست آن اجتماع است، و سیاستمدار باید بداند که پنجه در پنجه‌ی رسالت عظیمی افکنده است. دشواری کار به این است که سیاستمدار باید بر اسب سیاست سوار باشد، نه سیاست بر او؛ و اگر سیاستمدار همچون امام سید روح‌الله موسوی خمینی رحمه‌الله‌علیه در وقت کسب قدرت، «هیچ احساسی ندارد»، آن‌گاه بداند که بر

سیاست سوار شده است، نه سیاست بر او. یک راه برای غلبه بر «ترس‌های سیاسی» آن است که میان زندگی روزمره و تکالیف سیاسی تفکیک قایل شویم، و نگذاریم انگیزه‌های زندگی روزمره بر سنجش‌ها و تصمیم‌های سیاسی تأثیر بگذارند. سطح امر سیاسی، بالاتر از سطح انگیزه‌های معمول است و سیاستمدار باید متوجه این تمایز باشد. با نداشتن یک برنامه منفک و علی حده برای انجام وظایف سیاسی، و تداخل آن با زندگی روالمند، خود را در خانه و در زیر آماج روزمرگی‌ها دفن خواهیم کرد، و مآلاً هر چیزی که روزمرگی زندگی روزمره ما را تهدید کند، موجب تشویش و سرسام ما خواهد شد. در عین حال، سیاستمدار نباید از داشتن

اقدام متقابل

باید در مقابل دشمن عهدشکن هوسیار بود (رهبر معظم انقلاب)

آمریکای بدعهد؛ این کلدواژه‌ای است که امروز دیگر حتی آنها که به شیطان خوش‌بین بودند نیز تکرار می‌کنند. تکراری که در حقیقت پایان یک الگو، مدل اعتماد و اتکا به استخبار برای حل مشکلات را مشخص می‌کند. تجربه کرده‌ایم که در مقابل دشمنی ملت ایران را افزایش خواهد داد و اجازه نخواهد داد بزرگ‌کارها به سادگی بتوانند چهره هیولایی آمریکا را بزرگ کنند و این جزو وانمود بکنند که آمریکایی‌ها اگر هم یک روزی دشمن بودند، امروز دیگر دشمنی نمی‌کنند.

هوسیاری در مقابل دشمن، شناخت نقشه‌های او و فریب لبخندش را نخوردن، نکاتی بود که رهبر انقلاب اسلامی از زمان آغاز مذاکرات هسته‌ای به ویژه در دور جدید به آن اشاره و تأکید می‌کردند. دوره‌ای که در آن پذیرش مذاکرات اساساً با هدف لغو تحریم‌های ظالمانه‌ی اقتصادی و مالی صورت گرفت. چارچوب‌ها و خطوط قرمز نیز که رهبر انقلاب اسلامی در مراحل مختلف تعیین کردند، به منظور محکم‌کاری در تأمین توافقی خوب یعنی رفع تحریم‌های ظالمانه و حفظ صنعت هسته‌ای، انجام گرفت. تا آمریکای بدعهد به‌راحتی نتواند مجدداً با نقض عهد و تصویب حق ملت ایران،

برجام را وسیله‌ای قرار بدهند برای فشارهای مجذبه جمهوری اسلامی و ملت ایران.

متأسفانه عجله در به سرانجام رساندن کار و رعایت نشدن برخی از آن چهارچوب‌های مهم به‌خصوص اخذ تصمیم‌های قوی و کافی برای جلوگیری از تخلف طرف‌های مقابل از جمله‌ی آن اعلام کتبی رئیس‌جمهور آمریکا، مبنی بر لغو تحریم‌ها نیز بهانه‌های بیشتری برای تخلف و نقض برجام در اختیار آمریکا قرار داده که تازه‌ترینش این تمدید تحریم ده ساله است. اما در مقابل، این بدعهدی، آنچه که اهمیت دارد، جلوگیری از ایجاد خطای محاسباتی در طرف مقابل و توهم دست‌بسته بودن ملت است. در حالی که دست ملت ایران بسته نیست و این را در عمل نشان داده‌است. بنابراین اگر این تحریم [تمدید] بشود، قطعاً نقض برجام است بدون تردید و بدانند جمهوری اسلامی حتماً در مقابل آن واکنش نشان خواهد داد. زیرا راه نجات در مقابل زیاده خواهی دشمنان، تسلیم شدن و عقب نشینی کردن نیست؛ باید در مقابل دشمنی که زورگویی و زورگیری می‌کند ایستاد و پیشرفت کرد. علاج ملت ایران در کسب اقتدار است. تجربه برجام، خطا بودن این فکر تزریقی را که برخی از نخبه‌اندیشان، پیمان‌شده‌ها، بوی لذت دنیا به مشامشان رسیده‌ها نیز به‌دنبال ترویج آن هستند، برای چندمین بار ثابت کرد، بنابراین در مقابل نقض عهد جدید باید: ۱. مطلقاً در صدد این نباشیم که بدحسابی



تحركات سه‌گانه آمریکا در منطقه

قرار رویه‌جلبوی آمریکا پس از سوریه، این‌بار در شبه‌جزیره کره تکرار شد و آمریکای به‌اصطلاح ابرقدرت برای نشان دادن ضرب شست خود به کره شمالی از چینی‌ها خواست که جلوی کره شمالی را بگیرند!

محمدصادق گوسکی

از آغاز ریاست جمهوری «دونالد ترامپ»، چند ماهی می‌گذرد و آرام آرام پرده از سیاست‌های مرزپوش در مواجهه با بحران‌های غرب آسیا کنار می‌رود. وعده‌های او در رقابت‌های انتخاباتی، این گمانه را به آذهان متبادر می‌کرد که وی قریه مخالف جنگ است و ترجیح می‌دهد به‌جای نقش‌آفرینی در قامت «پلیس جهان»، به رتی‌وقتگی معضلات کشورش بپردازد. دیدگاه غالب در رابطه با چرخش سیاست‌های ترامپ به‌سوی مذاخه‌های منطقه‌ای حاکی از این است که تغییرات در سیاست‌های کلی وی در منطقه تا به امروز به‌ویژه در رابطه با سوریه و به‌تازگی در افغانستان و کره شمالی نشان می‌دهد، او برخلاف شعارهای انتخاباتی‌اش در مورد تمرکز بر مشکلات اقتصادی، واژه به‌واژه استراتژی تیم سیاستمداران تازه‌کارش را برای نشان دادن چهره‌ای جدید از آمریکا در بچوبه بحران اقتصادی اجرا می‌کند.

وی در روزهای آغازین ورودش به کاخ سفید، طرحی را در دستور کار وزارت خارجه و دفاع قرار داد که ظرف ۹۰ روز یک منطقه امن در سوریه را ایجاد کند. طبق به‌دنبال پایان دادن به قتل



انقلاب؛ اکنون که تجربه برجام ثابت کرده است که کلید حل مشکلات اقتصادی در لوزان و ژنو و نیویورک نیست؛ در داخل کشور است مسئولان و مردم همه باید برای قوی کردن کشور احساس وظیفه و مسئولیت کنند. زورا «اگر یک مدتی به خود نیاید، خود را قوی نکنند، دیگران به او زور می‌گویند. بنابراین حل مشکلات اقتصادی کشور در گرو تلاش بی‌وقفه و خردمندانه در همه بخش‌ها در جهت اقتصاد مقاومتی است و رفع تحریم‌ها به تنهایی برای گشایش در اقتصاد کشور و معیشت مردم کافی نیست.

چون اخم میکنند، تحریم میکنند، دندان نشان میدهند، دستهایمان را بالا ببریم؟ حالا یک قدری کوتاه بیاییم؟ تحلیلان این است؟ در داخل کشور ما مجموعه‌های سیاسی‌ای هستند که تحلیلشان این است؛ می‌گویند وقتی که طرف خیلی چهره‌ی سگی از خودش نشان میدهد، شما عقب بنشینید خوب، شما این را قبول دارید؟ عقب بنشینیم؟ یا نه؟ معتقدید که هر گونه عقب‌نشینی، طرف را تشجع میکند بجزرعی که دیدند تهدید به کتک یا خود کتک، می‌گویند آقا اخم کنید؛ علاج این آدم اخم است. بجزرعی که دیدند تهدید به کتک یا خود کتک، شما را به عقب‌نشینی وادار می‌کنند، می‌گویند دو تا بیشتر بزن تا خوب از همه‌ی حرف‌هایش دست بردارد. طرف، اینجوری است. محاسبات دنیا این است.

است را هدف قرار داده و اساساً جایگاه ائتلاف دروغین مبارزه با داعش در طرح آمریکا برای منطقه چیست؟ مستندات فراوانی از کمک‌های لجستیکی، تسلیحاتی و آموزشی آمریکا به گروه‌های تروریستی از جمله داعش و جبهه‌النصره در عراق و سوریه وجود دارد و بر این اساس و با توجه به عملکرد بسیار منفی آن‌ها در افغانستان باید گفت که آتش‌بازی آن‌ها در این کشور جنگ‌زده، جز یک نمایش مضحک برای عوام‌فروبی و احیای سیاست‌های میلیتاریستی چیز دیگری نیست.

از سوی دیگر، مسائل و مشکلات اقتصادی آمریکا به حدی است که ترامپ قادر نیست حداقل در طول یک سال آینده تحریک قابل توجهی به آن بیخشد و لذا برای سرگرم کردن و منحرف نمودن افکار عمومی از وعده‌های انتخاباتی‌اش در حوزه اقتصاد و معیشت، به یک جنجال خارجی که تا سر حد «ضرورت برای امنیت ملی» و «نوسسیم چهره‌ای مقتدر» به نمایش گذاشته شود، نیازمند است. ترامپ به قول خودش، ویرانه‌ای به اسم آمریکا را از اوپاما تحویل گرفته نیست، افزون بر اینکه کشورهای امرتجع از تصمیمات و سیاست‌های دامن‌دازنده از عمده‌انگله مستقیم در منطقه عقبانی و نسبت به این کشور بی‌اعتماد بودند و ترامپ برای جلب سرمایه‌ها و استفاده از دلارهای نفتی آن‌ها برای جنگ‌های نیابتی آینده، راهی جز عریه‌کنشی ندارد.

بنابراین، تحركات سه‌گانه اخیر آمریکا در نگاه جامع‌تر، حاکی از ضعف مفرط اقتصادی سیاسی است که در ارکان حکومتی این کشور رسوخ و نفوذ کرده، به دلیل عدم مشروعیت، توان استفاده از دیپلماسی صحیح و منطقی را نداشته و برای ترمیم آن، چاره‌ای جز فرافکنی اقدامات سطحی نمی‌بیند. گویا سیاستمداران آمریکایی قصد ندارند از گذشته اسلاف خود درس بگیرند، سیر تضعیف همه‌جانبه آمریکا را به دیده عبرت بگیرند و اگر دولت فعلی، سیاست‌های خود را به همین روش و به سباق گذشتگان خود در پیش بگیرد، یقیناً آمریکا را یک گام دیگر به قهقرا خواهد برد.

طرف مقابل را و بدلقی طرف مقابل را و خیانت طرف مقابل را یک‌جوری توجیه کنیم! این دارد بدحسابی میکند الان مشخص است، آمریکایی‌ها دارند بدحسابی می‌کنند این بدحسابی را به حساب بیاوریم. ۲. این خدعه‌ی طرف مقابل را نباید نادیده بگیرند و اگر چنانچه خدعهای از طرف دیدند، آن وقت در مقابل، بایستی مقابله‌به‌مثل بکنند، یعنی اگر چنانچه طرف [مقابل] نقض عهد کرد، این طرف هم باید نقض عهد بکند، ایستادگی باید بکند کسانی که مسئولین سیاست هستند مراقب تجاوز دشمن باشند و ببینند کجا تجاوز میکند، کجا دارد از خطوط تجاوز میکند، و با قدرت جلوش را بگیرند. ۳. رهبر انقلاب پیش از این توصیه‌های دقیق و موردی را به مسئولان مربوطه و از جمله سازمان انرژی اتمی به عنوان متولی صنعت هسته‌ای داشته‌اند که از جمله آنها موردی بود که در دیدار با کارگزاران نظام در ماه رمضان انجام شد، توجهاتی را که آنها در زمینه‌ی ایلاف کرین که در ساترن‌فیوژرها به کار می‌رود، یا توجهاتی که در مورد اندازه‌گیری آن سبید کیلو دارند مطلقاً قبول نکنند، زیر بار نروید. ۴. هیئت نظارت بر برجام دقت بیشتری بکنند، مراقبت بیشتری بکنند و واقعاً هر نقطه‌ای را که احساس می‌کنند طرف مقابل در آن نقطه دارد خیانت میکند و بد عمل میکند، آنچه را وظیفه‌ی دفاع از منافع ملی است انجام بدهند. ۵. اما توصیه همیشگی و مینایی رهبر

و خونی‌ریزی در سوریه باشند! این جمله با استقبال رژیم‌های کودک‌کش صهیونیستی و سعودی مواجه شد، حتی برخی از کشورهای منطقه اظهار کردند که ترامپ، درک بهتری از منطقه نسبت به اوپاما دارد و این همان چیزی بود که کنیم سیاست‌گذاری ترامپ به دنبالش بود.

قرار رویه‌جلبوی آمریکا پس از سوریه، این‌بار در شبه‌جزیره کره تکرار شد و آمریکای به‌اصطلاح ابرقدرت برای نشان دادن ضرب شست خود به کره شمالی، از چینی‌ها خواست که جلوی کره شمالی را بگیرند! در اینجا آمریکا برخلاف اقدامش در افغانستان عمل کرد و به‌یک‌باره از سلاح کشتارجمعی غیر اتمی که ادعا می‌شود قوی‌ترین سلاح غیرهسته‌ای است، استفاده نکرد، چراکه می‌داند کره شمالی از تسلیحات اتمی برخوردار است و قادر است پاسخ آمریکا را بدهد، لذا پای پکن را به میان کشید تا با یک تیر دو نشان برزند؛ هم ثابت کند که در اقدام نظامی جدی است و هم بهانه بیاورد که اگر چینی‌ها مانع نمی‌شدند، به کره شمالی حمله می‌کرد. آمریکایی‌ها مانند کشورهای سرخورده‌ای که هیچ خایی را برای عرضه‌اندام خود نمی‌یابند، افغانستان بی‌دفاع را هدف سلاح‌های کشتارجمعی خود قرار داده و این‌گونه وانمود کرده‌اند که داعش، هدف آن‌ها بوده است. روز پس از حمله پناگون به پایگاه هوایی سوریه، جنگنده‌های این کشور از همان پایگاه برای هدف قرار دادن مواضع تروریست‌های داعش که پس از حمله آمریکا، روجبه گرفته بودند استفاده و آنان را تار و مار کرد. آمادگی بالای ارتش سوریه و اعتراض شدید و اقدامات عملی ایران و روسیه به این حمله، آمریکا را مجبور کرد که در بیان‌های افغانستان، قدرت‌نمایی کند و این حمله را که عبید نیست نوعی از آزمایش‌های نظامی ممنوعه باشد را به اسم هدف قرار دادن مواضع داعش جا زد.

سوالی که در این میان مطرح است اینکه اگر واقعا آمریکایی‌ها به دنبال نابودی داعش در افغانستان هستند، چرا به داعش‌های عراق و سوریه حمله نمی‌کنند و در اولین حمله نظامی پس از روی کار آمدن ترامپ، ارتش سوریه که درگیر کارزاری سنگین با تروریست‌های تکفیری



استدلال های منطقی ملت ایران برای ایستادگی در برابر آمریکا از کجا ناشی می شود؟

تجربه می گویند در مقابل مستکبر بايستيم

«تبليغ می کند ایستادگی امام (ره) در مقابل آمریکا به علت تعصب و غرور بوده، به معنای آن که امام در ایستادگی خود در برابر آمریکا منطقی نداشته است؛ در حالی که ایستادگی نظام و ملت ایران در برابر آمریکا بر اساس استدلال های کاملاً منطقی است.»

روابط میان انسان ها دهر سطحی، تحت تاثیر عوامل مختلفی است. از فکر و فرهنگ آنها گرفته تا شرایط زمانه و اقتضات محیط و... اما آنچه از همه مؤثرتر است، «تجربه ای است که در ذممه ما به صورت عملی از یکدیگر پیدا می کند. حتی عوامل دیگر نیز تا به زمان تجربه در نیامده باشد، در بلندمدت نمی توانند سهم عمده ای در تعیین نوع روابط داشته باشند. حال اگر «روند» تجربه هایی که دو طرف رابطه می سازند به سوی میل کند، ماهیت آن رابطه در آن جهت تقویت و حتی مستحکم می شود.

یکی از تجربیات تاریخی مردم ایران در روزهای پیروزی انقلاب تصویری منقح از نقش آمریکا در کشور بود. از کودتای ۲۸ مرداد و برانداختن حکومت ملی، تا حمایت همه جانبه از خاندان فاسد و وابسته پهلوی، تا آموزش ساواک و... ردیای آمریکایی ها در هر چه که مورد تفریح ایرانیان بود، دیده می شد. برای همین استکبارستیزی، عقبه «استبدادستیزی» ایرانیان شد.

اما پس از انقلاب، ایالات متحده نه تنها در تصحیح این تصویر نکوشید، بلکه روزبه روز آن را وسعت و سخت تر کرد. از پناه دادن به شاه مخلوع تا اتخاذ سیاست های خصمانه تبلیغاتی و... وقتی لایه جاسوسی این کشور در تهران نیز کشف شد، هم بخش بیشتری از این خرابکاری ها آشکار شد و هم رفتار آمریکایی ها پس از آن، تجربه های جدیدی از «خصوصت استکباری» آنها در ذهن مردم ایران شکل داد.

صعدهای طبع شکست خورد. علاوه بر پشتیبانی از رژیم مجاور بعث برای حمله نظامی به ایران، وضع و تشدید تحریم های مستمر اقتصادی، استفاده از تمامی تجربه های تبلیغاتی ایجاد چتر حمایتی بر سر همه گروه های برانداز نظام سیاسی و بعدی در توافقات دو یا چند جانبه، تجربه هایی است که آمریکا از خود در ذهن ایرانی ساخته است. از همه آشکارتر، موادی است که آمریکایی ها مستقیماً با بدنه مردم ایران برخورد می کنند، چه سرنگونی هواپیمایی یا ۲۹۰ مسافر عادی باشد، و چه ترور دانشمندان هسته ای. چه وضع تحریم هایی که بیماران و اقشار آسیب پذیر را بیش از دیگران تحت فشار قرار می دهد و چه ایجاد ناامنی در مرزها و مداخله در انتخاباتی که مردم صاحب آن هستند.

گذشته از اینها، هر جا که رد پای از مصالح امت اسلام و شرف انسانی مطرح بوده، ایالات متحده رو در روی رویکرد ایرانی به مسائل ایستاده و از باطل حمایت کرده است. حمایتی که در بسیاری از موارد، شامل جنایت علیه بشریت نیز شده است. مانند آنچه که امروز در منطقه خرد شاهد هستیم. سیاست آمریکایی، حامی تروریسم تکفیری در شکل گروهکی و دولتی آن است. رژیم سعودی که فجاج انسانی علیه کودکان یمنی و مبارزین بحرینی می آفریند، هم از حمایت سیاسی آمریکا برخوردار است. هم با جنگ افزارهای آمریکایی مسلح می شود. البته مسائل و مشکلات کشور هیچ گاه نه از سوی مسئولان جمهوری اسلامی نقی شده نه همه آن به گردن آمریکا انداخته شده است. مردم نیز چنین تصویری ندارند. جالب توجه است که «پوشش رسانه ای» غرب یا محوریت آمریکا، تمایل دارد حافظه تاریخی شکل گرفته از تجربه های عینی ایرانیان را از خصوصت ها و جنایت های ایالات متحده را پاک کند.

ایرانیان باهوش تر از این هستند که با چنین ترفندهایی فریب بخورند. این نیز تجربه دیگری به تاریخ رابطه «ایران - آمریکا» خواهد افزود. این تجربه ها هم انکاره دشمنی آمریکا با ایران، را سخت تر می کند، هم منطق قوی در اختیار ایرانیان می گذارد تا با هر انسانی که در هر گوشه از جهان، به خاطر رویکرد استکبارستیزی شان، مواجهه کنند. به راستی اگر آمریکا با هر کشور و دولت و ملتی چنین مواجهه کند، منطق انسانی و عقل بشری چه اقتضای می کند؟ پاسخ روشن است: «اگر ملت ایران در دوران امام در مقابل آمریکا ایستاد و اگر امروز نیز همچنان ضد آمریکا شعار می دهد و در مقابل او می ایستد، بر اساس یک منطق محکم و مستدل است.»



مهم ترین مؤلفه قدرت ایران

قدرت یک ملت در چیست و یک ملت چگونه می تواند قدرتمند

باشند؟ بسیاری از ملتها، رهبران دولتها و نظریه پردازان روابط بین الملل در پی پاسخ به این پرسش اند. چرا که پاسخ به این پرسش هر ملتی را می تواند به امنیت پایدار، اعمال حق حاکمیت و استقلال که مهم ترین لوازم پیشرفت هر ملتی است، رهنمون کند. ملتها، ضعیف همواره در ناملنی، بدون حق اعمال حاکمیت و در وابستگی و در نتیجه همه ای اینها، در عقب افتادگی و عقب نگه داشتگی به سر می روند. گوهر امنیت در صدق قدرتمندی یک ملت شکل می گیرد. اگر ملتی قدرتمند نباشد، در تلاطم اراده های کشورهای مستکبر دچار چالش می شود و از بین می رود.

هریک از مکاتب و نظریات بین الملل در پاسخ به این پرسش بنیادین که یک ملت چگونه می تواند قدرتمند باشد، مجموعه ای از شاخص ها را مطرح کرده اند. در نظریات جدید، جمعیت، وسعت سرزمینی، دولت و حاکمیت را مهم ترین عناصر شکل گیری قدرت یک ملت معرفی می کنند. ملتی که جمعیت بیشتری، قلمرو بزرگ تر، دولت توانمندتر یا حاکمیت ملی مستحکم تر داشته باشد، از این منظر قدرتمندتر است. برخی دیگر از صاحب نظران معتقدند معیار نهایی قدرت ملی، توانمندی نظامی است.

زیرا کشورها در محیطی به سر می برند که در آن امنیت آن ها مورد تهدیدهای داخلی و خارجی فراوان و همیشگی قرار دارد. از این رو مؤثر بودن سلاح های قهرمی آن ها، مقیاس نهایی قدرت کشورها به شمار می رود. در کنار توانمندی نظامی، برخی نیز ریشه های قدرت ملی را در توانایی کشورها در مساط شدن بر بخش های مهم اقتصاد جهانی می دانند، ولی توانمندی نظامی همچنان مهم ترین تجلی قدرت باقی مانده است. در کنار این موارد مهم، با بررسی صورت گرفته بر ۲۸۸ نظریه و الگوی مشخص کننده قدرت ملی، سه عامل بالاترین درصد فراوانی را داشته اند: «الف) جمعیت، ویژگی های کمی و کیفی آن، (ب) کیفیت رهبری، مدیریت، کیفیت حکومت و (ج) وجود منابع طبیعی، مواد خام و معادن.

جمهوری اسلامی همواره سعی نموده است شاخص های متعارف قدرت خود را ارتقا بخشد. تأکید بر افزایش جمعیت و در کنار آن، توجه به آموزش و پرورش برای توانمندسازی جمعیت و همچنین تنظیم اسناد بالادستی برای نیل به اهداف انقلاب اسلامی و بهبود ساختار حکومت و توانمندسازی قدرت نظامی، همه همه به جهت افزایش قدرت ملت ایران بوده تا بتواند در امنیت پایدار، راه پیشرفتی که خود تنظیم کرده است، پیمایند. اما نکته ای که جمهوری اسلامی را نسبت به دیگر دولت ها و ساختارهای سیاسی متمایز می کند، این است که قدرت در

جمهوری اسلامی، «مردم بنیان» است. به این معنا که اگرچه عوامل یاد شده در بالا به عنوان عوامل قدرت جمهوری اسلامی نیز محسوب می شوند اما مهم ترین داشته های جمهوری اسلامی برای قدرتمند بودن، در میان همه ی مؤلفه هایی که گفته شد، «مردم» است. وقتی میشل فوکو انقلاب اسلامی ایران را از زوئیک در خیابان های تهران مشاهده می کرد، متوجه این امر شده بود که قدرت این انقلاب شکوهمند را مجموعه عوامل تشکیل دهنده قدرت سخت، شکل نداده است، بلکه این انقلاب بر اساس قدرت نرم خود، که باور مردمانش و نفوذ کلام امامش است، این قدر شکوهمند جلوه گر شده است. «ایران روح یک جهان بی روح» حاصل همین فهم فوکو از انقلاب اسلامی است.

مهم ترین صحنه های حضور مردم در کشور، «انتخابات» است. با توجه به مردم بنیان بودن قدرت جمهوری اسلامی، اگر توصیه ی فرزان یه قدرتمند شدن و آغذبوا لکم منا استعظم من قوه یا خواهیم صدایابی کنیم، از جمله مصادیق آن، حضور بصرانه ی مردم در صحنه ی انتخابات است، چرا که این حضور، قدرت نرم جمهوری اسلامی را افزایش می دهد.

از سویی دیگر در مقاطعی از تاریخ جمهوری اسلامی، به دلیل وقوع انقلاب، ارتش توانمند و منسجم، منابع مالی لازم، اقتصاد پویا، سازمان سیاسی منسجم و یکپارچه «اگر ایالات متحده حرکتی تهاجمی انجام دهد، احتمال جنگ و رویارویی با ایران بسیار بالا می رود. ایران کشور کوچک و بی ثباتی نیست، این کشور جنگ هفت ساله ای را با عراق تحمل کرده است؛ جنگی که در آن عراق از سوی قدرت های بزرگ جهانی و کشورهای منطقه تشریق و به لحاظ مالی و تسلیحاتی نیز تماماً تأمین می شد. جمهوری اسلامی در آن سال ها در برابر حملات، قابلیت دفاعی در خور توجهی از خود نشان داد و پس از آن جنگ و برای جلوگیری از حملات آینده، به اثباتش توانایی های متعارف نظامی روی آورد. برای چند دهه، پنتاگون بازی جنگ با ایران را بر آزمون فرضیات و تصویب پاسخگویی ایران بنا نهاده بود. اما سال گذشته یکی از مقامات آگاه که در چنین مرتباتی در فرماندهی مرکزی شرکت داشته، به من گفت که ارتش ایالات متحده، به قدرتی در بازی جنگ نامتوازن ایران را شکست داده است، مگر اینکه به تقبل روی آورده باشد. آخرین شاهد مثال در راستای بازخوانی فهم استراتژیست های آمریکایی در مورد توان داخلی و قدرت دفاعی ایران نیز از اندیشه های مهم رند (وابسته به پنتاگون) است، یکی از کارشناسان این اندیشکده می نویسد: «جمهوری اسلامی در داخل نسبتاً ثباتی است و قدرتی دارد که در خاورمیانه به آن ادغان می شود... اما واکنش در توانایی های خود برای تغییر رفتار ایران در منطقه با متوقف کردن برنامه ی فزاینده ی موشکی ایران کشور با محدودیت های واقعی روبرو خواهد بود... رژیم ایران قاطعانه در رأس قدرت است، نیروی امنیتی قدرتمندی دارد و موفق شده است تا اختلافات داخلی خود را کنار بگذارد. از سویی دیگر، افزایش عمیق نفوذ ایران و تهدید بیشتر امنیت رژیم صهیونیستی نیز یکی دیگر از تگرانی هایی است که به آن اشاره شده است. تیکلاس هراس در این باره معتقد است که ایران در حال حاضر به اوج نفوذ منطقه ای خود رسیده است. نفوذ این کشور به دریای مدیترانه بین مرزهای اسرائیل و ناتو رسیده است... ایران هم اکنون ده ها هزار نظامی را در سوریه، عراق، یمن و ایران رهبری می کند.

دوم، ضعف روزافزون آمریکا در خارج در حال سقوط است. با توجه به ادله ی فوق و البته مؤلفه های دیگر، باید آن روی دیگر سکه را نیز مشاهده کرد. واقعیت این است که آمریکای امروز از همیشه ضعیف تر و محتاط تر شده است. شاید به همین علت، فردی با شعار توجه به درون و اشتغال در این کشور رأی می آورد. هزینه های بالای جنگ با کشوری

و حمایت بین المللی وجود نداشت، اما جمهوری اسلامی همواره قدرتمند ظاهر شده، پیروزی را از آن خود نموده و امنیت پایدار را برای پیشرفت ایران به لومنان آورده است. آنچه جمهوری اسلامی را در این مقاطع حسانی، مهم ترین عنصر قدرت و ترم و بسیج کنندگی انقلاب اسلامی و حضور مردم در صحنه است. حضور مردم در مقاطع حساس، مهم ترین عنصر قدرت جمهوری اسلامی است. قیام مسلحانه ی نیروهای ضدانقلاب در تهران، امل، کرهستان و ترکمن صحرا و همچنین جنگ تمحیلی هشت ساله ی رژیم بعث صدام، فتنه ی تیر ۱۳۷۸ و فتنه ی سپاه ۱۳۸۸ از جمله مقاطع تاریخی بودند که عنصر اصلی قدرت جمهوری اسلامی، یعنی «حضور مردم در صحنه»، آن را به سوی موفقیت راهبری نموده اند.

با همین منطق است که مراسم روز استقلال ملت ایران، متمایز از مراسم استقلال ملی در دیگر کشورهاست. دیگر کشورها در روز ملی خود، مهم ترین عنصر قدرتمندی خود، یعنی نیروهای نظامی و توانمندی های آنان را به نمایش می گذارند، اما در جمهوری اسلامی، یا توجه به اینکه بنیان قدرت مردمی است، آنچه پیش چشم جهانیان به عنوان مهم ترین عنصر قدرت ایران جلوه می کند، «حضور مردم در صحنه» است. در ایران هرگاه مردم در صحنه بوده اند، جمهوری اسلامی قدرتمند بوده و امنیت و استقلال برای پیشرفت حاصل شده است.

پسر بردوبو، سه نوع سرمایه را شناسایی نموده است که عبارتند از: سرمایه های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی. از سرمایه ی اجتماعی را شکلی از سرمایه می داند که به ارتباطات و مشارکت اعضای یک سازمان توجه دارد و می تواند همراه با سرمایه ی فرهنگی، ابزاری برای رسیدن به سرمایه های اقتصادی باشد. با حضور مردم در انتخابات و جلوه گر شدن سرمایه ی اجتماعی جمهوری اسلامی و قدرت نرم آن، حصار امنیت و امکان پیشرفت حاصل می شود. هرچه جمهوری اسلامی سرمایه ی اجتماعی بیشتری داشته باشد، می تواند در حوزه های امنیتی، اقتصادی و... موفق تر باشد. انتخابات فردا نیز، جلوه گاه دیگری است برای نمایش مؤلفه ی قدرت ایران به جهانیان.

همچون ایران و صلابت تأثیرات اقتصادی در بازار بین الملل نیز از عواملی است که فرض تهدید را دچار ابهامات جدی می کند. آن هم در شرایطی که اوضاع اقتصادی داخلی آمریکا دچار بحران های کم رشکی است. اندیشه های «امنیت توین آمریکا» در مقاله ای، دریای تأثیرات این اتفاق بر اقتصاد جهانی اشاره کرده و می نویسد: آغاز جنگ نظامی بین این کشور و آمریکا، منجر به پیامدهای ویرانگری بر اقتصاد جهانی خواهد شد به صورتی که فراتر از توان تحمل متحدان آمریکا و خود آمریکایی ها خواهد بود.

در همین راستا باید به این سؤال پاسخ داد که آیا ساختار اقتصادی آمریکا با توجه به ضعف اقتصادی خود، توان وارد شدن در یک جنگ تمام عیار را خواهد داشت؟ «جفری لیکر»، از مسئولان عالی رتبه ی بانک مرکزی آمریکا در سخنرانی معروف خود، ضمن اعتراف به مشکلات داخلی آمریکا چنین می گوید: «در حالی که سه سال پیش رشد اقتصادی آمریکا از سر گرفته شد، امروز بار دیگر با کندی رشد اقتصاد کشور روبرو هستیم. نرخ بیکاری نیز در کشور در حال افزایش است. این مشکلات را می توان تا اندازه ای ناشی از عدم موزنه های اساسی دانست که در سال های اخیر در اقتصاد کشور اصلاح نشده است.» ۷۰ در این باره باید به تحلیل جان هاوکینز، تحلیل گر نشریه ی «تاو هال» توجه داشت که در مورد روند صعودی بدهی آمریکا می گوید: کارشناسان دفتر بودجه ای کنگره، پیش بینی کرده اند که بدهی های آمریکا به سازمان های بین المللی، در حدود ۳۶ درصد از بودجه ی سال ۲۰۲۰ ایالات متحده و ۵۸ درصد از بودجه ی سال ۲۰۴۰ و در نهایت ۸۵ درصد از بودجه ی سال ۲۰۵۰ را تشکیل می دهند. همچنین چشم انداز اقتصادی کشوری که ادعای ابرقدرتی جهان را دارد نیز در نگاه کارشناسان و متفکران مطرح آمریکایی به صورت دیگری تبیین می شود. به عنوان مثال نوام چامسکی، اندیشمند آمریکایی، در این راستا معتقد است، اگرچه اصول تسلط امپریالیستی آمریکا تغییر کرده اما ظرفیت پایداری آن، به شکل قابل ملاحظه ای، کاهش یافته است. آمریکا هم در داخل و هم



حضور مردم در صحنه ها عامل اصلی اقتدار جمهوری اسلامی ایران

رئیس مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت گفت: مهمترین عامل قوت و اقتدار جمهوری اسلامی ایران حضور پر شور مردم در صحنه های مختلف از جمله در صحنه دفاع مقدس، سازندگی کشور و سیاسی است.

دکتر علی اکبر ولایتی با تبریک

برگزاری پرشور انتخابات به محضر مقام معظم رهبری، مردم ایران، جهان اسلام و مسلمانان و متحدانمان در منطقه گفت: مشارکت بیش از ۷۰ درصدی واجدان شرایط رای دادن در انتخابات و همچنین مشارکت ایرانی های مقیم بیش از ۱۰۰ کشور جهان حاکی از آن است که ما به زور خود خوب جهانی و استاندارد طلایی در منطقه دست یافتیم و فضای باز سیاسی در استقبال مردم از این انتخابات حاکی از آن است که مردم با گذشت بیش از ۴۰ سال از انقلاب به نظام خودشان همچنان علاقمندند.

وی افزود: در آستانه ورود رئیس جمهور کاسب کار آمریکا که برای جمع آوری پول برای اقتصاد ورشکسته آمریکا دوره گردی می کند و متأسفانه برخی از کشورهای ابزار دست آمریکا مانند عربستان سعودی از

اموال و بیت المال مسلمین به این رئیس جمهور کاسب و دوره گرد آمریکا هدیه می دهد برای اینکه اتحمن و تستت نمایشی در جهت تقویت تروریسم در حال شکست منطقه درست کند برای اینکه آن ها در عراق، سوریه و یمن قطعاً شکست خورند. وزیر اسبق امور خارجه کشورمان ادامه داد: جمهوری اسلامی ایران با این انتخابات نشان داده است که نه فقط در داخل کشور خود منسجم است بلکه اگر اماکن مقدس مسلمانان در معرض خطر قرار گیرد مدافع حرم می شود و اگر تروریسم در منطقه ما با شراکت های صهیونیست و حمایت آمریکا در دو زمین منطقه شکل گرفته، آن را به شکست می کشاند.

رئیس مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام با اشاره به اینکه آن ها کارهای تکراری انجام می دهند، گفت: امروز رئیس جمهور جدید آمریکا با فرهنگ بسیار مبتذل با کشورها و رؤسای آن ها، برخورد و کاسبی می کند. ولایتی با تأکید بر اینکه این نمایش ها تأثیری بر روی مردم ما ندارد افزود: مردم ما با اطلاع از اینکه ترامپ به منطقه می آید انگیزه مضاعف داشتند تا با قدرت و شور بیشتری در پای صندوق های رای حاضر شوند.

وی با اشاره به اینکه کره شمالی به رغم بلوف آن ها به کار خود ادامه داد و آن ها عقب نشستند، اضافه کرد: آن ها در منطقه ما هم در مقابل ایستادگی زنجیره مقاومت که جمهوری اسلامی ایران حلقه بزرگ آن است عقب نشینی می کند. ولایتی با اشاره به اینکه صاحب نظران و متفکران غربی هم بر وجود دموکراسی در ایران اقرار دارند افزود: حضور حماسی مردم در پای صندوق های رای پاسخ اصلی به دشمنان است. وی اضافه کرد: مذاکره کنندگان سیاسی اگر حمایت ملت خود را نداشته باشند دشمنان شونده ای ندارد اما زمانی که دولتی با رای بالای مردم تشکیل می شود، طرف مقابل مذاکره با جمهوری اسلامی ایران می داند که مذاکره کننده ها حمایت مردمی عظیمی را در پشت خود دارد.

وزیر اسبق امور خارجه کشورمان با تأکید بر اینکه عامل اصلی اقتدار یک کشور حضور مردمش در صحنه های مختلف است، گفت: حرف سیاستمداری در صحنه برش بیشتری دارد که حمایت مردمی بیشتری را پشت سر خود داشته باشد.



پیشرفت علمی ایران و آسیب های پیش رو

تولید علم، عبور از مرزهای دانش، شکل‌گیری چرخه‌ی علمی و مفصلی از این دست همواره از جمله اساسی‌ترین خطوط ادبیات گفتمانی رهبر معظم انقلاب اسلامی به خصوص در سالیان اخیر بوده است. ایشان پیشرفت علمی کشور را یکی از اصلی‌ترین پایه‌های ساخت مستحکم درونی کشور دانسته و در این راستا همواره آسیب‌ها و تهدیدات پیش رو را با مردم، تخفیان و مسئولین در میان گذاشته‌اند تا با برنامه‌ریزی دقیق و رفع مشکلات، روند رو به جلوی کشور در این عرصه‌ی مهم حفظ و تقویت شود.

آنچه در ادامه می‌آید «مهم‌ترین آسیب‌ها و تهدیدات در مسیر پیشرفت علمی ایران» در بیانات آیت الله العظمی خاتمی است که در چهار محور: فرهنگ علمی، مسایل آموزشی، سیاست‌گذاری و مسایل زیرساختی، مسایل گفتمانی و تبلیغی تهیه و تنظیم شده است.

فرهنگ علمی

تحجیر و جزمی‌گرایی در محیط علمی
آنچه که برای یک محیط علمی و دانشگاهی وظیفه آرماتی محسوب می‌شود، این است که در زمینه مسائل علمی، تواندین باشد معنای واقعی تولید علم این است. تولید علم، فقط انتقال علم نیست؛ نوآوری علمی در درجه اول اهمیت است.

مهم‌گویی در مسائل علمی به نام نوآوری
در هر زمینه‌ی، کسانی که از دانشی برخوردار نیستند، اگر بخواهند به خیال خودشان نوآوری کنند، به مهم‌گویی می‌افتند.

اعتقاد به نظریات غربی به عنوان متون مقدس و خدشه نکردن در آنها
تهاجم فرهنگی بزرگتر این است که غربی‌ها در طول سالهای منمادی به مغز ایرانی و باور ایرانی تزریق کردند که تو نمی‌توانی؛ باید دنباله‌رو غرب و اروپا باشی. نمی‌گذاردند خودمان را باور کنیم. توجه نکردن به داشته‌های خود و ترجمه‌گرایی در علوم

واقعاً این عیب است که ما بیست سال، بیست و پنج سال سرفصل فلان دانش را اصلاً تغییر نداده باشیم؛ این نشان‌دهنده‌ی عدم جرأت ورود در مناقشه است؛ این همین چیزی است که ما از آن بیمناکیم. جرأت ندارند که مناقشه کنند؛ همان را که هست، درس دادند، باز هم درس میدهند؛ ده سال دیگر هم ممکن است همان را درس بدهند.

گسترش روحیه ملرک‌گرایی در دانشگاه خرد علم‌آموزی، یک فرهنگ است. اگر چنانچه ما به مسئله‌ی فرهنگی در دانشگاه توجه کنیم، آن وقت هم دانشجوی ما عاشق و راقب به علم میشود و دنبال علم و تحقیق میرود. صرفاً دنبال مدرک نیست هم استاد ما از حالت ادای تکلیف در کلاس درس خارج میشود. دوری از فرهنگ **تعمق و تحقیق در نظام آموزشی و تأکید بر حفظ محوری**

از جمله‌ی کارهایی که باید انجام بگیرد، این است که جوری نظام آموزشی باید طراحی بشود که جوان ما به تحقیق، طلبگری در تعمیم علم و دانش علاقه‌مند شود. حفظ‌محوری، غلط است. ما هنوز در دانشگاه‌هایمان متأسفانه می‌بیند انسان، من گاهی با بعضی از جوانهایی که با ما مرتبطند، برخورد میکنم. می‌بینم که معلم چند صد صفحه کتاب را برای یک واحد درسی داده که این دانشجوی بخواند چرا؟

سیاست‌گذاری و مسایل زیرساختی: نبود چرخه علمی و تکمیل نبودن زنجیره کار علمی، فناوری، تولید و بازار

اگر چنانچه ما کار تحقیقاتی را کردیم، به فناوری هم رسیدیم، اما مثلاً تولید انبوه نشد، یا بازار برایش پیش‌بینی نشد، این ضربه خواهد خورد؛ همه‌ی اینها بایستی مورد توجه قرار بگیرد و این زنجیره‌ی کار علمی، تا تولید و بازار بایستی دنبال شود.

آنچه در کشور لازم است و میتواند موقع و جایگاه علمی کشور را به طور شایسته و افتخارآنگیز به ما نشان دهد که بالا رفته، وجود یک چرخه‌ی علمی ناممکنی در بخشهای مرتبط با دانش و فناوری یکی از ضعف‌ها، ناهماهنگی‌هاست؛ در بخشهای مرتبط با دانش و علم و فناوری، بایستی هماهنگی کامل بوجود بیاید. ما مسئله‌ی ارتباط صنعت و دانشگاه را مطرح کردیم که خوب، الحمدلله در این زمینه دارد کار میشود و بیشتر هم کار خواهد شد. هماهنگی بین خود مراکز علمی خیلی لازم است. کند شدن سرعت حرکت علمی کشور در این ده سال گذشته، حرکت علمی ما خیلی خوب بوده، پیشرفت علمی و سرعت پیشرفت، بسیار خوب بوده است؛ اما این سرعت پیشرفت باید کند نشود. اگر ما بخواهیم به آن سطح مطلوب



هشدار پرتکرار

«پیشرفت علمی» یکی از نکات مورد تأکید رهبر معظم انقلاب اسلامی در هم‌ی دیدارها با فعالان علمی بوده است. این موضوع یکی از محورهای اصلی گفت‌وگوهای علمی در بیست و نه سال اخیر انقلاب اسلامی در پیش از یک دهه‌ی اخیر بوده است. با اقبالی که این موضوع در حوزه‌ی عمومی یافت، حرکت علمی کشور فراتر از دستگاه‌های دولتی پیگیری شد و نتایج و ثمرات درختانی به دست آمد؛ «حرکت علمی تبدیل شد به یک گفت‌وگو؛ یعنی کار، منحصر نماند در چند دستگاه دولتی؛ یعنی بین دانشگاه‌ها و دانشجوها؛ شد یک گفت‌وگو عمومی... تبدیل شده به یک فضای عمومی و خواست عمومی؛ این خیلی بارز است. این گفت‌وگو را حفظ کنیم از رهگذر دستاوردهای این جنبش علمی بود که در عرصه‌ی چون هسته‌ی برای کشور «قدرت» تولید شد و گامی بلند در مسیر ارتقا و تثبیت «اقتدار ملت ایران» برداشته شد.

سه عامل مأوس کردن دشمن
دشمنی قدرت‌های مستکبر و ساطه‌گر با ایران اسلامی نیز برای جلوگیری از تثبیت و قدرت‌یابی الگویی است که در آن پیشرفت‌های علمی توانان با معنویت دنبال می‌شود. حضرت آیت‌الله خاتمی «در کنار اقتصاد مقاومتی» و «حفظ روحیه‌ی انقلابی‌گری»، «علم پیشرفته»

تهدیدات و موانع پیشرفت علمی کشور

گفتمانی	۱. برنامه دشمن برای دین‌زدایی و علم‌زدایی از دانشگاه	سیاست‌گذاری	۱. ناقص بودن چرخه علمی
آموزشی	۱. نامتوازن بودن برنامه‌های علمی در رشته‌های مختلف	فرهنگی	۱. تحجیر ۲. مهم‌گویی

۱. سرگرم شدن دانشگاه‌ها به مسائل بوج

۲. ناهماهنگی مراکز علمی با هم

۳. تعداد بالای دانشجویان علوم انسانی بدون کار بومی

۴. ترجیحی‌گرایی صرف

۵. وابستگی علمی به غرب

۶. خطر پذیر نبودن دانشجویان

۴. عقب‌نشینی در برابر تهدیدات

۵. تأکید بر حفظ محوری

۵. فرار مغزها

۳. یاس آفرینی و منفی‌بافی

۳. تناسب نداشتن حرکت علمی با نیازهای علمی کشور

۳. نبود جرات منصفانه

۳. وابستگی علمی به غرب

۴. روحیه مدبر‌گرایی

۴. عقب‌نشینی در برابر تهدیدات

۱. فرهنگی

۲. آموزشی

۳. سیاست‌گذاری

۴. گفتمانی

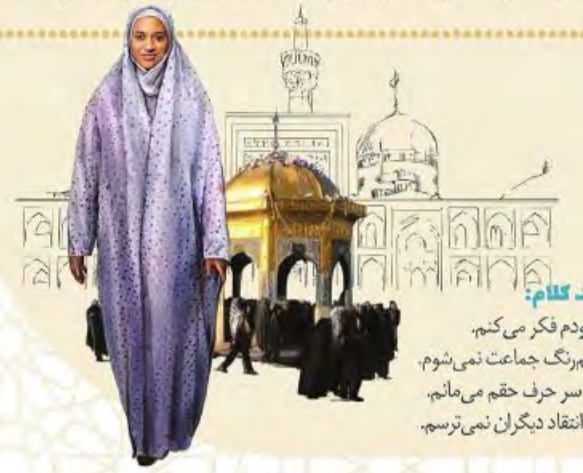
رهبر انقلاب اسلامی پیشرفت علمی کشور را یکی از اصلی‌ترین پایه‌های استحکام ساخت درونی کشور دانسته و در بیانات اخیرشان از جمله در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت در ۹۲/۶ پیشرفت علمی را به عنوان یکی از دواولویت اصلی کشور در شرایط فعلی معرفی کردند. آنچه در این اینفوگرافیک آمده «مهم‌ترین آسیب‌ها و تهدیدات در مسیر پیشرفت ایران» در بیانات حضرت آیت‌الله خاتمی است.

پنج سال دیگر رتبه چهارم علمی دنیا را خواهیم داشت، اگر ...

رتبه علمی کشور نسبت به قبل از این دوازده سال، شانزده برابر شده. ایران سیزده برابر متوسط دنیا است و اگر همین پیشرفت ادامه پیدا کند، در سال ۲۰۱۸، ایران رتبه‌ی چهارم علمی دنیا را خواهد داشت. یعنی بعد از سه کشور دیگر - آمریکا و چین و انگلیس - کشور چهارم، ایران خواهد بود. (۲۰۱۵)

آزاداندیشی

انقلابی یعنی کسی که محافظه کار نیست، ملاحظه وضع موجود نیست و از تغییر و تحول هراسی ندارد؛ اما آدم انقلابی پیش از آن که بخواهد در عرصه عمل و اجرا موضع موجود را به هم بریزد و اقدام به تغییر و اصلاح آن کند باید در عرصه نظر و فکر انقلابی باشد. برای همین یکی از شاخصه‌های انقلابی بودن، آزاداندیشی است.



- در یک کلام:**
- خودم فکر می‌کنم.
 - هم‌رنگ جماعت نمی‌شوم.
 - بر سر حرف حقم می‌مانم.
 - از انتقاد دیگران نمی‌ترسم.

فقط برای خدا

انقلابی مخلص است؛ یعنی جز برای خدا کار نمی‌کند. اصلاً کسی که برای غیر خدا کار کند نمی‌تواند انقلابی اصیلی باشد. آدم انقلابی حواسش هست که اول و آخر همه چیز خداست و خدا بر تمام امور عالم احاطه کامل دارد. انقلابی خودش را جزء کوچکی از جنود الهی می‌بیند که می‌خواهد در راستای اراده الهی نقش آفرینی کند.



- در یک کلام:**
- همه چیز را از خدا می‌دانم.
 - بی‌ریا کار می‌کنم.
 - به کارهای خوبی که می‌کنم مغرور نمی‌شوم.
 - اهل خودسازی و تقوا هستم.

مجاهدت

انقلابی فقط اعتراض نمی‌کند، فقط نقد نمی‌کند، فقط نظریه برای درست شدن اوضاع صادر نمی‌کند؛ انقلابی خودش اهل تلاش و مجاهده است. یک لحظه آرام و قرار ندارد. در هر میدانی که باشد، آنجا را جبهه جنگ می‌بیند و فرصتی برای جهاد در راه خدا، جنگ برای آدم انقلابی هیچ‌وقت تمام نمی‌شود و زمان استراحت و در گوشه‌ای آرام گرفتن فراموشی می‌رسد.



- در یک کلام:**
- سخت‌کوشم.
 - به تکلیف فکر می‌کنم.
 - عاشق شهادتیم.
 - به وعده‌های خدا اطمینان دارم.
 - مغلوب شرایط نمی‌شوم.

انقلابی می‌مانم

شاخصه‌های انقلابی بودن

بهترین کارها را کسانی کرده‌اند که با روحیه انقلابی کرده‌اند؛ هم در جنگ، هم در سازندگی و هم در علم و مسائل فرهنگی. بنابراین، انقلابی بمانید. | رهبر انقلاب ۱۳۸۳/۴/۱

ساده‌زیستی

انقلابی بودن یا رفاه‌زدگی و تجمل‌گرایی نیستی ندارد. کسی که در ناز و نعمت زندگی می‌کند روحیه انقلابی در او کشته می‌شود. برای همین جوان مسلمان و انقلابی، اهل ساده‌زیستی، قناعت و زهد است. او خودش را در این دنیا مسافری می‌داند که بدون وقفه به پایان این سفر نزدیک می‌شود. چنین کسی نمی‌تواند به لذت‌های زودگذر این مسیر دل‌بستگی پیدا کند.



- در یک کلام:**
- اهل زندگی پرزرق و برق نیستم.
 - در کنار مستضعفان هستم.
 - نسبت به بیت‌المال حساسم.
 - قدرت را برای اداره درست جامعه به کار می‌برم.
 - خودم را به دیگران ترجیح نمی‌دهم.

تفکر انتقادی

انقلاب با اعتراض به انحرافات شروع می‌شوند و با انتقاد به عمرشان ادامه می‌دهند؛ بنابراین آدم انقلابی همیشه معترض - البته منصف - است و هیچ‌وقت به آنچه هست راضی نمی‌شود. انقلابی به دنبال تحول و دگرگونی اساسی در امور است؛ دگرگونی در همه ابعاد. به دنبال بهتر کردن وضعیت از آنچه هست به آنچه باید باشد؛ یا به تعبیری گذار از وضع موجود به وضع موعود.



- در یک کلام:**
- به آنچه هست رضایت نمی‌دهم.
 - به دنبال گذار از وضع موجود به وضع موعودم.
 - اعتراض را با نق‌زدن‌ها سطحی اشتباه نمی‌گیرم.

شجاعت

شجاعت یکی از والاترین فضایل اخلاقی است. شجاعت بیشتر در هنگام روبرو شدن با دشمن و قرار گرفتن در شرایط سخت به کار می‌آید؛ یعنی همان چیزهایی که بگ انقلابی به ناگزیر با آن‌ها روبرو خواهد شد. کسی که در هنگام روبرو شدن با دشمنی‌ها و مخالفت‌ها و دشواری‌ها دست‌پايش بلرزد نمی‌تواند انقلابی باشد؛ نه در حیطه نظر و تفکر و نه در مقام کنش.



- در یک کلام:**
- از گفتن حرف حق حتی اگر در اقلیت باشم نمی‌ترسم.
 - از مقابله با هوای نفسم نمی‌ترسم.
 - شجاعت را با بی‌کلیگی و قهرمان‌بازی اشتباه نمی‌گیرم.

متفاوت بودن

آدم انقلابی کسی است که معمولاً با اکثریت آدم‌های دور و برش متفاوت است. آدم انقلابی شهامت متفاوت بودن را دارد و از خلاف جهت آب حرکت کردن نمی‌ترسد. البته این متفاوت بودن فرق دارد با آن متفاوت بودن که از روی ادا و اطوار است. متفاوت بودن برای او اصالت ندارد. متفاوت بودن از دیگران، فقط «علامت» آدم انقلابی و «نتیجه» انقلابی بودن است.



- در یک کلام:**
- از متفاوت بودن نمی‌ترسم.
 - به دنبال یک زندگی راحت و بی‌دغدغه نیستم.
 - اصرار ندارم بگویم من متفاوتم.

بصیرت

انقلابی اهل بصیرت است. همین بصیرت موجب می‌شود که مرز میان جبهه حق و جبهه باطل را ببیند و راه را گم نکند. او شگردهای دشمن را برای فتنه‌گری و پوشاندن لباس حق بر باطل به خوبی فرا گرفته است. پس در فتنه‌ها هر قدر هم که سنگین و پیچیده باشند، خود را از آسیب و انحراف حفظ می‌کند.



- در یک کلام:**
- مرز جبهه حق و جبهه باطل را می‌دانم.
 - درباره حق، دودل نیستم.
 - با دشمن و دوست دشمن، دوستی نمی‌کنم.
 - در تحلیل‌هایم دچار تعصب نمی‌شوم.

آرمان‌گرایی

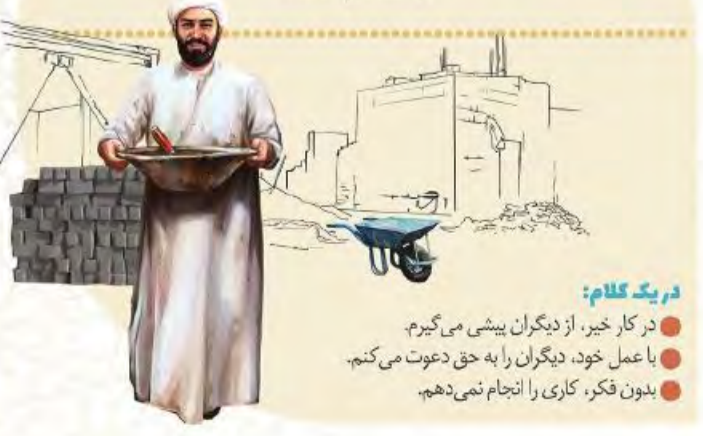
آرمان‌گرایی یعنی نگاه به اهداف والا داشتن و به بهانه‌های گوناگون دست از آن اهداف والا نکشیدن. آرمان‌ناشنی و یا کنار گذاشتن آرمان‌ها، موجب افتادن در ورطه روزمرگی و به تبع آن، پوچی و بزمردگی است. انقلابی، آرمان‌گراست. آرمان‌های بلند دارد و همواره برای رسیدن به این آرمان‌ها در تلاش است.



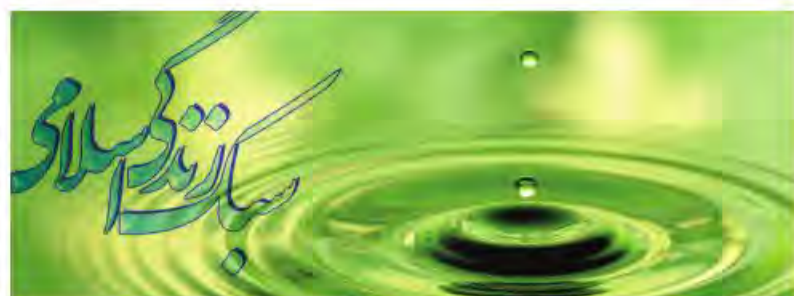
- در یک کلام:**
- برای رسیدن به آرمان‌ها تلاش می‌کنم.
 - به مسائل اجتماعی حساسم.
 - آرمان‌گرایی، مرا از دیدن واقعیت‌ها غافل نمی‌کند.

اهل عمل

انسان انقلابی، نه با حرف زدن صرف و بحث‌های نظری که با عمل خود، دیگران را به خیر و صلاح دعوت می‌کند. او می‌داند که اگر در شخصیت او نفاق راه پیدا کند و بین گفتار و رفتار تناقض دیده شود، حرف‌های فشنگی که می‌زند به ضد خودش تبدیل خواهد شد؛ بنابراین، عمل جوان مسلمان و انقلابی اگر از حرف او جلو نیفتد، از آن عقب نخواهد افتاد.



- در یک کلام:**
- در کار خیر، از دیگران پیشی می‌گیرم.
 - با عمل خود، دیگران را به حق دعوت می‌کنم.
 - بدون فکر، کاری را انجام نمی‌دهم.



اسلام و سبک زندگی در اندیشه رهبر معظم انقلاب

۴ کسب: در هر نقطه که مشغول کاری هستید این کار، کشور شما را از بیگانگان بی نیاز و به آبادانی کشور کمک می کند.

۵ ازدواج: من از این بیم دارم که نگاه بی تفاوت نسبت به مسئله ازدواج تبعات سختی را برای کشور به وجود بیاورد.

۶ پوشش: ته اینکه من بخوابم بگویم چادر نوع منحصر است، نه چادر بهترین نوع حجاب است یک نشانه ی ملی ماست.

۷ تفریح: شاید بهترین ساعات تفریح برای پدیده در شانیه روز آن ساعتی است که به کارهای علمی خود می پردازم.

۸ سفر: بعضی ها قبل از اینکه به سفر مکه بروند سوغاتی ها سفر را در اینجا می خردند کار خوبی است.

۹ بهداشت: لباس پیامبر وصله زده و کهنه بود اما تمیز بود این چیزهای به ظاهر کوچک در باطن بسیار موثر است.

۱۰ خوراکی: آیا غذا می خوریم تا جان بگیریم و راه بقیمت و نانی گیر بیآوریم و دوباره بخوریم این که چیز پوچی است.

۱۱ درآمد: بر ملتی که حساب دخل و خرج خود را دارد از تحریم ضروری وارد نمی شود. «خطبه های نماز عید قمر ۷۸۶، ۲۷۱»

۱۲ دوستی: این دست دوستی، پیوند عاطفی، ارتباط محبت آمیز میان برادران، میان دوستان، میان خواهران، میان آحاد ملت اسلامی خیرخواهی خیراندیشی را باید حفظ کرد.

۱۳ کارجمعی: اسلام گفته است: «واعصموا بچل الله جمیعاً» یعنی حتی اعصام به جیل الله هم باید دسته جمعی باشد.

۱۴ معماری: باید حفظ هویت و اصالت شهرها و پای بندی به معماری اسلامی و ایرانی و رعایت زیبایی و استحکام برجسته شود.

۱۵ خودسازی: اولین و مهمترین قدم خودسازی اینست که انسان به خود و به اخلاق و رفتار خود یا نظر اعتقادی نگاه کند.

۱۶ رفتار در جامعه: فرهنگ به عنوان عامل اصلی در رفتارهای اجتماعی کشور، معلول عتفه قرار گرفته و آن چنان که باید و شاید تبست.

یکی از ابعاد پیشرفت با مفهوم اسلامی عبارت است از سبک زندگی کردن، رفتار اجتماعی، شیوهی زیستن اینها عیاره آخرای یکدیگر است این یک بعد مهم است اما اگر از منظر معنویت نگاه کنیم که هدف انسان، رسنگاری و فلاح و نجات است باید به سبک زندگی اهمیت دهیم؛ اگر به معنویت و رسنگاری معنوی اعتقادی برخوردار از امنیت روانی و اخلاقی، باز پرداختن به سبک زندگی مهم است. بنابراین مسئله، مسئلهی اساسی و مهمی است.

سبک زندگی بخش حقیقی و اصلی تمدن است؛ مثل مسئلهی خانواده، سبک ازدواج، نوع مسکن، نوع لباس، الگوی مصرف، نوع خوراک، نوع آشپزی، تفریحات، مسئلهی خط، مسئلهی زبان، مسئلهی کسب و کار، رفتار ما در محل کار، رفتار ما در دانشگاه، رفتار ما در مدرسه، رفتار ما در فعالیت سیاسی، رفتار ما در ورزش، رفتار ما در رسانهای که در اختیار ماست، رفتار ما با پدر و مادر، رفتار ما با همسر، رفتار ما با فرزند، رفتار ما با رئیس، رفتار ما با مرئوس، رفتار ما با پلیس، رفتار ما با مأمور دولت، سرفهای ما، نطفات و طهارت ما، رفتار ما با دوست، رفتار ما با دشمن، رفتار ما با بیگانه؛ اینها آن بخشهای اصلی تمدن است، که متن زندگی انسان است.

۱۸ دستورالعمل برای سبک زندگی

۱ رفتار در خانواده: زوج محیط خانه عبارتست از خانواده، باید به این اهمیت داد باید در این تأمل و تدبر نمود.

۲ تحصیل: از لحاظ علمی خودتان را پیش ببرید شما می خواهید سنتوی باشید که مدنیت ایران بر روی این ستوانها سر پا باشد.

۳ مصرف: جنس داخلی که مصرف شد آن کننده ی کار ابتکارتی دارد، این ابتکارات را روز به روز افزایش خواهد داد.

۱۷ رسانه: افزایش مطبوعات، تنوع آن، کیفیت یافتن آن، و اگر خطایی دارد تصحیح آن جزو کارهای اساسی در این نظام است.

۱۸ مناجات: از امام پرسیدم کدام دعا را بیشتر از همه می خوانید و دوست دارید؟ فرمودند دعای کمیل و مناجات شعبانیه.

رسیدن به سبک زندگی مطلوب اسلام و ارزیابی سبک زندگی موجود در جوامع مسلمان در گرو دانستن شاخص های زندگی اسلامی است.

معظم له در سخنرانی ها و بیاناتشان به صورت هدفمند و مهندسی شده موضوع سبک زندگی را تبیین نموده اند.

محوریت سبک زندگی اسلامی ایرانی؛ شاخص های اصلی؛ تربیت زبستی، تربیت اخلاقی و تربیت عقلانی

مؤلفه ها: عدالت، رعایت قانون، ساده زیستی، الگوی پوشش، زندگی پرهیزکارانه، الگوی مصرف، خردورزی، نظم و انضباط، تولید علم و جنبش نرم افزاری، رسنگاری معنوی

چایگاه دین اسلام در سبک زندگی؛ به لطف حاکمیت فرهنگ ائمه معصومین(علیهم السلام) در قلب های ایرانیان، بخش عظیمی از تاریخ ما و همچنین فرهنگ جاری ما، متأثر از دین و برآمده از دین است و دین شکل دهنده و پدیدار کننده سنت خاص در جامعه ایران بوده است. ضعف آشکار بسیاری از پژوهش ها و تحلیل ها پیرامون سبک زندگی، غفلت از چایگاه دین اسلام و مکتب شیعه در سنت و تاریخ و هویت جامعه ایرانی است. به نظر می رسد به این دلیل تمامی مؤلفه های سبک زندگی یا مباحث دینی و اسلامی پیوند خورده است. مؤلفه هایی از قبیل: هویت (فهم از خود، فهم از جامعه، فهم از تاریخ و...)، ارزش ها (هم صفات آرمانی و هم انسان های آرمانی)، معماری شهری و خانگی، نظام آموزش- زبان و ادبیات، هنر-خانواده (نظام و تقنین)، روابط اجتماعی، ساختار اجتماعی، دین داری فردی و اجتماعی، نظام اقتصادی فردی و خانواده، نظام تغذیه و طب فردی و خانواده، رسانه، تکنولوژی، نحوه نگرش به عالم، نگرش به نظام سیاسی اجتماعی و ...

ایجاد توبیتی سبک زندگی؛ یکی از ابعاد پیشرفت با مفهوم اسلامی عبارت است از سبک زندگی کردن، رفتار اجتماعی، شیوهی زیستن اینها عیاره آخرای یکدیگر است. این یک بعد مهم است. ما اگر از منظر معنویت نگاه کنیم که هدف انسان، رسنگاری و فلاح و نجات است باید به سبک زندگی اهمیت دهیم؛ اگر به

معنویت و رسنگاری معنوی، اعتقادی هم نداشته باشیم، برای زندگی راحت، زندگی برخوردار از امنیت روانی و اخلاقی، باز پرداختن به سبک زندگی مهم است. بنابراین مسئله، مسئلهی اساسی و مهمی است، راه رسیدن جامعه اسلامی به آرامش حقیقی، سلوک عملی در مسیر زندگی اسلامی و حیات طیبه است که بر همه اصل عقلانیت (خردورزی)، اخلاق اسلامی و رعایت حقوق استوار شده است.

عقل معاش: سبک زندگی اسلامی بخش حقیقی و اصلی تمدن است که مصادیقی دارد؛ مانند: مسئله خانواده، سبک ازدواج، نوع مسکن، الگوی مصرف، نوع خوراک، نوع آشپزی، تفریحات، مسئله خط، کسب و کار، رفتارهای ما در محل کار، مدرسه، دانشگاه، رفتار ما در فعالیت های سیاسی، ورزشی، رفتار ما در رسانه ای که در اختیار ماست، رفتار ما با پدر و مادر، یا همسر، یا فرزند، یا رئیس، یا مرئوس، یا پلیس، یا مأمور دولت، سرفهای ما، نطفات و طهارت ما، رفتار ما با دوست، یا دشمن، یا بیگانه و ... این ها بخش های اصلی تمدن است که متن زندگی انسان است. همه این ها عرصه وسیعی است که گفته شد، جزو عقل معاش است و در کتب حدیثی مهم و اصیل ما در ابوابی به نام کتاب العشره (کتاب معاشرت) آمده است.

رهبر معظم انقلاب اسلامی، در تشریح مفهوم سبک و فرهنگ زندگی، به مسائلی نظیر: خانواده، ازدواج، نوع مسکن، نوع لباس، الگوی مصرف، تفریحات، کسب و کار و رفتارهای فردی و اجتماعی در محیط های مختلف، اشاره کرده و می فرمایند: در واقع سبک زندگی به همه مسائلی برمی گردد که متن زندگی انسان را شکل می دهند.

بنابراین، درباره سبک زندگی از دیدگاه اسلام باید گفت: پیوندی میان سبک زندگی و دستورات اسلام برقرار می کند. اگر برآنیم که الگوی بدهیم، می بایست که در چارچوب تعالیم اسلامی باشد. چنانچه معظم له با بهره مندی از آموزه های دینی توانسته اند در سخنرانی ها و بیانات خود به صورت هدفمند و مهندسی شده موضوع سبک زندگی را تبیین نمایند.

۱- پایه سناختی که جهت گیری را نشان می دهد.

۲- پایه ارزشی که خوب ها و بدها را نشان می دهد.

۳- پایه رفتاری که رفتار صحیح ابلامی را نشان می دهد.

آنچه گذشت، پیوندی میان سبک زندگی و دستورات اسلام برقرار می کند. اگر برآنیم که الگوی بدهیم، می بایست که در چارچوب تعالیم اسلامی باشد. چنانچه معظم له با بهره مندی از آموزه های دینی توانسته اند در سخنرانی ها و بیانات خود به صورت هدفمند و مهندسی شده موضوع سبک زندگی را تبیین نمایند.

۴- پایه رفتاری که رفتار صحیح ابلامی را نشان می دهد.

آنچه گذشت، پیوندی میان سبک زندگی و دستورات اسلام برقرار می کند. اگر برآنیم که الگوی بدهیم، می بایست که در چارچوب تعالیم اسلامی باشد. چنانچه معظم له با بهره مندی از آموزه های دینی توانسته اند در سخنرانی ها و بیانات خود به صورت هدفمند و مهندسی شده موضوع سبک زندگی را تبیین نمایند.

آنچه گذشت، پیوندی میان سبک زندگی و دستورات اسلام برقرار می کند. اگر برآنیم که الگوی بدهیم، می بایست که در چارچوب تعالیم اسلامی باشد. چنانچه معظم له با بهره مندی از آموزه های دینی توانسته اند در سخنرانی ها و بیانات خود به صورت هدفمند و مهندسی شده موضوع سبک زندگی را تبیین نمایند.



جایگاه سبک زندگی در تحقق اقتصاد مقاومتی

مسائل مذکور نشان می دهد که سبک زندگی کنونی ما تناسب چندانی با اقتصاد مقاومتی ندارد و نمی تواند مقوم آن باشد. به نظر می رسد که نقطه کانونی برای موفقیت در تحقق اقتصاد مقاومتی، اصلاح برخی عادت ها و شیوه ها در سبک زندگی می باشد.

سبک زندگی، به عنوان مجموعه ای از ارزش ها، طرز تفکی ها، شیوه های رفتار، حالت ها، سلیقه ها و ... تأثیر شگرفی بر سرنوشت و آینده هر فرد و جامعه ای دارد. در واقع، سبک زندگی واژه فراگیری است که از سلیقه فرد در زمینه مصرف، کار و شغل، سرگرمی و تفریح، آرایش مو و لباس، تا هنر و ... را شامل می شود. یکی از مهمترین دلایل اهمیت مقوله سبک زندگی، اهمیت آن با سیاست و ساخت کلان اداره یک جامعه است. بدین معنا که اساس موفقیت در سیاست زوری و اداره امور در هر جامعه ای، مبتنی بر سبک زندگی مردمان آن جامعه است. به تعبیری، اگر قرار است که سیاست زوری در یک جامعه به کسب فضایل، پیشرفت، آزادی، رفاه و ... منتج شود، این مسائل باید به دغدغه مردم آن جامعه تبدیل شده و آنها در سبک زندگی خود برای این مسائل اهمیت قائل شوند. بر همین اساس، موضوعاتی مانند اقتصاد مقاومتی، که امروز به عنوان یکی از مهمترین مسائل کشور ما مطرح است، زمانی می تواند به عنوان یک الگوی موفق پیاده و عملیاتی شود که در سبک زندگی مردم جایگاه شایسته و بایسته ای پیدا کند. به عبارت دیگر، اگرچه اقتصاد مقاومتی در نگاه اول یک امر سیاست گزارانه بوده و در مورد آن شاید این تصور وجود داشته باشد که مردم چندان نمی توانند نقشی داشته باشند، اما در اصل و اساس، ستون فقرات اجرای این مهم، مردم هستند که بپوشه با سبک زندگی متناسب با اقتصاد مقاومتی می توانند به موفقیت این راهبرد کمک کنند. علی رقم این موضوع، متأسفانه برخی نشانه های حاکی از فاصله داشتن سبک زندگی ما با اقتصاد مقاومتی است. توجه به دو مثال در این زمینه مفید خواهد بود:

۱- بر اساس گزارشی که خیرگزاری فرانسه در سال ۱۳۹۲ منتشر کرده است، زنان ایران ۲۸ میلیون نفر از جمعیت این کشور را تشکیل می دهند و ایران در منطقه خاورمیانه پس از عربستان در جایگاه دوم و در جهان در جایگاه هفتم مصرف مواد و لوازم آرایشی قرار دارد. نکته جالب اینکه بخش عمده این کالاها از خارج تأمین و ۶۰ درصد آنها به صورت قاچاق وارد کشور می شود. متأسفانه ولادت بالای این دست کالاهای مصرفی غیر ضروری، مقادیر هنگفتی ارز از کشور خارج می کند که چون آورده های برای اقتصاد کشور ندارد. به معنای اتلاف سرمایه می باشد. در صورتی که همین ارز را می توان صرف ولادت کالاهای ضروری و سرمایه ای کرد که مقید به حال اقتصاد کشور باشد. اما اینکه چرا این اقدام صورت می گیرد، به تغییر در سبک زندگی و افزایش گرایش به آرایش در میان زنان و دختران ایرانی برمی گردد.

۲- گرایش به مصرف، تجمل گرایی و اسراف نیز در سال های اخیر در کشور رشد داشته است. متأسفانه میل به مصرف و تجمل گرایی به معیاری برای کسب اعتبار اجتماعی نیز تبدیل شده است. به عبارت دیگر، افزایش میل به تجمل و مصرف، به معنای رشد نیازهای کاذب در انسان است و حال افراد برای اینکه بتوانند این نیازهای کاذب را پاسخ بگویند، مجبور می شوند که برای کسب درآمد بیشتر، به انجام اموری مشغول شوند که سود چندانی به حال اقتصاد کشور ندارد.

مسائل مذکور نشان می دهد که سبک زندگی کنونی ما تناسب چندانی با اقتصاد مقاومتی ندارد و نمی تواند مقوم آن باشد. به نظر می رسد که نقطه کانونی برای موفقیت در تحقق اقتصاد مقاومتی، اصلاح برخی عادت ها و شیوه ها در سبک زندگی می باشد. بنابراین، انجام برخی اصلاحات در الگوی اشتغال و کسب درآمد در کشور، اصلاح الگوی مصرف، تلاش برای حذف دلایلی ها و واسطه گیری ها و تغییر مشوق های برای تقویت تولید در داخل کشور و مقدم بر همه این موارد، انجام اقدامات فرهنگی متناسب با اقتصاد مقاومتی می تواند توندبخش آفتی روشن برای تحقق این الگو باشد. امید است در سال اقتصاد مقاومتی، شاهد اقدام و عمل دوشادوش مردم و مسئولان برای تحقق اقتصاد مقاومتی باشیم.

